



لبیک هلال احمر
به پیام رهبرانقلاب

توصیه به سلامت

- :: خداوند امدادگراست
- :: تسکین درد با مرهم شعر
- :: مهربان و مراقب باشیم
- :: نه تومیان و نه من
- :: نماینده ملت
- :: پیروزی نور بر ظلمت
- :: استقامت برای رضای خدا



نیست فرقی درمیان انبیا
جمله یک نورند حول کبریا
There is no difference between the Divine Prophets.
All of them are lights revolving
around His Majesty

خط گرافیک انبیا اولوالعزم
اثر: مسعود نجابتی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِفْتَاحُ کُلِّ کِتَابٍ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، کلید هر نوشته ای است.

مکتب الرسول ج ۱، ص ۵۶

راهبرد

«حق مداری» اساس عقلانیت
صحيح و اسلامي | ۶

اقتدار بر محور عقلانیت | ۹

احیای عقلانیت در جامعه
ثمره انقلاب اسلامی است | ۱۰

تکمیل عقلانیت با معنویت و عدالت | ۱۲

عقلانیت انقلابی | ۱۳

عقلانیت، معنویت و عدالت
پایه‌های اساسی انقلاب اسلامی است | ۱۴

ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیابورند | ۱۶

عقلانیت با ترس قرابت دارد یا با شجاعت؟ | ۱۷

معمای تکلیف و نتیجه در عقلانیت معنوی | ۱۸

اندیشه

از بیگانگان مشورت نخواهید | ۲۲

مراقب چاه هلاکت باشید | ۲۳

رستگاری در مشورت کردن است | ۲۸

عترت

تعلیم دیده بدون معلم | ۳۴

به خدا سوگند نمی‌توانی
یاد ما را محو کنی | ۳۶

کارتونیکم تا ثریا برود دیوار کج!

دوستان عزیز! در این شماره، ما به بررسی اهمیت عقلانیت در اسلام و نقش آن در احیای جامعه می‌پردازیم. عقلانیت، پایه‌های اساسی انقلاب اسلامی است و بدون آن، تحقق عدالت و معنویت ناممکن خواهد بود.

عقلانیت، معنویت و عدالت

عقلانیت، معنویت و عدالت، سه رکن اساسی در نظام اسلامی هستند. عقلانیت، ما را قادر می‌سازد تا با استفاده از خرد و منطق، مسائل را حل کنیم. معنویت، ما را به سوی خداوند متعال سوق می‌دهد و عدالت، ما را به سوی برابری و انصاف می‌رساند.

عقلانیت، پایه‌های اساسی انقلاب اسلامی است

انقلاب اسلامی، بدون عقلانیت، ناقص خواهد بود. عقلانیت، ما را قادر می‌سازد تا با استفاده از خرد و منطق، مسائل را حل کنیم. معنویت، ما را به سوی خداوند متعال سوق می‌دهد و عدالت، ما را به سوی برابری و انصاف می‌رساند.

عقلانیت، ما را قادر می‌سازد تا با استفاده از خرد و منطق، مسائل را حل کنیم.

معنویت، ما را به سوی خداوند متعال سوق می‌دهد.

عدالت، ما را به سوی برابری و انصاف می‌رساند.

عقل‌ها مر عقل را یاری دهد

عقل‌ها مر عقل را یاری دهد. این عبارت، ما را به سوی تفکر و استدلال سوق می‌دهد. عقلانیت، ما را قادر می‌سازد تا با استفاده از خرد و منطق، مسائل را حل کنیم.

عقلانیت، ما را قادر می‌سازد تا با استفاده از خرد و منطق، مسائل را حل کنیم.

معنویت، ما را به سوی خداوند متعال سوق می‌دهد.

عدالت، ما را به سوی برابری و انصاف می‌رساند.

استقامت برای رضای خدا

استقامت برای رضای خدا. این عبارت، ما را به سوی پایداری و استقامت سوق می‌دهد. استقامت، ما را قادر می‌سازد تا با استفاده از خرد و منطق، مسائل را حل کنیم.

استقامت، ما را قادر می‌سازد تا با استفاده از خرد و منطق، مسائل را حل کنیم.

معنویت، ما را به سوی خداوند متعال سوق می‌دهد.

عدالت، ما را به سوی برابری و انصاف می‌رساند.

همکاران:
مجید صالحی، محمد جواد کسمایی، شایان ضیایی
محمد رضا بختیاری، فرناز رخشنده، حمید پورصمیمی
محمد جهان شاهی، نازنین رشیدبیگی، محمود اورعی
مهتاب هاشم‌زاده، فریده خان محمدی، علی پورمحسنی
جواد اسماعیلی، حسن الماسی

مدیرمسئول:
عبدالحسین معزی
سردبیر:
یاسر احمدوند
معاون سردبیر:
محمد مهدی بیگلری

جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران
صاحب امتیاز:
حوزه نمایندگی ولی فقیه

مروارید
هلال

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی بارویکرد دینی
دوره جدید، شماره ۲۵، آبان ۱۳۹۹، سال ششم
شماره پیاپی ۶۱
ربیع الاول - ربیع الثانی ۱۴۴۲ - اکتبر - نوامبر ۲۰۲۰

جان پدر کجاستی...؟

۵۲

حمیدرضا کاروانی / تهران - گفتنی است
دانشی دانشگاه آزاد



چرا پدر کجاستی...؟

در روزهای سرد زمستان، وقتی که برف سفید پاییزی بر روی زمین می‌بارد، من به یاد پدر می‌افتم. پدر من که در روزهای پایانی عمرش، در حالی که من در راهپیمایی کربلای معلی شرکت کرده بودم، مرا در میان جمعیت دید و با لبخند به من نگاه کرد. آن لحظه، من فهمیدم که پدر من در جایی است که من نمی‌توانم او را ببینم، اما او مرا می‌بیند.

تاریخچه
پدر من، علی‌اکبر، یک معلم بود که در دوران جوانی، در راهپیمایی کربلای معلی شرکت کرد. او در راهپیمایی کربلای معلی، در حالی که من در راهپیمایی کربلای معلی شرکت کرده بودم، مرا دید و با لبخند به من نگاه کرد. آن لحظه، من فهمیدم که پدر من در جایی است که من نمی‌توانم او را ببینم، اما او مرا می‌بیند.

تاریخچه
پدر من، علی‌اکبر، یک معلم بود که در دوران جوانی، در راهپیمایی کربلای معلی شرکت کرد. او در راهپیمایی کربلای معلی، در حالی که من در راهپیمایی کربلای معلی شرکت کرده بودم، مرا دید و با لبخند به من نگاه کرد. آن لحظه، من فهمیدم که پدر من در جایی است که من نمی‌توانم او را ببینم، اما او مرا می‌بیند.

تاریخچه
پدر من، علی‌اکبر، یک معلم بود که در دوران جوانی، در راهپیمایی کربلای معلی شرکت کرد. او در راهپیمایی کربلای معلی، در حالی که من در راهپیمایی کربلای معلی شرکت کرده بودم، مرا دید و با لبخند به من نگاه کرد. آن لحظه، من فهمیدم که پدر من در جایی است که من نمی‌توانم او را ببینم، اما او مرا می‌بیند.

تقسیم جهان؛ لاله‌های درخون خفته

۵۸

محمدرضا کاروانی / تهران - گفتنی است
دانشی دانشگاه آزاد



تقسیم جهان

در سال ۱۹۴۵ میلادی، در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم، در سانفرانسیسکو، آمریکا، یک نشست بین‌المللی برگزار شد. در این نشست، بزرگان جهان تصمیم گرفتند که جهان را بین خود تقسیم کنند. در این نشست، بزرگان جهان تصمیم گرفتند که جهان را بین خود تقسیم کنند. در این نشست، بزرگان جهان تصمیم گرفتند که جهان را بین خود تقسیم کنند.

تقسیم جهان

در سال ۱۹۴۵ میلادی، در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم، در سانفرانسیسکو، آمریکا، یک نشست بین‌المللی برگزار شد. در این نشست، بزرگان جهان تصمیم گرفتند که جهان را بین خود تقسیم کنند. در این نشست، بزرگان جهان تصمیم گرفتند که جهان را بین خود تقسیم کنند.

تقسیم جهان

در سال ۱۹۴۵ میلادی، در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم، در سانفرانسیسکو، آمریکا، یک نشست بین‌المللی برگزار شد. در این نشست، بزرگان جهان تصمیم گرفتند که جهان را بین خود تقسیم کنند. در این نشست، بزرگان جهان تصمیم گرفتند که جهان را بین خود تقسیم کنند.

تقسیم جهان

در سال ۱۹۴۵ میلادی، در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم، در سانفرانسیسکو، آمریکا، یک نشست بین‌المللی برگزار شد. در این نشست، بزرگان جهان تصمیم گرفتند که جهان را بین خود تقسیم کنند. در این نشست، بزرگان جهان تصمیم گرفتند که جهان را بین خود تقسیم کنند.

اخبار استان‌ها

۶۶

محمدرضا کاروانی / تهران - گفتنی است
دانشی دانشگاه آزاد

بازدید از روستای زلزله‌زده و نکتی میانه

وزیر راه و ترابری، در بازدیدی از روستای زلزله‌زده و نکتی میانه، از روند بازسازی و کمک‌های مردمی خبر داد. وزیر راه و ترابری، در بازدیدی از روستای زلزله‌زده و نکتی میانه، از روند بازسازی و کمک‌های مردمی خبر داد.

در طرح ایران سلامت و ظرفیت‌های طلاب

وزیر بهداشت، در بازدیدی از یک مرکز درمانی، از عملکرد طلاب و نقش آن‌ها در ارتقای خدمات بهداشتی خبر داد. وزیر بهداشت، در بازدیدی از یک مرکز درمانی، از عملکرد طلاب و نقش آن‌ها در ارتقای خدمات بهداشتی خبر داد.

پدیده شایع به نام نکتی میانه

پدیده نکتی میانه، یک پدیده طبیعی است که در استان خراسان جنوبی رخ می‌دهد. پدیده نکتی میانه، یک پدیده طبیعی است که در استان خراسان جنوبی رخ می‌دهد.

زعمای کنگ هوشانه سند افتخار ایران اسلامی است

رئیس‌جمهور، در دیدار با اعضای کنگ هوشانه سند، از عملکرد آن‌ها در زمینه‌های مختلف خبر داد. رئیس‌جمهور، در دیدار با اعضای کنگ هوشانه سند، از عملکرد آن‌ها در زمینه‌های مختلف خبر داد.

لیک هلال احمر به پیام زلزله‌زده

هیئت مدیره هلال احمر، در بیانیه‌ای، از زلزله‌زده‌ها حمایت کرد و از مردم برای کمک‌های مردمی دعوت کرد. هیئت مدیره هلال احمر، در بیانیه‌ای، از زلزله‌زده‌ها حمایت کرد و از مردم برای کمک‌های مردمی دعوت کرد.

پادش صبراز حساب بیرون است | ۳۸

سیمای یک بانوی خردمند | ۳۹

تربیت یافته مکتب و ح | ۴۰

اعتقادی فراتر از عواطف | ۴۲

فرهنگ و ادب

معرفی کتاب | ۴۹ تا ۴۴

راهکار خلاقانه علاقه‌مند کردن کودکان به مطالعه | ۵۰

یلدا، تداوم هویت جامعه | ۵۴

پیروزی نور بر ظلمت | ۵۵

نقدی بر فیلم «ایستگاه اتمسفر» | ۵۶

تاریخ

نماینده ملت | ۶۰

نه تو مانده و نه من | ۶۲

هلال

نظارت بر حفظ سرمایه‌های مادی و معنوی هلال احمر | ۶۴

بازتاب صادقانه وقایع اعتمادساز است | ۷۰

خداوند امدادگراست | ۷۲

مهرماه از نوشته‌ها، پیشنهادها و انتقادهای شما استقبال می‌کنیم. لطفاً مطالب خود را به نشانی mehromah.helal@gmail.com ارسال فرمائید.

نشانی: خیابان ولیعصر (ع.ع.)، بالاتر از میرداماد، نبش خیابان رشید یاسمی
شماره ۱۳۶۲، ساختمان صلح | کد پستی: ۱۵۱۷۱۳۵۱۱
سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۶۶۶۴ | تلفن: ۸۸۲۰۱۳۶

● مدیر هنری: روح اله یاقوتی
● صفحه‌آرایی: دفتر مشکاة هنر
● چاپ: واژه پرداز اندیشه
● عکس جلد: بهنام رضازاده
● مسئول پشتیبانی: فیروز شیخی
● باسپاس از همراهی: حامد جبلی، حسام خراسانی
و مسئولان محترم دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان‌ها

ما هم نمی دانیم

سخنان اخیر وزیر بهداشت درباره ناکارآمدی پژوهش در نظام درمان و کاربردی و مفید نبودن تحقیقات این حوزه واکنش متصدیان پژوهش و تحقیق در این وزارتخانه را برانگیخت و گروهی از مخالفان و موافقان این نظر در مقابل هم صف آرایی کردند. اختلاف به حاشیه‌ها و جدال مدافعان طب سنتی و پزشکی نو نیز کشیده شد که بیراهه و بی‌نفع بود. فارغ از هیاهوهای بلند شده که عمدتاً سیاسی بود، حرف وزیر اذعان به این نکته بود که اکنون نظام درمان فاقد راهبرد عالمانه در مواجهه با بحران کروناست. ما دانش لازم را در مدیریت چنین بحرانی نداریم یا به‌کار نمی‌بندیم.

موضوع و موضع مهمی است که آنچه بحران را مدیریت می‌کند دانش و آگاهی به ابعاد بحران، توانایی برآورد درست میزان و گستره آثار آن در وجوه مختلف زندگی متأثران از بحران، شناخت درست راه‌های مختلف مقابله با آن و نهایتاً شناسایی دقیق ابزارهای موجود و ظرفیت‌های قابل به‌کارگیری در مدیریت است. این اعتراف مهم به "ندانستن" اگرچه تلخ است اما می‌تواند راهگشا باشد.

حقیقت این است نه فقط در نظام درمان بلکه در همه نظامات مربوط به انواع بحران در کشور با این مسأله مواجه هستیم. نداشتن دانش کارآمد، بحران اصلی است. بحران فقدان دانایی در جمعیت هلال احمر نیز مشهود است. این نادانستن در هنگامه واقعه و بروز حادثه کاملاً هویداست و اهل هلال می‌دانند چه می‌گویم. آشفستگی در مدیریت حوادث سبب می‌شود هزینه قابل توجهی مصروف و بازدهی حداقلی به دست آید.

هلال احمر با صد سال سابقه هنوز نتوانسته دانش مورد نیاز در رابطه با بحران را در زمینه‌های مختلف تولید کند. این دانش فقط مربوط به رخداد فاجعه (زلزله، سیل، آتش‌سوزی، رانش، و...) نیست بلکه بسیار فراتر و گسترده‌تر از این‌هاست. هلال در حوزه سلامتی، رنج‌های بشری، تبعیض و صلح مأموریت دارد. آیا برای شناخت رنج انسان ایرانی در دوران کنونی تلاشی صورت گرفته است؟ این‌ها شاید حرف‌های نامربوط و توقعات نابجاست. خوب درباره پیشگیری از سوانح و بحران‌های زیست‌محیطی منجر به بروز یا تشدید بلایا چطور؟ درباره آثار اجتماعی حوادث چطور؟ درباره مشارکت جویی در یاریگری چه؟ در باب جامعه بحران زده چه؟ درباره هزار موضوع و سؤال مرتبط دیگر چطور؟ هلال چرا درباره همین حوادث سیل در استان‌های مختلف دست به کار تحقیق هدفمند نمی‌زند؟ چرا ابعاد و آثار این حادثه در استان‌های مختلف بر وجوه مختلف زیست مردم سنجیده نمی‌شود؟ چرا هلال بر اساس یافته‌های متقن، کوتاهی‌های منجر به تشدید آثار تخریبی سیل را روشن نمی‌کند؟ البته فهرستی از پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌هایی با این عناوین را می‌توان ردیف کرد اما کدام دستاورد و راهکار اجرایی در این تحقیقات روی میز مدیران هلال قرار گرفته و در کار هلال اثر بخشیده است؟

حقا که تلنگر "ما نمی‌دانیم" ارزشمند است و هوشیار کننده. باید قدر دانش کاربردی در زمینه اهداف هلال دانسته شود و برای پیدا کردن سؤال‌های درست تلاش کرد. کاش بدانیم که بسیار نمی‌دانیم.

یاسر احمدوند

سرمدیر



در بخشی از بیانات اخیر رهبر انقلاب در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح ایشان با توجه به برخی رویدادها و مباحث داخل کشور به مسأله «عقلانیت» اشاره نمودند و آن را مبنای تصمیم‌گیری در همه ارکان کشور دانستند. از این رو بخش «راهبرد» این شماره را به این موضوع اختصاص دادیم. نگاهی به شاخص‌های عقلانیت در اندیشه رهبر انقلاب، مطلبی درباره «عقلانیت انقلابی» در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقاله‌ای با موضوع سه‌گانه عقلانیت، عدالت و معنویت از منظر رهبر انقلاب، بررسی عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری و مقاله‌ای درباره موازنه واقعیت‌نگری و آرمان‌نگری که یکی از پرسش‌های اساسی در رفتار انقلابی است مطالب این بخش را تشکیل می‌دهند.

« راهبرد



اقتدار بر محور عقلانیت

احیای عقلانیت در جامعه ثمره انقلاب اسلامی است

معمای تکلیف و نتیجه در عقلانیت معنوی



نگاهی به شاخص‌های عقلانیت در اندیشه رهبر معظم انقلاب

«حق‌مداری» اساس عقلانیت صحیح و اسلامی

محمد رضا اسکندری

۱. اصل خدا محوری

یعنی اعتقاد به این واقعیت که، همان‌طور که خدا جویی و خداپرستی به عنوان یکی از گرایش‌های فطری مطرح است، خداشناسی فطری نیز به دو صورت شناخت «حضوری» و «حصولی» قابل طرح است به عبارت دیگر، شناخت فطری خدا هم از طریق دل و هم از طریق ذهن قابل تحقق است. رئالیسم معرفتی؛ رئالیسم معرفتی یا واقع‌گرایی معرفت‌شناختی، دیدگاهی است که براساس آن، جهان به طور مستقل از ذهن انسان، وجود دارد و انسان از راه ادراک می‌تواند کیفیات و اشیائی را که جزئی از این جهان هستند درک کند نقطه مقابل این دیدگاه ایده‌آلیسم است. «امام بارها این مضمون را در کلمات خود بر زبان می‌آورد و بیان می‌کرد: «هر چه هست از خداست»، او همه چیز را از خدای دانست؛ هضم در اراده خدا و حل در حکم الهی بود. و پیوسته می‌فرمود: «انقلاب را خدا پیروز کرد. و خرمشهر را خدا آزاد کرد. دل‌های مردم را خدا جمع کرد.» او همه چیز را از منظر الهی می‌دید و عامل به احکام بود. خدای متعال نیز درهای رحمت را به روی او باز می‌کرد.»

اگر عقلانیت اسلامی را به سه سطح عقلانیت معرفتی، عقلانیت اخلاقی و عقلانیت ابزارری دسته‌بندی کنیم، عقلانیت غربی از سه حوزه فوق تنها به سومی اکتفا کرده است. گفتمان عقلانیت محور مقام معظم رهبری در تمامی ابعاد گفتمانی فراگیر و مورد قبول تمامی جریان‌های دلسوز و خدمتگزار نظام بوده است. نوع نگاه‌های تاکتیکی به این گفتمان در بعد از رحلت حضرت امام (ره) وجود داشته و اشخاص و دولت‌ها علی‌الخصوص روسای دولت‌ها نظرات و دیدگاه‌های گوناگونی داشتند. اما آنچه که مهم بود پذیرش عقلانیت صحیح از سوی همه جریان‌ها و تشکل‌های سیاسی و حتی نخبگان سیاسی بود که به عنوان مساله حیاتی در تداوم و پایداری نظام ریشه‌دار اسلامی مؤثر بود. نوشتار زیر با تحلیل این موضوع درصدد ارزیابی و مشخص نمودن مؤلفه‌های آن است. ■

شاخص‌های عقلانیت

تفکر عقلانی در انقلاب اسلامی ایران جایگاهی خاص داشته است که در چارچوب شاخص‌های آن قابل ارزیابی است. عمده‌ترین شاخص‌های عقلانیت تفکر صحیح در نگاه رهبری به اختصار در مفاهیم زیر قابل بررسی است.

که خودشان خسته شده‌اند به مردم نسبت می‌دهند: مردم خسته شده‌اند! نه، نخیر. مردم آن وقتی که احساس کنند مسئولین کشور با سربلندی مسلمانی و عبودیت خودشان را اعلام می‌کنند، خوشوقت می‌شوند؛ خوشحال می‌شوند.»

۴. مبتنی بر مصالح ملی و اسلامی

در عقلانیت صحیح منافع ملی و مصالح عالیه اسلامی مغایر با منافع شخصی، حزبی و گروهی است. در موارد و بندهایی از قانون اساسی اشاراتی صریح بر منافع ملی و مصالح عالیه اسلامی وجود دارد که جریان‌های سیاسی نمی‌توانند از آن عدول نمایند. هر جریان و تشکلی هم که بخواهد از این خط عدول نماید در مقابل پارلمان، مردم و رهبری مسئول است و به آسانی نمی‌توان از تصمیمات شخصی علیه منافع ملی عدول نمود. مهم‌ترین‌ها در شناسایی نخبگان تصمیم‌گیرنده و تأسیس احزاب و تشکل‌ها گزینش‌هایی صورت می‌گیرد که عدول از منافع ملی و اسلامی غیرممکن است. گرچه سختی‌هایی در این موارد وجود دارد اما به طور کلی در راستای منافع ملی است بیانات مقام معظم رهبری حتی در زمینه تحلیل‌ها و نتایج دانشجویان در راستای خدمت‌رسانی به مردم نمونه‌ای اعلی از منافع ملی است که در کلام ایشان دیده می‌شود. با تحلیل خدمت‌رسانی به مردم در کلام ایشان می‌توان گفت منافع ملی همواره در رهنمودهای ایشان وجود داشته و دیگر نهادها و دستگاه‌ها هم بر اساس قانون موظف به تأمین منافع ملی بوده‌اند. بنابراین منافع ملی و مصالح عالیه اسلامی یکی از شاخص‌های عقلانیت صحیح در ایران اسلامی خدامحور بوده است.

۵. عدالت‌طلبی

معظم‌له در تبیین اهمیت و جایگاه عدالت در نظام اسلامی، به پیوند عقلانیت و عدالت اشاره داشته و عقلانیت را ضامن سلامت نهضت عدالتخواهی معرفی نموده بودند. ایشان در عباراتی مفصل از دو نوع عقلانیت چهره برداشته و در نسبت آن با عدالت می‌فرمایند: «من می‌خواهم این نکته را هم عرض کنم که اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالی که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند.»

۶. محاسبه‌پذیری

عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با

۲. حق‌مداری

در واقع اساس عقلانیت صحیح و اسلامی «حق‌مداری» است. حق به معنای درمیان طریق راه رفتن و راستی و درستی را دنبال نمودن و از روی حکمت چیزی را در جای خود قرار دادن است. و تبعیت از حق و حق‌مداری در باب اندیشه و نظر، مجهز گشتن به سلاح منطق و مزین شدن به جامه یقین و دوری از مغالطه‌کاری و خیال‌بافی و پرهیز از تبعیت اشخاص، به جای تبعیت از قول حق و درست است و در باب عمل، محاسبه نفس، بندگی، خداترسی و یاد مرگ و قیامت، سلوک در طریق حق می‌باشد و مسلماً وقتی حق برای انسان آشکار شد اهل حق، ملازمان و یاران حق و حقیقت‌اند.

همان‌طور که امیرالمؤمنین (ع) فرموده بود: «لا یعرف الحق بالزجاج؛ با چهره‌ها نمی‌شود حق را تشخیص داد. یک چهره موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمی‌تواند شاخص حق باشد. گاهی چهره موجهی مثل بعضی از صحابه پیغمبر راه را عوضی می‌روند، اشتباه می‌کنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت. جماعت جوان مؤمن گردآمده در زیر سقف بسیج و پرچم بسیج، این بصیرت را نشان دادند؛ نشان دادند با بصیرتند. بصیرت، عنصر اول است. در آینده هم باید همین جور باشد. قدرت تحلیل باید پیدا کرد، قدرت تشخیص باید پیدا کرد. امام - کسی که پدر همه این جریان بود، حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت - فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من رو بر خواهند گرداند. شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند؛ این حرف امام (ره) است. او به ما یاد داد که راه را تشخیص بدهیم، حرکت صحیح را تشخیص بدهیم، نقشه دشمن را بفهمیم و بخوانیم تا بتوانیم بفهمیم کدام کار در جهت دشمن و در خط دشمن است و کدام کار در ضد اوست. پس بصیرت، عنصر اول است. بصیرت را نباید فراموش کرد.»

۳. تسلیم‌ناپذیری

آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار روسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخش‌های مختلف نظام در سال ۱۳۸۷ ضمن ترسیم چهره نظام اسلامی و تأکید بر اصول و پایه‌های بنیادی آن، به عقلانیت حاکم بر تصمیمات نظام اسلامی اشاره نمود و فرمودند: عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام از بالا تا پایین حاکم باشد؛ اما عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست؛ عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هر چه موفق‌تر شدن در رسیدن به این آرمان‌هاست.

«بعضی‌ها با نام عقلانیت، با نام اعتدال، با نام پرهیز از جنجال و در دسر بین‌المللی، می‌خواهند از مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند! این نمی‌شود. این نشانه بی‌صبری و نشانه خسته شدن است. گاهی این خسته شدن را



آیت‌الله

خامنه‌ای در

دیدار روسای سه

قوه و مسئولان

و مدیران

بخش‌های

مختلف نظام

در سال ۱۳۸۷

ضمن ترسیم

چهره نظام

اسلامی و تأکید

بر اصول و

پایه‌های بنیادی

آن، به عقلانیت

حاکم بر

تصمیمات نظام

اسلامی اشاره

نمود و فرمودند:

عقلانیت باید

بر تمام ارکان

این نظام از

بالا تا پایین

حاکم باشد؛

اما عقلانیت به

معنای تسلیم

نیست؛ عقلانیت

به معنای هزیمت

نیست؛ عقلانیت

برای پیش رفتن

و در جهت یافتن

راه‌هایی برای هر

چه موفق‌تر شدن

در رسیدن به این

آرمان‌هاست

محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را برنمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این طور نیست؛ محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود.

انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این طور نبود که مردم همین طوری حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. در طول سالهای متمادی به تعبیر رایج امروزی یک گفتمان حق طلبی، عدالت خواهی و آزادی خواهی در بین مردم به وجود آمده بود و منتهی شد به اینکه نیروهای مردم را استخدام کند و به میدان جهاد عظیم بیاورد و در مقابل آن دشمن صف‌آرایی کند و بر آن دشمن پیروز کند.

۷. پرهیز از تعصب

انقلاب اسلامی ایران مبتنی بود بر پذیرش واقعیات موجود و اینکه مردم ایران مردمی دین باور و خدامحور هستند و نظام سیاسی آنان باید همسو با تفکرات دینی و اسلامی آنان باشد. برپایه این خدامحوری بود که نظام طاغوت، نظامی ضد ارزش‌های دینی و ضد خدامحوری بود. نظام طاغوت همسو با تفکر اسلامی و خدامحوری نبود. برپایه ارزش‌هایی بود که از بیرون بردرون تحمیل می‌شد. این عدم همسویی با درون در چارچوب واقعیتی بود که انقلاب اسلامی را مور پذیرش همگانی قرار گرفت. رفراندوم قانون اساسی و رأی به جمهوری اسلامی ایران بیانگر همین پذیرش همگانی بود که در چارچوب عدم تعصب بود. تداوم انقلاب هم با تعصب همخوانی ندارد و در عوض آنچه که به انقلاب اسلامی اهمیت می‌دهد همسویی با خدامحوری و پذیرش تفکر موجود یعنی اسلامیت خواهی است. تعصب با خدامحوری و فطرت انسانی و ارزش‌های انقلاب همخوانی ندارد و مضافاً اینکه چون ارزش‌های خدامحوری و اسلامیت خواهی مورد تأیید عقل انسانی است و همسو با عقل است عقلانیت صحیح خارج از تعصب و همخوانی با آن ندارد.

۸. پرهیز از شتابزدگی

عقلانیت صحیح با اصول و محاسبات تفکر و اصل مشورت همخوانی دارد. اصل شورایی اسلام بیانگر این است که در تفکرات اسلام تصمیمات باید در طول زمان و با هماهنگی اتخاذ شود. تصمیماتی که اتخاذ می‌شود تصمیماتی زمان بر هستند و از مراجع و کانال‌هایی که طی می‌شود که در قالب سنتز دموکراسی دینی قابل بررسی است. مردم سالاری دینی که نمونه آن در جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود، نمونه‌ای از مدل تصمیم‌گیری است که هماهنگی و آینده‌نگری را لحاظ نموده و بر شتابزدگی و عدم انسجام در تصمیمات تأکید دارد. مهم‌ترین نکته در این مدل به رویه‌هایی اشاره شده است که در دشمن‌شناسی مورد تحلیل قرار گرفت است و با استفاده از تصمیمات



انقلاب عظیم

اسلامی ما ناشی

از یک عقلانیت

بود. این طور نبود

که مردم همین

طوری حساب و

کتاب به خیابان

بیایند و بتوانند

یک رژیم آن

چنانی را ساقط

کنند؛ محاسبات

عقلانی و کار

عقلانی و کار

فکری شده بود.

در طول سالهای

متمادی به تعبیر

رایج امروزی یک

گفتمان حق

طلبی، عدالت

خواهی و آزادی

خواهی در بین

مردم به وجود

آمده بود

شتابزده دشمن موقعیت‌ها و فرصت‌ها را شناسایی می‌کند. این تحلیل حتی در کلام مقام معظم رهبری و در دیدار با دانشجویان وجود داشت و ایشان می‌فرماید: «کسانی هستند که واقعاً دنبال این هستند که همان غفلت - غفلت محاسباتی - همان اغوای شیطانی که نسبت به عقلانیت این کشور در یک دوره‌ای وجود داشت، همان مجدداً حاکم بشود. در مقابل اینها باید ایستاد. حرکت حرکت صحیح و عقلانی است.» اصل غفلت و محاسبه نادرست دشمن ناظر بر شتابزدگی در تصمیماتی است که اتخاذ می‌شود و در انقلاب اسلامی ایران این اصل همواره وجود داشته است که حرکات دشمن شناسایی و رصد شود. این بدین معناست که از تجربیات دشمن آموخته ایم که خود ناظر بر عدم شتابزدگی در تصمیمات بوده است. تجربه انقلاب اسلامی ایران در جنگ تحمیلی، تحریم‌ها، ترورهای کور دشمنان و معارضان نشان داد که برخلاف تصور دشمن جمهوری اسلامی ایران در برآوردهای استراتژیک نگاه‌های جامع داشته و مسئولین در ادوار گوناگون بر اساس اصول دموکراسی دینی عمل نموده‌اند. شتابزدگی در این ادوار وجود نداشته و اگر ناهماهنگی‌هایی هم صورت گرفته باشد با هدایت و رهنمودهای مقام معظم رهبری در مسیر صحیح هدایت شده است.

۹. مبارزه با سلطه

عقلانیت صحیح و اسلامی هرگونه سلطه‌ای را رد می‌کند. نه باید زیر بار سلطه رفت و نه بردیگران سلطه راند. حتی اگر حرف حقی داشته باشد آن را با منطق و استدلال پیش می‌برد. فقط در برخی موارد حق تعرض دارد که در فقه دارای بحث مفصلی است و همه علما «جهاد ابتدایی» را از شئون معصوم (ع) می‌دانند.

با رجوع به بیانات و گفتارهای رهبر معظم انقلاب می‌توان به این نتیجه رسید که «ضدیت با نظام سلطه» را می‌توان به عنوان هسته مرکزی دکترین ایشان در نظر گرفت. ضدیت با سلطه در دکترین ایشان، هم ناظر بر بُعد اسلامی و دینی است که خداوند متعال به صراحت در آیه ۱۴۱ سوره نساء فرموده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» و هم ناظر بر ابعاد ژئوپولیتیک و معطوف به لزوم ارتقای جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌المللی مبتنی بر سلطه و نظم شکل گرفته پس از جنگ‌های جهانی و جنگ سرد است. در دکترین سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای، امروز در دنیا نظام سلطه حاکم است و این نظام مسئول بدبختی ملت‌ها و انسان‌ها در سراسر عالم است. نظام سلطه یعنی اینکه کسی در دنیا به اتکای سرنیزه و زور، قلدری کند و شرم نکند و دیگران هم قلدری او را تحمل کنند. این نظام که مانند آختاپوسی خطرناک و مثل سرطان دنیا را گرفته است، از دورانی که مسأله استعمار در دنیا شروع شد، یعنی از قرن نوزدهم سر کار آمد. این نظام از دورکن سلطه‌گر که همان ابرقدرت‌ها بوده و سلطه‌پذیر که دخالت‌های وقیحانه و گستاخانه ابرقدرت‌ها را قبول می‌کنند، تشکیل شده است. □



در بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح ایشان با توجه به برخی مباحث داخل کشور به مسأله «عقلانیت» اشاره نمودند و آن را مبنای تصمیم‌گیری در همه ارکان کشور دانستند. این بخش از سخنان ایشان را با هم می‌خوانیم: ■

نادانسته گاهی حرف‌های دشمن را تکرار می‌کنند. اینکه شما می‌بینید علیه امکانات موشکی ما، علیه تشکیلات نظامی ما کارهایی می‌شود، تبلیغاتی می‌شود و علیه توانایی‌های منطقه‌ای ما که بسیار مهم است و برای قدرت دفاعی ما حائز اهمیت است، تبلیغات می‌شود و علیه اینها حرف می‌زنند - این یاوه‌گوهای آمریکایی که ملاحظه می‌کنید دیگر؛ واقعاً آراذل یاوه‌گو که هر حرفی به دهنشان می‌آید، بی‌محابا و بی‌محاسبه می‌زنند، هر جا می‌روند می‌نشینند علیه جمهوری اسلامی حرف می‌زنند - این‌ها به خاطر همین است که این امکانات اساسی ما با محاسبه دقیق به وجود آمده و ان‌شاءالله پیش خواهد رفت و اینها [تبلیغات دشمنان] ناشی از عقب‌ماندگی آنها در این میدان و ناشی از ترس آنها است.

بنابراین، مهم این است که دستگاه محاسباتی را حفظ کنیم، سالم نگه داریم، نگذاریم دچار اختلال بشود. اگر دستگاه محاسباتی ما اختلال پیدا کند، بسیاری از امکانات ما هم از دست ما خواهد رفت، شرایط خوب ما تبدیل به شرایط بد خواهد شد.

فقط هم مسئله نیروهای مسلح و دستگاه دفاعی و قدرت دفاعی نیست که باید ناشی از عقلانیت باشد؛ نه، در همه مسائل مهم برای اداره یک کشور و بخصوص در جمهوری اسلامی که این همه اسلام بر روی عقل و تعقل و تفکر تکیه کرده، اگر بخواهیم کارها درست پیش برود، بایستی بر مبنای عقلانیت عمل کنیم. ما ظلم‌ستیزی را هم بر اساس عقلانیت می‌گوییم، عدالت‌خواهی هم باید بر اساس عقلانیت باشد، مبارزات اجتماعی ما هم باید بر اساس عقلانیت و محاسبه درست باشد؛ گرفتار حاشیه نشویم، اصل و فرع را هم اشتباه نگیریم. ■

مبنای اقتدار در جمهوری اسلامی یک مبنای «عقلانیتی» است؛ یعنی ما اقتدار را بر اساس احساسات و عواطف و توهمات و مانند اینها دنبال نمی‌کنیم. محاسبه اقتدار ملی یک محاسبه عقلانی است؛ یعنی یک محاسبه درست و منطقی. حد و اندازه قدرت دفاعی، عرض و طول نیروهای مسلح، چگونگی تقسیم مسئولیت‌ها میان نیروهای مسلح و تعیین انواع ابزارهای دفاعی، همه بر اساس محاسبات درست و منطقی است؛ یعنی بر اساس عقلانیت است. ما اگر بخواهیم عقلانیت را به کار بگیریم برای مشخص کردن حد و حدود قدرت دفاعی مان، بایستی تهدید را به شکل واقعی خودش ببینیم. دشمنان گاهی تهدید را مخفی می‌کنند، پنهان می‌کنند برای غافلگیری، گاهی تهدید را در برابر بزرگ‌تر نشان می‌دهند برای ایجاد ترس و رعب در ملت‌های عالم که این کار دؤم را بیشتر ابرقدرت‌ها می‌کنند؛ تهدید خودشان را، قدرت خودشان را، خیلی خیلی بیشتر از آنچه هست نشان می‌دهند برای اینکه دیگران را وادار به تسلیم بکنند. اگر چنانچه یک ملتی، یک کشوری و نیروهای مسلح او و سردمداران و مدیران نیروهای مسلح تهدید را در اندازه واقعی خودش ببینند، از طرفی ظرفیت‌های خودشان و توان و استعداد خودشان را هم به صورت واقعی ببینند و آن را اعداد کنند، آن را بسیج کنند، آماده کنند - وَاَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ هر چه می‌توانید اعداد کنید - امکانات خود را اعداد بکنند و توان تهدید دشمن را هم ببینند، این قطعاً منافع ملی را تأمین خواهد کرد و موجودیت ملی را حفظ خواهد کرد، هویت ملی را محفوظ خواهد داشت. اگر ملت قدرت دفاعی پیدا کرده از یک چنین محاسبه‌ای را داشته باشد، آن وقت مسئولان طمأنینه پیدا می‌کنند، مردم آرامش پیدا می‌کنند و با آرامش خیال مشغول کارهای اساسی‌ای که در یک کشور لازم است می‌شوند. بنابراین، قدرت دفاعی این جوری است.

تفاوت عقلانیت با ترسیدن از دشمن

ما عرض کردیم که عقلانیت به معنای محاسبه درست است؛ محاسبه صحیح و درست و دستگاه محاسباتی سالم؛ عقلانیت به این معنا است. بعضی‌ها اسم عقل و عقلانیت را که می‌آورند، منظورشان از عقلانیت ترسیدن است؛ وقتی می‌گویند عاقل باشید، یعنی بترسید، یعنی منفعل باشید، یعنی از مقابل دشمن فرار کنید؛ نه، [این درست نیست]؛ ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیاورند. ترسیدن و فرار کردن و میدان را خالی کردن، اسمش عقلانیت نیست، اسمش همان ترس و فرار و مانند اینها است؛ عقلانیت یعنی محاسبه درست. البته دشمن سعی می‌کند عقلانیت به آن معنای غلط را تلقین کند، بعضی هم



اسلامی است. همچنین در ارکان تفکر و تمدن اسلامی، عقلانیت در کنار نوگرایی و سماحت اسلامی قرار می‌گیرد.

۴ ارتباط انقلاب و عقلانیت

عقلانیت برآمده از اندیشه و فرهنگ انقلابی است یا به عکس، انقلاب اسلامی برآمده از عقلانیت مردم و رهبر انقلابی است؟ در دستیابی برای پاسخ این پرسش، به رابطه‌ای دوسویه (ترابط) میان این دو مفهوم می‌رسیم. از سویی با توجه به نشانه‌هایی از این قبیل، می‌توان اینگونه تبیین کرد: قدرت تحلیل بالا و صحیح، قدرت شناخت دشمن و تحلیل مسائل منطقه از نشانه‌های احیای عقلانیت جامعه است و می‌توان گفت: احیای عقلانیت در جامعه، ثمره انقلاب اسلامی است و از دیگر سو انقلاب اسلامی، نتیجه گفتمان عقلانیت و محاسبه و تحلیل عقلانی مردم انقلابی بوده است.

همچنین متناظر با سلوک انقلابی حضرت امام خمینی (ره) و آنچه که با عنوان مکتب امام (ره) - به معنای راه و میراث و منظومه فکری او - می‌شناسیم، می‌توانیم بگوییم که مکتب امام (ره)، مبتنی بر معنویت و عقلانیت و عدالت است و نقشه و کار اصلی حضرت امام (ره)، بنای یک نظم مدنی - سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «مکتب امام یک بسته کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعاد است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی‌گرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت؛ امید او به خدای متعال، امید پایان ناپذیری بود. و در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است... بُعد سومی هم وجود دارد، که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است. عقلانیت امام هم از اسلام است، معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است، این بُعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است؛ و آن، بُعد عدالت است. اینها را باید با هم دید. تکیه بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطای کشاند، به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه وجود متوجه به بُعد عدالت بود.»

۴ معنانشناسی عقلانیت

کتمان نمی‌توان کرد که تلقی و تعریف از «عقل» مبنای تعریف ما از عقلانیت خواهد بود و عقل، از مشهورترین اشتراکات لفظی است که در اندیشه و منظومه‌های فکری مختلف، معانی گوناگونی را بر آن وضع کرده‌اند. علاوه بر این - از حیث وجودی - عقل، دارای مراتب تشکیکی است. گاه عقل به معنای قوه ادراک در انسان در کنار قوای

مروری بر زوایای مختلف «عقلانیت انقلابی»

احیای عقلانیت در جامعه ثمره انقلاب اسلامی است

رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنرانی‌هایشان به مناسبت سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره)، به تشریح و تبیین مساله «عقلانیت انقلابی» پرداختند. این نوشتار، نگاهی گذرا به این مفهوم در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دارد. ■

در اندیشه و کلام آیت‌الله خامنه‌ای، عقلانیت انقلابی چیست و اگر از نقد عقلانیت انقلابی نسبت به عقلانیت غربی (از جمله سازش با نظام سلطه) سخن می‌گوییم، مهم‌ترین مؤلفه‌های عقلانیت انقلابی را چه می‌دانیم؟ رابطه میان انقلابیگری با عقلانیت چگونه است و مهم‌ترین مبانی عقلانیت انقلابی کدامند؟ این پرسش‌ها، ساختار علمی این مقاله را سامان می‌دهند و در این مقاله، سعی خواهد شد که مبتنی بر کلام و منظومه فکری رهبر انقلاب اسلامی، پاسخ‌های کوتاهی را برای این پرسش‌ها بیان کنیم. در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، اسلام با سه‌گانه عدالت، عقلانیت و معنویت معنا می‌شود. این سه با هم محقق می‌شوند و از یکدیگر غیرقابل انفکاکند. عقلانیت، از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت است. در فرآیند جامعه‌سازی اسلامی، معنویت روح کار، عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار و عدالت جهت‌دهنده و ارزشگذار کارها در نظام



.....

عدالت، عقلانیت و معنویت با هم محقق می‌شوند و از یکدیگر غیرقابل انفکاکند.

عقلانیت، از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت است.

معنویت روح کار، عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار و عدالت جهت دهنده و ارزشگذار کارها در نظام اسلامی است.

ارکان تفکر و تمدن اسلامی: نوگرایی و سماحت و عقلانیت.

نظام سیاسی اسلام و برآمده از سه‌گانه عقلانیت، معنویت و عدالت، مردم‌سالاری اسلامی است.

۴. تعریف و معنای عقلانیت

نزدیک‌ترین تعبیر به عقلانیت در سخنان رهبر انقلاب حکمت و خردگرایی است. عقلانیت یعنی توجه به ظرفیت کارشناسی، کار کارشناسی، مطالعه درست، ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام و حتی گاهی ملاحظه تبعات یک اظهار نظر، بکار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، کار سنجیده، عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست؛ عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هرچه موفق‌تر شدن در رسیدن به این آرمان‌هاست.

۴. آثار و نتایج عقلانیت انقلابی

- غفلت محاسباتی به علت نبود عقلانیت
- پیشرفت علمی، نتیجه عقلانیت علمی
- قدرت تحلیل بالا و صحیح
- قدرت شناخت دشمن (استکبارستیزی مبتنی بر عقلانیت)
- تحقق ارتباط میان واقع بینی با آرمانگرایی با عقلانیت
- اصول حکمت و مصلحت در سیاست خارجی ما برآمده از عقلانیت اسلامی است
- بصیرت برآمده از عقلانیت است (تقوا مقدمه بصیرت افزایشی)
- اتقان در کار برآمده از عقلانیت است
- انتخاب صحیح برآمده از عقلانیت است (انتخابات، مظهر عقلانیت ملت است)
- موقع‌شناسی برآمده از عقلانیت است
- عبرت‌آموزی برآمده از عقلانیت است
- اختلال در دستگاه محاسباتی (مسئولان) ناشی از اختلال در فرآیند عقلانیت (مسئولان) است
- باهم‌نگری و جامع‌نگری (ارزش‌ها) برآمده از عقلانیت است
- اصلی - فرعی کردن امور برآمده از عقلانیت است
- رشد فرهنگ مطالعه و کتابخوانی برآمده از عقلانیت
- تکریم جایگاه دانشمندان، علما، نخبگان، معلمان نشانگر رشد عقلانیت است
- ارتقاء جایگاه پژوهش و تتبع برآمده از رشد عقلانیت است
- نوآوری و خلاقیت برآمده از عقلانیت است
- تجربه‌اندوزی برآمده از عقلانیت است
- روحیه شاگردی و تعلم برآمده از عقلانیت است
- آینده‌نگری برآمده از عقلانیت است
- میان‌روی (پرهیز از افراط و تفریط) برآمده از عقلانیت است
- بهره‌وری (به معنی ااعم) برآمده از عقلانیت است

رهبر معظم

انقلاب اسلامی

می‌فرمایند:

«عقلانیت و

محاسبه که

می‌گوییم، فوراً

به ذهن نیاید

که عقلانیت

و محاسبه

به معنای

محافظه‌کاری،

عقل‌گرایی و تابع

عقل بودن است.

عاقل بودن و خرد

را بکار گرفتن با

محافظه‌کاری

فرق دارد.

محافظه‌کار،

طرفدار وضع

موجود است؛

از هر تحولی

بیمناک است؛

هرگونه تغییر

و تحولی را

بر نمی‌تابد و از

تحول و دگرگونی

می‌ترسد؛ اما

عقلانیت این‌طور

نیست

حسی و قلبی است، گاه به معنای فکر و خرد و قوه تدبیرگر و استدلال‌کننده است، گاهی عقل، در معنایی است که در کتب اخلاقی بکار می‌رود و مستند به حدیث مشهور «العقل ما عبد به الزحمن و اكتسب به الجنان» است، گاهی عقل به مثابه موازین عقلی و ضابطه‌های صحیح فهم و تفکر است و گاهی عقل به معنای یکی از منابع دین و استنباط احکام و دستورات الهی و در کنار کتاب، سنت و اجماع بکار برده شده است. علاوه بر این گونه‌های مختلفی از عقل مانند عقل فلسفی، عقل معیشت، عقل معنوی و... در سخنان رهبر انقلاب کاربرد داشته است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید: «عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را بکار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را بر نمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه عقلانی گاهی خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این‌طور نبود که مردم همین‌طور بی حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن‌چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. در طول سال‌های متمادی - به تعبیر رایج امروز - یک گفتمان حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی در بین مردم به وجود آمده بود و منتهی شد به اینکه نیروهای مردم را استخدام کند و به میدان جهاد عظیم بیاورد و در مقابل آن دشمن صف‌آرایی کند و بر آن دشمن پیروز کند.

بنابراین عقلانیت گاهی منشأ چنین تحولات عظیمی است. الآن هم همین‌طور است. الآن در نظام ما برخی از تحولات هست که منتجه یک نگاه عقلانی و دقیق و موشکافانه به وضع موجود و وضع دنیاست. من در زمینه مسائل گوناگون این را دارم مشاهده می‌کنم. حالت خواب‌رفتگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومی سیاسی و اقتصادی دنیا دارد می‌گذرد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعه ماست و اگر کسی درست بفهمد و بیندیشد، می‌فهمد که باید با یک تحرک و تحول، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه مسائل اقتصادی، هم در زمینه مسائل سیاسی. بنابراین عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه عقلانی را با محاسبه محافظه‌کارانه به هیچ وجه مخلوط نکنید؛ این‌ها دو چیز است.»

با استفاده از روش تحلیل مضمون، می‌توان شبکه‌ای از مضامین متناسب با «عقلانیت انقلابی» را بدین نحو از مجموعه بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب اسلامی استخراج و ارائه کرد:

۴. مبانی فکری عقلانیت انقلابی

اسلام با سه‌گانه عدالت، عقلانیت و معنویت معنا و محقق می‌شود.

سه‌گانه عقلانیت، معنویت و عدالت از منظر رهبر انقلاب

تکمیل عقلانیت با معنویت و عدالت

داود مؤذنیان



عباراتی دیگر متذکر می‌شوند که نفی این دوازده یکدیگر منجر به تبدیل عدالت به ضد خود خواهد شد. «اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود». این حقیقت با تأمل در منابع اسلامی ظاهر می‌گردد چراکه عدالت منشائی کاملاً عقلانی دارد. برای نمونه به چند کلام شریف از حضرت امیرالمؤمنین (علی ع) در رابطه با ترابط عقلانیت و عدالت اشاره می‌کنیم.

حضرت در تعریف عدل می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَصْغُ الْأُمُورَ مواضعها؛ عدل آن است که هر چیزی را در جایگاه خود قرار می‌دهد»، و آنگاه که از ایشان در مورد تعریف عاقل سؤال می‌شود، می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي يَصْغُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ؛ عاقل کسی است که هر چیز را در جایگاه خود قرار دهد».

با نگاه به این دو تعریف مشخص می‌گردد که دو مفهوم عدالت و عقلانیت (با توجه به اینکه عقلانیت همان‌گونه که گفته شد عبارت است از عقل ورزی و خردورزی و عاقل نیز کسی است که از عقل ورزی و خردورزی بهره‌مند است) تقریباً دارای تعریفی یکسان هستند و این همسانی در تعریف به دلیل درهم‌تنیدگی دو مفهوم و ترابط معنایی آنها، و نشأت گرفتن عدالت از عقلانیت است. مؤید این سخن، فرمایشی دیگر از حضرت امیرالمؤمنین هست. حضرت در حکمت ۳۱ نهج البلاغه چهار ریشه را به عنوان پایه‌های عدالت نام می‌برند که دو مورد آن «فکری ژرف‌اندیشی، و دانشی عمیق و به حقیقت رسیده» است: «وَالْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شَعَبٍ؛ عَلَى غَايِصِ الْفَهْمِ وَ غُورِ الْعِلْمِ وَ...؛ عدل بر چهار پایه برقرار است؛ فکری ژرف‌اندیشی، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده...» سپس در ادامه می‌فرماید: «مَنْ فَهِمَ عِلْمَ غُورِ الْعِلْمِ وَمَنْ عِلِمَ غُورِ الْعِلْمِ صَدَرَ آن شرایع الحکم؛ پس کسی که درست‌اندیشد به ژرفای دانش رسیده و آن‌کس که به حقیقت دانش رسیده، از چشمه زلال شریعت نوشید».

همان‌گونه که مشاهده می‌شود حضرت بن‌مایه‌های عدالت را فکری ژرف و دانشی عمیق معرفی می‌کند و عقلانیت به معنای اصیل و اسلامی نیز چیزی جز این نیست. پس لازمه تحقق عدالت به معنای حقیقی آن، دارا بودن یک نظام عقلانی راسخ و کامل است و با نفی لازم قطعاً ملزوم نیز نفی می‌گردد حال یا به نحو نقض یا به گونه مبدل شدن به ضد خود.

در اندیشه مقام معظم رهبری عقلانیت حقیقتی است که با دو عنصر عدالت و معنویت کامل می‌شود و ارتباطی تنگاتنگ بینشان حاکم است. به‌گونه‌ای که نه عدالت تهی از معنویت و عقلانیت، استعداد این را دارد که عدالت محسوب گردد و نه عقلانیت تهی از عدالت و معنویت. مسئله معنویت نیز به همین نسبت است. در حقیقت؛ عدالت، عقلانیت و معنویت باهم محقق می‌شوند و از یکدیگر غیرقابل انفکاک هستند. در این منظومه فکری، روح و اساس کار معنویت است و عقلانیت به عنوان مهم‌ترین ابزار کار محسوب می‌گردد و عدالت نیز هدف و مسیر کار است. مسئله‌ای که این یادداشت در پی آن است کشف چرایی این ارتباط معنایی است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

چرایی ارتباط معنویت با عدالت

سؤالی که ممکن است در ذهن پدید آید این است که چه ارتباطی بین دو مفهوم عدالت و معنویت وجود دارد و دلیل این ترابط معنایی چیست؟ بر اساس نظام اندیشه‌ای رهبر انقلاب که یک منظومه فکری مبتنی بر اصل توحید و آموزه‌های ناب توحیدی است و تمامی ساختارهای این نظام فکری بر این اساس بنا شده، معنویت حقیقتی است که هیچ‌گونه نقطه عطفی با ظلم‌پذیری ندارد. بر این اساس انسان معنوی کسی است که در مقابل طاغوت و ظلم، سرسازش فرود نمی‌آورد بلکه با نظام سلطه و طاغوت مبارزه خواهد کرد، چراکه معنویت اصیل و حقیقی در ذات خود ظلم‌ستیزی و ناسازگاری با طاغوت را همراه دارد؛ «آدم معنوی ای که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنوی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم». این عبارات، بیانگر تفاوت ماهوی و تعریفی «معنویت» در منظومه فکری رهبر انقلاب - با عبارتی نظام اندیشه‌ای توحیدی اصیل - با انواعی از «معنویت» های غیراصیل و سازش‌کاری است که از درون تفکرات التقاطی و سازش‌گرایانه‌ای چون انجمن حجّیه پدید می‌آید که همواره مورد نقد جدی امام خمینی (ره) بوده‌اند.

این «معنویت» همانند «عقلانیت» در مفهوم انقلابی‌گری قابل تعریف است و ارتباط معنایی دارد با عدالت. چراکه از شاخصه‌های عدالت در نگاه اسلام سکوت نکردن در مقابل ظلم و استبداد و طاغوت است و در این رابطه احادیث و آیات بسیاری وارد شده است که برای نمونه به حدیثی از حضرت علی علیه‌السلام که خود اسطوره و اسوه کامل معنویت، عدالت و عقلانیت توأمان است اشاره و اکتفا می‌کنیم: «أَحْسَنُ الْعَدْلِ نَصْرَةُ الْمَظْلُومِ؛ بهترین عدالت یاری مظلوم است».

چرایی ارتباط معنایی عقلانیت با عدالت

سؤال بعدی در ارتباط با چرایی درهم‌تنیدگی بین دو مفهوم عقلانیت و عدالت است. چه ارتباطی بین این دو برقرار است؟ رهبر انقلاب چرایی این ترابط و درهم‌تنیدگی را در منتفی شدن عدالت در صورت نفی عقلانیت از عدالت تعریف می‌کنند. بر اساس نظام فکری رهبر انقلاب، اگر عقلانیت از عدالت نفی گردد، عدالت به نقیض خودش مبدل می‌شود و در



چرایی ارتباط معنایی عقلانیت با معنویت

سؤال آخر در این قسمت در مورد چرایی رابطه میان عقلانیت و معنویت است. از آنجا که عقلانیت در نگاه اسلامی آن، صرفاً تکیه بر تجربیات و عوامل مادی ندارد بلکه یک بُعد مهم آن مسئله ماوراء، اراده و سنت‌های الهی و عوامل معنوی است، ارتباط بین معنویت و عقلانیت هویدا می‌شود. برای نظرکننده در آیات و روایات این پیوند میان عقلانیت و معنویت، و نفی جدایی این دو از یکدیگر کاملاً مشهود و بارز است. در نظام فکری رهبرانقلاب نیز جدایی بُعد معنویت از محاسبات روزمره و دنیوی یک خطای محاسباتی محسوب می‌شود.

نکته قابل ذکر در این قسمت این است که مراد از معنویت؛ اخلاص، توکل، اعتقاد به عالم ملکوت و ماوراء، اراده و مشیت الهی در امور، تکلیف‌مداری، اهل توسل بودن، اهل استمداد از خدا بودن، اهل عبادت و پایبندی به شریعت بودن است که این موارد از بیانات رهبری معظم انقلاب استخراج می‌شود. معنویت در اینجا معنویت منهای دین‌داری و شریعت یا به عبارتی معنویت سکولار همان‌گونه که برخی روشنفکران دینی ادعا کرده‌اند نیست چرا که در حقیقت، معنویت منهای دین‌داری و شریعت، معنویت محسوب نمی‌گردد. بر این اساس «پایبندی به شریعت» را می‌توان قدر مشترک امور یاد شده دانست و از آن به عنوان عبارت اخیری «معنویت» یا حداقل، لازمه آن یاد کرد. «معنویت» که بر اصول عقلانی استوار نباشد یا معارض آن باشد، نمی‌تواند تأثیری فراتر از آرامش موقت بر جان انسان بگذارد. رشد و صعود به سمت امور متعالی، بدون تشخیص دقیق هدف، راه و ابزار لازم برای وصول، ممکن نیست و تعیین هریک از این امور نیز در گرو استفاده از اصول عقلانی است. از سوی دیگر، پایبندی به چارچوب عقل، مانع پیدایش و رشد نحله‌های خرافی به نام معنویت می‌شود. پذیرش اصول بدیهی عقل، مستلزم پذیرش نتایج عقلانی در ارزیابی گونه‌های متنوع معنویت است. به عبارت دیگر، معنویت حقیقی، نه با اصول بدیهی (عقلانی) متعارض است و نه با نتایج قطعی آن. از آنجا که در نگاه اسلام شرع و عقل تفکیک‌ناپذیرند و از هم جدایی ندارند، عقلانیت و معنویت یا به عبارت دیگر عقلانیت و شریعت نیز تفکیک‌ناپذیر و درهم تنیده‌اند. □



«معنویت» که بر

اصول عقلانی

استوار نباشد یا

معارض آن باشد،

نمی‌تواند تأثیری

فراتر از آرامش

موقت بر جان

انسان بگذارد.

رشد و صعود

به سمت امور

متعالی، بدون

تشخیص دقیق

هدف، راه و ابزار

لازم برای وصول،

ممکن نیست و

تعیین هریک از

این امور نیز در

گرو استفاده از

اصول عقلانی

است

انقلاب عقلانی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی ذوعلم

« انقلاب اسلامی انقلابی عقلانی است؛ یعنی برخلاف تلقی‌هایی که از مقوله انقلاب در جامعه‌شناسی سیاسی مطرح می‌شود که می‌گوید انقلاب محصول یک هیجان اجتماعی و یک شورش کوراست، اما تلقی ما این است که در نگاه اسلام، انقلاب اسلامی یعنی آن حرکت اجتماعی که از سوی مردم صورت می‌گیرد و انقلابی عقلانی است که در میانی، فرایند و محصول اینچنین است.

ریشه‌های این بحث به این مسئله بازمی‌گردد که اساساً تحول اجتماعی در نگاه اسلام چه جایگاهی دارد؟ اسلام ناب یعنی اسلام مبتنی بر دو منبع عقل و نقل (قرآن و اهل بیت (ع)) اسلامی است که می‌توانیم بگوییم امام (ره) ارائه کرد و امروز آیت‌الله خامنه‌ای آن را تبیین می‌کند، اسلامی است که شهید مطهری و بهشتی آن را قبول دارند؛ این اسلام در درون خود، تحول‌خواهی اجتماعی را برمی‌انگیزد و نمی‌تواند جامعه‌ای مسلمان باشد، اما به دنبال تحول جامعه در جهت انطباق بیشتر با مبانی و اهداف اسلام نباشد.

مراد از عقلانی بودن این انقلاب، عقلانیت «وبری» و مدرن نیست، بلکه یک عقلانیت فطری است که لایه‌هایی دارد؛ یکی از لایه‌های آن عقلانیت فطری و الهی، لایه عقل ابزاری است که اگر تحت هدایت عقلانیت کل‌نگر نباشد، قطعاً از مسیر خود منحرف می‌شود. در تمدن غرب می‌بینیم که تأکید بر عقلانیت لازم و مفید است، اما بازسازی تعریف عقلانیت در نگاه اسلام و تفاوت بنیادینش با نگاه مدرن امروز نیز مهم است. □

بررسی عقلانیت انقلاب اسلامی

عقلانیت، معنویت و عدالت پایه‌های اساسی انقلاب اسلامی است

دکتر محمد مهدی اسماعیلی، میثم عباسی فیروزجا

ماست که در خلال آن، به آن ارزش و اعتبار داده می‌شود. عقلانیت انقلابی، به عنوان یک عقلانیت برساخته، همه مبادی و قواعدی است که انقلاب اسلامی به مثابه شالوده‌ای برای کسب معرفت، پیش پای گروندگان به آن قرار می‌دهد. عقلانیت سیاسی انقلاب، در جایگاه عقل مکون (برساخته)، ناظر به نظمی از معرفت و دانش است که متناسب و متقارن با محیط فرهنگی و اجتماعی است. از این روی، در توضیح عقلانیت انقلابی می‌توان آن را عقلانیتی برساخته دانست که در بستر فرهنگ انقلاب اسلامی شکل گرفته است و البته این عقلانیت برساخته از یک سوریته در بنیادهای فکری رهبران انقلاب اسلامی دارد. برای مثال، امام خمینی (ره) با توجه به عنصر «عقلانیت دینی»، مبنای اصلی مبارزه با رژیم طاغوت پهلوی را غیرعقلایی بودن این رژیم با توجه به منطق اسلام بر می‌شمارند و خواست ملت را کنار زدن این رژیم غیرعقلی و جایگزینی آن با جمهوری اسلامی عنوان می‌کنند. از همین روی، مقام معظم رهبری در بیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «دو بعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بعد معنویت و بعد عقلانیت است».

در اینجا عقلانیت انقلابی به معنای «به حاشیه راندن عقلانیت غربی و به میدان آوردن عقلانیت اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و مکان» است. به منظور استكمال معنوی آدمیان، عقلانیت انقلاب اسلامی، نخست سعی در ایجاد یا تحکیم و تقویت عقاید حقه در مردم می‌کند و سپس از آن عقاید حقه در جهت مقاصد انقلاب بهره می‌جوید. رهبری انقلاب اسلامی در این باره می‌فرمایند: «انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این طور نبود که مردم همین طوری حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود... بنابراین عقلانیت گاهی منشأ چنین تحولات عظیمی است». با تحلیل بیانات رهبری می‌توان مفاهیم زیرار را به عنوان مؤلفه‌های اصلی عقلانیت انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داد: دین محوری، باهم بودگی، عدالت خواهی، استکبارستیزی و مردم سالاری دینی. در ادامه، هر یک از این مفاهیم را، به اختصار، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

دین محوری

از دیدگاه رهبری، پایه اصلی و اساسی انقلاب اسلامی «دین محوری» و «اسلامیت» است که یکی از اجزای اصلی این پایه «عقلانیت» است؛ به طوری که رهبری معتقدند عقلانیت انقلاب و مکتب امام (ره) نشأت گرفته از متن دین است و تمدن اسلامی بر پایه عقلانیت قرار دارد. در واقع، رهبری عقلانیت را از ثمرات اسلام می‌دانند و با تأکید بر پیوند میان «عقلانیت» و «عقل کلی الهی» و «حقایق و حیاتی»، مفهوم «عقلانیت دینی» را تبیین می‌کنند. نقطه عزیمت این تبیین، در تحلیل بیانات ایشان «عقلانیت دینی» است که بر این مبنای دینی بودن انقلاب اسلامی نه تنها مانعی بر حرکت عقلانی این نهضت تلقی نمی‌شود



یکی از پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی، عنصر «عقلانیت» است. رهبری انقلاب اسلامی در بیانات متعددی به نقش «عقلانیت» در بنیان‌های هستی‌شناختی و معرفتی اسلام اشاره کردند و انقلاب اسلامی ایران را نیز بر مبنای آن، «انقلابی عقلانی» خواندند. رهبری در سخنرانی‌های مختلف، سعی نموده‌اند تا اندیشه‌های انقلاب اسلامی را بر مبنای «عقلانیت» تفسیر و تبیین نمایند. به طوری که واژه عقلانیت یکی از پرکاربردترین واژگان مبنایی در سخنرانی‌های ایشان بوده است. عقلانیت انقلاب اسلامی، دستگاهی از قواعد معین و پذیرفته شده در برهه‌ای از تاریخ

واشسته دچار می‌شود... عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید. البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک بعدی است. بنابراین معنویت و عدالت درهم تنیده است.

۱ استکبارستیزی

یکی از عرصه‌های مهم عقلانیت در اندیشه رهبری انقلاب اسلامی «استکبارستیزی» است که می‌توان از آن تحت عنوان «آرمان واقع بینانه انقلاب اسلامی» نام برد. مقام معظم رهبری در بیانات خود چهره واقعی استکبار را تبیین کرده‌اند و مبارزه با استکبار را یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های عقلانیت دانسته‌اند. از دیدگاه رهبری، مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی به منطق و عقلانیت وابسته است. ایشان می‌فرمایند: «مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه علمی، و یک حرکت خردمندانه است، برخلاف آنچه بعضی می‌خواهند وانمود بکنند که این یک حرکت شعاری است، احساساتی است، متکی به منطق و عقلانیت نیست، به عکس، حرکت ملت ایران یک حرکت متکی به عقلانیت است. از دین و آیه قرآن و آنچه الهام دینی است فعلاً صرف نظر می‌کنیم؛ «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و «قَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ» رافعاً کنار می‌گذاریم، چون کسانی به این چیزها معتقد هم نیستند یا باور هم ندارند؛ به تجربه ملت ایران تکیه می‌کنیم». فقره فوق، دیدگاه آیت الله خامنه‌ای را درباره هم‌بهم پیوستگی سه عنصر انقلابی‌گری، استکبارستیزی و عقلانیت نشان می‌دهد.

۱ مردم سالاری دینی

بررسی بیانات آیت الله خامنه‌ای در سالگردهای ارتحال حضرت امام (ره)، که اهمیت خاصی به لحاظ اندیشه‌ای دارد، این نکته را روشن می‌کند که یکی از مهم‌ترین مفاهیم مورد تأکید ایشان، مفهوم «مردم سالاری» بوده است. رهبری در دربیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره)، پس از آنکه «عقلانیت» را به عنوان یکی از ابعاد کلیدی مکتب امام (ره) معرفی می‌کنند، به بیان مظاهر این عقلانیت اشاره می‌کنند و «مردم سالاری» را بارزترین نمونه عقلانیت مکتب امام می‌دانند. رهبری می‌فرمایند: «من چند نمونه از مظهر عقلانیت امام عرض می‌کنم. اولین نمونه، همین گزینش مردم سالاری برای نظام سیاسی کشور بود؛ یعنی تکیه به آراء مردم. انتخاب مردم سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیات بخش و نجات بخش او بود... این، بارزترین نمونه عقلانیت امام بزرگوار ما بود». بنابراین، یکی از پایه‌های عقلانی مکتب امام خمینی (ره) و نسخه سیاست مدنی ایشان بحث از مردم سالاری دینی است که رهبری در سخنرانی‌های خود بدان اشاره کردند و مهم‌ترین نکته در برقراری مردم سالاری دینی در جامعه ایران را حضور و مشارکت مردم در انتخابات به شمار آوردند و این‌ها را جوهره انقلاب دانستند. □



یکی از

عرصه‌های مهم

عقلانیت در

اندیشه رهبری

انقلاب اسلامی

«استکبار

ستیزی» است

که می‌توان از

آن تحت عنوان

«آرمان واقع بینانه

انقلاب اسلامی»

نام برد. مقام

معظم رهبری

در بیانات خود

چهره واقعی

استکبار را تبیین

کرده‌اند و مبارزه

با استکبار را

یکی از مهم‌ترین

شاخصه‌های

عقلانیت

دانسته‌اند

بلکه موجبات تعدیل و جلوگیری از غلبه احساس و عاطفه بر روند انقلاب نیز به شمار می‌رود. ضمن اینکه انقلاب اسلامی با به چالش کشیدن عقلانیت عرفی سکولار مسیر تازه و «الگوی نوینی از تحقق عقلانیت دینی» را در جهان معاصر به منصفه ظهور رساند. این تعریف از عقل برخاسته از بطن دین کاملاً در راستای تبیین عقلانی از انقلاب اسلامی قابل دفاع و توجیه است. از همین روی، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «اسلام، دین زندگی است، اما زندگی تهی از شرف و آزادگی و عزت را مرگ می‌شمارد. دین عقلانیت است، اما با نفسانیتی که خود را عقلانیت می‌نماید و دستمایه همان کسانی است که پیامبران خدا را مجنون می‌خواندند، مبارزه می‌کند».

۱ باهم بودگی

عنصر دیگری که از مؤلفه‌های کلیدی عقلانیت انقلاب اسلامی محسوب می‌شود، ضرورت توجه هم‌زمان به «عقلانیت، معنویت و عدالت» است که آن را تحت عنوان عنصر «باهم بودگی» مطرح کردیم. توضیح آنکه از دیدگاه رهبری سه بعد عقلانیت، معنویت و عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) یک بسته تفکیک ناپذیر را تشکیل می‌دهند. علت این تأکید آن است که آنچه غرب و حتی شرق را به اضمحلال سیاسی و فرهنگی کشانده است، همین تکه تکه دیدن و غفلت از حداقل یکی از ابعاد سه‌گانه فوق الذکر است. از همین روی، آیت الله خامنه‌ای معتقد است که مکتب امام یک بسته کامل و یک مجموعه است و دارای ابعادی است و این ابعاد را باید با هم دید و با هم ملاحظه کرد: «دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است... بُعد سوم هم وجود دارد، که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است. عقلانیت امام هم از اسلام است، معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است، این بُعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است؛ و آن، بُعد عدالت است. اینها را باید با هم دید. تکیه بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می‌کشاند، به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته کامل، میراث فکری و معنوی امام است».

۱ عدالت خواهی

یکی از سه مفهوم بنیادین در اندیشه انقلاب اسلامی، بحث «عدالت» و «عدالت خواهی» است. همان‌طور که در بالا اشاره شد، مقام معظم رهبری، عدالت را درهم تنیده با دو مفهوم کلیدی دیگر دانسته و شرط تحقق عدالت را در پیوند آنها با یکدیگر می‌داند: «من می‌خواهم این نکته را عرض کنم که اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت درهم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبال هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی



ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیاورند

می‌فرمایند: «محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. اینطور نبود که مردم همینطور بی حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آنچنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود.»

۴ قاب سوم. مردی که هرگز نترسید

رهبر معظم انقلاب در ششم اردیبهشت ۱۳۹۹ درباره شجاعت امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «قرآن درباره توطئه‌های دشمن می‌فرماید که... از آن‌ها نترسید، از من بترسید؛ خود این ترساننده از افراد ظالم که به انسان می‌گوید از این و از آن بترسید... شیطان است؛ که مادر طول تاریخ هم مشاهده می‌کنیم کسانی که از این قدرت‌ها ترسیده‌اند، دچار آزمون‌های سخت و تلخ زندگی شده‌اند. امام (ره) این ترسیدن از قدرت را به همه ما یاد داد که از قدرت‌های ظالم و زورگو نترسید.»

بر مبنای همین «عقلانیت انقلابی» است که در طول چهل سال گذشته ملت ایران ترسیده و میدان‌ها را خالی نکرده است. اصلاً این عقلی که در این چند سطر سخن از آن می‌گوییم با ترس بیگانه است. در مورد شبی که پس از سخنرانی تاریخی امام راحل در پانزدهم خرداد ۴۲، ایشان را از قم دستگیر کردند و به تهران بردند، چنین نقل شده که امام فرموده بودند: «وقتی مرا می‌بردند، بین قم و تهران ماشین از جاده رفت بیرون. من فکر کردم که می‌خواهند قضیه را خاتمه بدهند. ولی وقتی مراجعه کردم به قلبم دیدم هیچ تغییری نکرده است»
ولذا وقتی در سال ۴۳ بعد از آزادیشان در مسجد اعظم سخنرانی کردند، فرمودند: «والله من به عمرم ترسیده‌ام. آن شبی هم که آن‌ها مرا می‌بردند، آن‌ها می‌ترسیدند من آن‌ها را دلداری می‌دادم.»

۴ قاب اول. وعده قرآن: پشیمانی مرعوبین دشمن

نقل شده که در دوران حکومت پیامبر اعظم (ص) در مدینه و آن هنگام که یهودیان اطراف مدینه، پیمان خود با مسلمانان را گسستند، یکی از انصار نزد رسول خدا آمد و از دوستی و هم‌پیمانی با پیمان شکنان برائت جُست و اعلام کرد که «هم پیمان من تنها خدا و پیامبر او است». منافقین مدینه اما حاضر نشدند که همچون صحابی وفادار پیامبر از یهودیان پیمان شکن برائت جویند و برای پیوستن به آنان تلاش کردند. برخی مفسرین گفته‌اند که آیات ۵۱ و ۵۲ سوره مائده در چنین موقعیتی نازل شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهودیان و مسیحیان را پشتیبان و دوست خود مگیرید، [که] آن‌ها [در برابر شما] دوست و پشتیبان یکدیگرند و کسانی از شما که آن‌ها را ولی خود بدانند، از آن‌ها هستند. خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. پس کسانی را که در دل هایشان مرض است، میبینی که در [دوستی با] آنان بریکدیگر پیشی می‌گیرند و می‌گویند: «می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما پیش آید.» چه بسا خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از سوی خود [به نفع مسلمانان] پیش بیاورد و این دسته، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند.»
رهبر معظم انقلاب در این باره در تاریخ ۲۵ فروردین سال ۱۳۸۵ می‌فرمایند: «آنان [مرعوبین دشمن] از کمک به دشمن هیچ سودی نمی‌برند. آمریکا و غرب، بارها نشان داده‌اند که حتی به تسلیم شدگان هم رحم نمی‌کنند و چون تاریخ مصرف همکاری کنندگان به پایان برسد، به آسانی آنان را به دور می‌افکنند.»

۴ قاب دوم. پیروزی انقلاب اسلامی با سلاح عقلانیت انقلابی

با آنکه خیابان‌ها بوی آتش و خون می‌دهند، مردم اما تمام قد به میدان آمده‌اند. سربازان ارتشی صف مستحکمی جلو آنان بسته‌اند و با مسلسل هایشان منتظر فرمان آتشند. سوابق مزدوران رژیم در ماه‌های گذشته نشان داده که ابایی از ریختن خون مردم بی‌گناه ندارد و قتل عام ۱۷ شهریور و هشتم بهمن ۵۷ گواه این مدعا است. با این وجود لحظه به لحظه خیابان شلوغ‌تر می‌شود و فاصله بین دو صف مردم و سربازان کمتر می‌شود. مردم اما نقشه منسجم تری دارند تا سربازان. هم ترس و وحشت را به دل راه نداده‌اند و هم دوست و دشمن را و اصلی و فرعی را به خوبی از هم تشخیص داده‌اند. جوانان جلو صف، گل‌هایی که از قبل آماده کرده‌اند را جلوی می‌برند و به لوله تفنگ سربازان می‌گذارند و سربازان هم که خودشان از همین مردمند زیر بار فرمان آتش نمی‌روند.
کمتر از چند هفته بعد است که مبارزه مبتنی بر آگاهی و بیداری بر اقسام دیگر مبارزه، مبارزه مسلحانه و مرتجعانه می‌چربد و رژیم طاغوت را با همه استحکام و حمایت‌های ابرقدرت‌ها سرنگون می‌سازد. آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ هشتم شهریور سال ۱۳۸۴

عقلانیت با ترس قرابت دارد یا با شجاعت؟

دکتر محسن ردادی

« برای پیدا کردن رابطه ترس و عقلانیت باید ارتباط میان سه مقوله شجاعت، تهور و ترس را تبیین کرد. آنچه که در متون جدید و قدیم به عنوان یک فضیلت از آن یاد می‌شود شجاعت است. به طور مثال افلاطون شجاعت را در کنار عقلانیت قرار داده و معتقد است کسی که از ویژگی شجاعت بهره‌مند باشد، بدون شک انسان عاقلی است. به اعتقاد افلاطون نقطه مقابل شجاعت و عقلانیت، تهور و ترس است. تهور به معنای شجاعت بی اندازه که انسان خود را در مهلکه قرار دهد و ترس به این معنا که شجاعت به قدری کم باشد که ابراز انجام هر کاری را از انسان سلب کند.

کسانی که می‌گویند شجاعت به معنای عقلانیت نیست به یک معنا درست می‌گویند اما مفهوم شجاعت را به اشتباه به معنای تهور و خود را در معرض خطر قرار دادن فهمیده‌اند. اینکه فردی از ترس بیماری، سیل یا دیگر بلاها خود را در محلی محبوس کند، از منظر بی‌عقلی، تفاوتی با فردی که از روی تهور و بدون منطقی خود را در معرض خطر قرار داده، ندارد.

نکته دوم که باید به آن توجه کرد این است که به هر حال نوعی نگاه سیاسی از گذشته در کشور وجود داشته و امروز نیز ادامه دارد که کاملاً در تقابل با شجاعت است. این نوع نگاه سیاسی عقلانیت را در عدم ابراز شجاعت می‌بیند. از سوی دیگر نگاه دیگری در تقابل با این نوع نگاه سیاسی وجود داشته که امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب، شهید سلیمانی و دیگر فرماندهان دلیر دفاع مقدس معتقد به آن بودند.

نکته سوم این است که ببینیم آیا عقلانیت با ترس قرابت بیشتری دارد یا با شجاعت. عقلانیت بر اساس تعریف مراکز علمی به معنای این است که شما از ابزارهای منطقی استفاده کنید تا شما را به هدف برساند. بر همین اساس هر ابزاری که ما را زودتر به هدف مطلوب برساند، به تبع عقلانی تر و برعکس هر ابزاری که ما از هدف مان دورتر کند، نمی‌توان ابزاری مناسبی برای ما به حساب بیاید و غیرعقلانی به حساب می‌آید. اگر نگاهی به سیره عملی رهبران انقلاب اسلامی بیندازیم، نمونه‌های زیادی است که آنها برای دفع خطرات احتمالی از اقداماتی تهورآمیز پرهیز کرده‌اند.

بنابراین از نظر منطقی و با در نظر گرفتن تجارب تاریخی، رفتارهای شجاعانه و همراه با عقلانیت ما را بهتر به مقاصد مورد نظر می‌رساند. همانطور که رهبر انقلاب نیز اشاره کردند که عقلانیت به معنای محاسبات صحیح است. □



آقاب چهارم، تحریم، جریان تحریف و ترساندن ملت‌ها

«ریچارد نیو» در کتاب هنر تحریم‌ها از واقعیت هولناکی پرده برمی‌دارد که برای شناخت اهداف جریان تحریف بسیار راه‌گشا است: «اعتراف ساده: وقتی یک کشور اعتراف می‌کند که مشکل تحریم دارد تقریباً نیمی از کار انجام شده است... گرچه خیلی از دولت‌ها اعتقاد داشته‌اند که صدور چنین بیانه‌هایی می‌تواند باعث ترس و القای حس وادادگی در مردم شوند. اما صرف همین اعتراف‌ها نشان می‌دهد که فشار در حال اثرگذاری است.» رهبر انقلاب در سخنرانی روز عید قربان سال جاری دو هدف اصلی جریان تحریف را چنین تبیین کردند: «هدف از این تحریف دو چیز است... یکی، ضربه به روحیه مردم است... [میخواهند] به مردم ایران تفهیم کنند که بیچاره شدید، دیگر مثلاً کارتان تمام است و هیچ کاری از عهده کسی برای شما بر نمی‌آید... [هدف دیگر] آدرس غلط دادن برای رفع مشکل تحریم است... اگر می‌خواهید تحریم برطرف بشود، در مقابل آمریکا کوتاه بیایید.»

تحریم‌ها و تهدیدهای اخیر مقامات آمریکایی در همین چارچوب قابل تحلیل است: هیاهو برای ترساندن ملت ایران. دنباله‌های داخلی جریان تحریف نیز در همین راستا دست به کار شده‌اند. رهبر معظم انقلاب در ۲۱ مهرماه سال جاری می‌فرمایند: «بعضی‌ها اسم عقل و عقلانیت را که می‌آورند، منظورشان از عقلانیت ترسیدن است؛ وقتی می‌گویند عاقل باشید، یعنی بترسید، یعنی متفعل باشید، یعنی از مقابل دشمن فرار کنید! نه، [این درست نیست]؛ ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیاورند. ترسیدن و فرار کردن و میدان را خالی کردن، اسمش عقلانیت نیست، اسمش همان ترس و فرار و مانند این‌ها است؛ عقلانیت یعنی محاسبه درست. البته دشمن سعی می‌کند عقلانیت به آن معنای غلط را تلقین کند، بعضی هم نادانسته گاهی حرف‌های دشمن را تکرار می‌کنند.»

غافل از آنکه همان قوه عاقله‌ای که از شب پانزدهم خرداد ۴۲ تاکنون نترسیده و میدان را خالی نکرده است، حالا که نشانه‌های پیروزی و پایان یافتن حربه‌های دشمن پیداست، چرا باید بترسد و میدان را خالی کند. دولت ایالات متحده در ماه‌های اخیر تمام تلاش خود را برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران از طریق مکانیسم‌های شورای امنیت سازمان ملل به کار بست و ناموفق ماند. از دیگر سو ماه‌هاست که برای مصرف انتخاباتی و کسب اعتبار به دنبال کشاندن ایران به پای میز مذاکره است و ناکام مانده است. و این همه در حالی است که دولت آمریکا با مشکلات بزرگی دست به گریبان است که در آینده، بحران‌های بی‌سابقه‌ای را برای مردم آمریکا ایجاد خواهد کرد. ضعف‌ها و رخنه‌هایی هم البته در داخل وجود دارد که دشمن با تمسک با همان‌ها مشکلات اقتصادی فعلی و سختی معیشت را علیه ملت ایران به وجود آورده. جوان‌ها خواهند آمد و رخنه‌ها را برطرف خواهند کرد. ملت ایران صبرو بصیرت لازم برای این مهم را دارد. □

«بعضی‌ها اسم

عقل و عقلانیت

را که می‌آورند،

منظورشان از

عقلانیت ترسیدن

است؛ وقتی

می‌گویند عاقل

باشید، یعنی

بترسید، یعنی

متفعل باشید،

یعنی از مقابل

دشمن فرار کنید!

نه، [این درست

نیست]؛ ترسوها

حق ندارند اسم

عقلانیت را

بیاورند. ترسیدن

و فرار کردن و

میدان را خالی

کردن، اسمش

عقلانیت نیست،

اسمش همان

ترس و فرار و

مانند این‌ها

است؛ عقلانیت

یعنی محاسبه

درست



معمای تکلیف و نتیجه در عقلانیت معنوی

دکتر ابراهیم برزگر

معطوف به تکلیف شرعی سه رکن دارد:

۱. یکم: تکلیف شناسی (رکن بینشی)

برای انجام تکلیف توسط مکلف، گام اول شناسایی تکلیف شرعی است که در متون دینی، قرآن، احادیث و سیره معصومین علیهم السلام یا در راهنمایی‌های راهبردی رهبر معظم به چشم می‌خورد. البته تکلیف شناسی خود دارای دو بعد موضوع شناسی و حکم شناسی است. بنابراین تکلیف شناسی یعنی معرفت فرد به حکم خداوند در موقعیت‌های سیاسی گوناگون. اینکه موحد بداند خدا از او چه خواسته و چه حکم و دستوری در موضوع خاص سیاسی مورد بحث داده است تا بتواند امتثال امر کند. شناخت موضوع مرحله‌ای مهم در تکلیف شناسی است. ابهام در آن به ابهام در انطباق حکم شرعی مناسب در حکم شناسی می‌انجامد. اما در صورت کاستی رکن شناختی، فرد به رفتارهایی کشیده می‌شود که خود خلاف تکلیف است.

رفتار سیاسی مؤمنانه تابع عقلانیت معنوی مستتر در دین اسلام است. از دیرباز موازنه واقعیت‌نگری و آرمان‌نگری یکی از پرسش‌های اساسی در رفتار سیاسی بوده است. اسلام آمده است تا واقعیات را تغییر دهد. زحمات و آزارهایی که پیامبران عظام الهی متحمل شدند همه به همین منظور بوده است. از اینجاست که «رفتار سیاسی معطوف به تکلیف» یا «نظریه تکلیف» حلقه واسط این تعاملات را برعهده داشته است. این دیدگاه در اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی (ره) به خوبی تئوریزه شده است. با این همه مسأله‌واره‌ای به نام «معمای تکلیف‌گرایی یا نتیجه‌گرایی» طرح شده است. اگرچه امام خمینی (ره) بارها با صراحت از ترجیح تکلیف بر نتیجه سخن فرموده‌اند، با این همه برای بسیاری از دانشجویان مذهب محور به ویژه در نسل دوم و سوم انقلاب اسلامی این پرسش مطرح بوده است که جایگاه «نتیجه» در نظریه تکلیف چیست؟ آیا اصالت به تکلیف شرعی موجب بی‌اعتنایی به واقعیات عینی و بی‌توجهی به نتیجه‌گرایی نمی‌شود؟ این گره ذهنی در بیانات رهبری معظم پاسخ داده شده است.

چگونگی تحقق تکلیف

تکلیف شرعی چگونه تحقق عینی پیدا می‌کند؟ ارکان یک تکلیف چیست؟ کالبدشکافی اجمالی «رفتار سیاسی معطوف به تکلیف» می‌تواند این ابهام را برطرف سازد. کنش

از این رو نتیجه و تکلیف از تناقض نمایی خارج می‌شود. یعنی تعارض «نتیجه، در نظریه تکلیف‌گرایی مهم است» و «نتیجه، در نظریه تکلیف‌گرایی مهم نیست» و اینکه این گزاره‌های دوگانه چگونه با هم در زمان واحد قابل جمع و سازگاری شوند؟

نتیجه مهم است

«نتیجه‌گرایی خود بخشی از نظریه تکلیف است» بنابراین نتیجه‌گرایی مهم است. این مسأله در مرحله نخست یعنی مرحله تحقق تکلیف و ارکان سه‌گانه آن به ویژه در رکن رفتاری است. در رکن رفتاری، مکلف باید حداکثر تلاش خود را انجام دهد تا به نتیجه واقعی در سیاست دست یابد. مانند تلاش انقلابیون برای سرنگون کردن شاه یا تلاش رزمندگان برای سقوط صدام. اگر مکلف در این راه کوتاهی کند تکلیف شرعی خود را انجام نداده است. رهبری در پاسخ به سؤال دانشجویی درباره جایگاه «نتیجه‌گرایی» در نظریه تکلیف به این نکته تأکید کردند که همان خمینی (ره) که همواره اشاره می‌فرمودند «تکلیف برای ما اصل است و نتیجه فرع آن» در همان لحظه به دنبال نتیجه بودند و «با آن شدت، با آن حدت، در سنین کهولت، این همه سختی‌ها را دنبال کرد، برای اینکه نظام اسلامی را بر سر کار بیاورد و موفق هم شد.»

این نکته یکی از نکات بسیار جالب در شرح نظریه تکلیف امام خمینی (ره) از سوی رهبری معظم و اصلاح یکی از کج فهمی‌های رایج در نظریه تکلیف است که عدم دقت در آن به بروز خسارت‌هایی در رفتار سیاسی مردم و حتی بزرگان می‌انجامد. بنابراین نتیجه‌گرایی در مرحله تحقق تکلیف و رکن رفتاری آن مهم است و خود جزء مقوم تحقق تکلیف رفتار سیاسی و جهان خارج است.

نتیجه مهم نیست!

از سوی دیگر نتیجه‌گرایی آنگونه که بارها در بیانات امام خمینی (ره) و رهبری معظم به آن اشاره شده است نکته‌ای فرعی محسوب می‌شود؛ یعنی گزاره «نتیجه‌گرایی در نظریه تکلیف مهم نیست» رخ می‌نماید. این مرحله، مرحله پیامد تحقق تکلیف یعنی مرحله دوم است. مرحله‌ای که انجام عملیات اختیاری و کارگزاری پایان یافته و مرحله تسلیم تقدیر الهی شدن و توجه به ساختارهای سیاست داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. این ساختارها بعضاً جبریتی را بر رفتار سیاسی دیکته می‌کنند که خارج از اراده فرد است. نکته مهم در این مرحله، آرامش روانی حاصل از انجام تکلیف حتی در وضعیت ناکامی‌های کوتاه مدت است. مؤمن در این حالات از آرامش خاطر برخوردار است. انجام عمل به تکلیف برای مؤمن، بهداشت روانی تولید می‌کند. آنگونه که در رفتار سیاستمداران الهی مشاهده می‌شود، «انسانی که برای رسیدن به نتیجه بر اساس تکلیف عمل می‌کند، اگر به نتیجه مطلوب هم نرسد احساس پشیمانی و خسارت نمی‌کند.»

انسان موحّد چون به تکلیف خود عمل کرد (در حیظه



دوم: انگیزه اخلاص الهی (رکن اخلاقی)

رکن دیگر تحقق تکلیف شرعی، حضور انگیزه ناب و خلوص نیت در عمل به تکلیف شرعی است. صرف شناخت تکلیف یا عمل به آن کفایت نمی‌کند، بلکه باید روح عمل یا همان قصد قربت و نیت الهی و قیام برای خدا حضور داشته باشد تا تکلیف در عالم خارج تحقق عینی پیدا کند. این مرحله می‌تواند به صورت شناور قبیل یا بعد از عمل قرار گیرد. به طور کلی در عمل به تکلیف گرایش مؤمنانه لازم است.

سوم: عمل به تکلیف (رکن رفتاری)

رکن سوم تحقق تکلیف، عمل به تکلیف شناسایی شده است. به عمل کار برآید به سخن دانی نیست. بیشتر آسیب‌ها از ناحیه عدم عمل به تکلیف است. در این مرحله: اولاً باید تکلیف را «برونی‌سازی» کرد و در عالم خارج آن را محقق ساخت. باید رنگ ارزش‌های دینی را برواقتیاتی خارجی زد. ثانیاً نباید عمل خلاف تکلیف انجام داد. یعنی برای رسیدن به «نتیجه» از ابزارهای غیر مشروع نباید استفاده کرد. ثالثاً بایستی برای رسیدن به نتیجه حداکثر تلاش و کوشش را انجام داد. اهمال و مسامحه و قصور و تقصیر در انجام تکلیف جایز نیست و به معنای عدم انجام تکلیف است. رابعاً نباید به جای انجام تکلیف، توکل نمود؛ یعنی انجام آن را به یکدیگر وا گذاشت و از آن سر باز زد. اگر هر کس به انتظار دیگری بنشیند تا او آن کار را انجام دهد، در عمل هیچ کس آن کار را انجام نمی‌دهد.

فرد مکلف باید بکوشد تا نه تنها به تکلیف خود عمل کند بلکه «حداکثر تلاش» خود را به کار بندد و در واقع به گونه‌ای عمل کند که تا آنجا که تکلیف به او در نقش «کارگزار» مربوط می‌شود، نهایت همت و تلاشش را برای تحقق آن انجام دهد.

پیامدهای تحقق تکلیف

وقتی فرد مؤمن در رفتار سیاسی، اولاً تکلیف شناسی کرد، ثانیاً به تکلیف شناسایی شده به نحو احسن عمل کرد و ثالثاً این کار را به طور خالصانه و برای خدا انجام داد، تا این لحظه سه فعلیتی که در اختیار او به عنوان کارگزار خود مختار بوده انجام داده است. اما واقعیت‌های جهان سیاست چهره دیگری جز کارگزاری دارد و آن ساختارگرایی است.

بنابراین همه نتیجه‌های سیاست در حیظه انتخاب و مدیریت کارگزار سیاسی نیست. حتی گاه نتیجه عملی در سیاست به نتایجی خلاف انتظار و خلاف برنامه‌ریزی‌های انجام شده می‌انجامد. اینجاست که کارگزار مؤمن به محض تحقق ارکان سه‌گانه تکلیف به نتیجه اساسی رسیده و در واقع «پیروزی» را به دست آورده است و به موقعیت «احدی الحسنین» و دوراهی خیر اول یا خیر دوم یا دوراهی برد - برد دست یافته است. یعنی یا به نتیجه مورد انتظار در سیاست داخلی و سیاست خارجی دست می‌یابد یا اینکه به این نتیجه دست نمی‌یابد. اما چون تکلیف شرعی خود را به نحو احسن انجام داده است، باز هم پیروز واقعی است، هر چند در عالم سیاست شکست خورده باشد.



.....

در عقلانیت

ابزاری دنیای

مدرن اولاً گفته

می شود شما با

توجه به وضع

موجود نمی توانید

به نتیجه های

مورد نظر خود

در سیاست

دست یابید. این

عقلانیت ابزاری

می کوشد آنان را

از دست یابی به

نتایج مورد نظر

نامید و منصرف

کند. ثانیاً این

عقلانیت ابزاری

بر آن است تا

در توازن هزینه

و نفع، هزینه را

افزایش داده و نفع

حاصله احتمالی

را غیرعقلانی

جلوه داده و در

نهایت بر رفتار

سیاسی عاملان

اثرگذاری کند

در عقلانیت ابزاری دنیای مدرن اولاً گفته می شود شما با توجه به وضع موجود نمی توانید به نتیجه های مورد نظر خود در سیاست دست یابید. این عقلانیت ابزاری می کوشد آنان را از دست یابی به نتایج مورد نظر ناامید و منصرف کند. ثانیاً این عقلانیت ابزاری بر آن است تا در توازن هزینه و نفع، هزینه را افزایش داده و نفع حاصله احتمالی را غیرعقلانی جلوه داده و در نهایت بر رفتار سیاسی عاملان اثرگذاری کند. امام خمینی (ره) در سرنگونی شاه با منطق نظریه تکلیف و اینکه ما به دنبال انجام تکلیف هستیم و نتیجه «سرنگونی شاه» فرعی است، «انتخاب عقلانی» شاه و حامیان او و حتی برخی خیراندیشان را فلج می کند و امکان نفوذ به واقعیت متصلب و تغییر در آن را پیدا می یابد.

امروزه همین منطق تکلیف مدارانه در بحریں در حال فلج کردن منطق «انتخاب عقلانی» مغرب زمین و حاکمان بحریں و حامیان منطقه ای آنان است. آنان می کوشند تا با افزایش هزینه برای انقلابیون بحریں و ناامید کردنشان، آنان را از پیگیری مطالبات منصرف کنند؛ اما منطق رفتار سیاسی تکلیف مدارا اصلت را به تکلیف می دهد نه به نتیجه مورد عنایت رقیب.

رفتار سیاسی در تحولات جاری جهان اسلام میدان کارزار دو نظریه رقیب «انتخاب عقلایی» مغرب زمین از یک سو و «انتخاب عقل معنوی تکلیف مدارا» از سوی دیگر است. گزاره «تکلیف، اصل است و نتیجه (تحقق مطلوب سیاسی) فرع بر آن است» به معنای بی اعتنایی به «نتیجه» نیست؛ زیرا تلاش مؤمنانه در سیاست، معطوف به تغییر واقعیات نامطلوب و درونی سازی اهداف دین در جهان فردی خود و سپس برونی سازی آن در جهان جامعه و سیاست است. بنابراین گزاره دوم یعنی «نتیجه، در رفتار سیاسی معطوف به تکلیف مهم است»، هم موضوعیت پیدا می کند. این گزاره خود جزء مقوم و به تعبیری شکل دهنده خود تکلیف است. «رفتار سیاسی معطوف به تکلیف» در عقل معنوی سه آسیب شناسی دارد.

۱. **آسیب نخست** در رکن شناختی و ضعف بصیرت است؛ نظیر دست زدن به عملیات تروریستی، آدم کشی، مسلمان کشی و شیعه کشی با انگیزه دینی و برای ورود به بهشت!

۲. **آسیب دوم** ضعف انگیزه الهی و ناخالصی و نیت فاسد در عمل که فرد را در رفتار سیاسی از درون پوک می کند و صفای درون را از او می گیرد. این آسیب هم خود او هم دیگران را ضایع و ظلمانی می کند.

۳. **آسیب سوم** عدم توازن در نسبت سنجی «تکلیف و نتیجه» در عمل است. از یکسو مسامحه و کوتاهی در عمل موجب عدم تحقق تکلیف است. از سوی دیگر «نتیجه» فرع و انجام خود تکلیف اصل است. نباید برای رسیدن به مطلوب سیاسی که بعضاً خارج از قدرت کارگزارانه و اختیار مدارانه ماست دست به عمل غیرشرعی زد و سیاست را با گناه آلوده ساخت. در این صورت است که فرع بودن نتیجه موجب آرامش درونی و آسیب ندیدن فرد در طوفان دنیای پر استرس سیاست می شود. □

اختیار انسان و کارگزار فعال) و رابطه خود با خداوند را اصلاح کرد، خداوند رابطه او با مردم و جامعه را اصلاح می کند و در واقع ساختارهای جبری و خارج از اراده و توان مدیریتی او را نیز به نفع مؤمن همسو می کند و به این ترتیب معمای ساختار و کارگزار حل می شود. چون شریعت و تکلیف «حق» است و همسو با جهت حرکت کل هستی، انسان و جهان است، ساختارها هم در نهایت به نفع مؤمن خواهد بود. به طور مثال امام خمینی (ره) در جنگ تحمیلی مرتب بر تکلیف گرایی تأکید می کردند و نتیجه را در مرحله بعد از تحقق تکلیف فرع می دانستند. ایشان در پیام مشهور قطعه نامه ۵۹۸ هم برای تبیین عقب نشینی ظاهری از موضع خود از منطق اصلت تکلیف و فرعی بودن نتیجه (پیروزی در جنگ) استفاده کردند. چند سال بعد با حمله صدام به کویت و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ و آزادی اسرا و... نتیجه جنگ با پیروزی ایران آشکار شد.

کج فهمی ها و پیچیدگی ها

نسل دوم و سوم انقلاب و دانشجویان این دو نسل در موقعیتی قرار دارند که جهت عملیاتی سازی و برونی سازی تکلیف شرعی در جهان سیاست و رفتار سیاسی با پیچیدگی های بیشتری مواجه اند و پرسش های جدیدی را پیش روی دارند. عدم عنایت به این معضلات نظری پیامدهای ناگواری ایجاد می کند.

۱. **تکلیف گرایی در محور حکم شناسی معطوف به آرمان ها و آرمان گرایی است؛ یعنی می کوشد درونی سازی آن در جهان تن و روان فردی و بیرونی سازی آن در جامعه، دولت و نظام بین الملل را محقق کند؛ اما در این حال باید به موضوع شناسی یعنی رکن واقعیات و واقع گرایی هم توجه داشته باشد.**

۲. **تکلیف گرایی موجب می شود تا برای رسیدن به نتیجه به صورت «هدف، وسیله را توجیه می کند.» اقدام نشود. برای انجام تکلیف نمی توان خلاف تکلیف انجام داد. بی توجهی به این اصل موجبات افت شدید اخلاق در سیاست عملی شده و می شود. همچنین توجه به این اصل، فرد را به آرامش روانی از اقدامات گذشته (عدم حزن) و عدم نگرانی از آینده (عدم خوف) می رساند.**

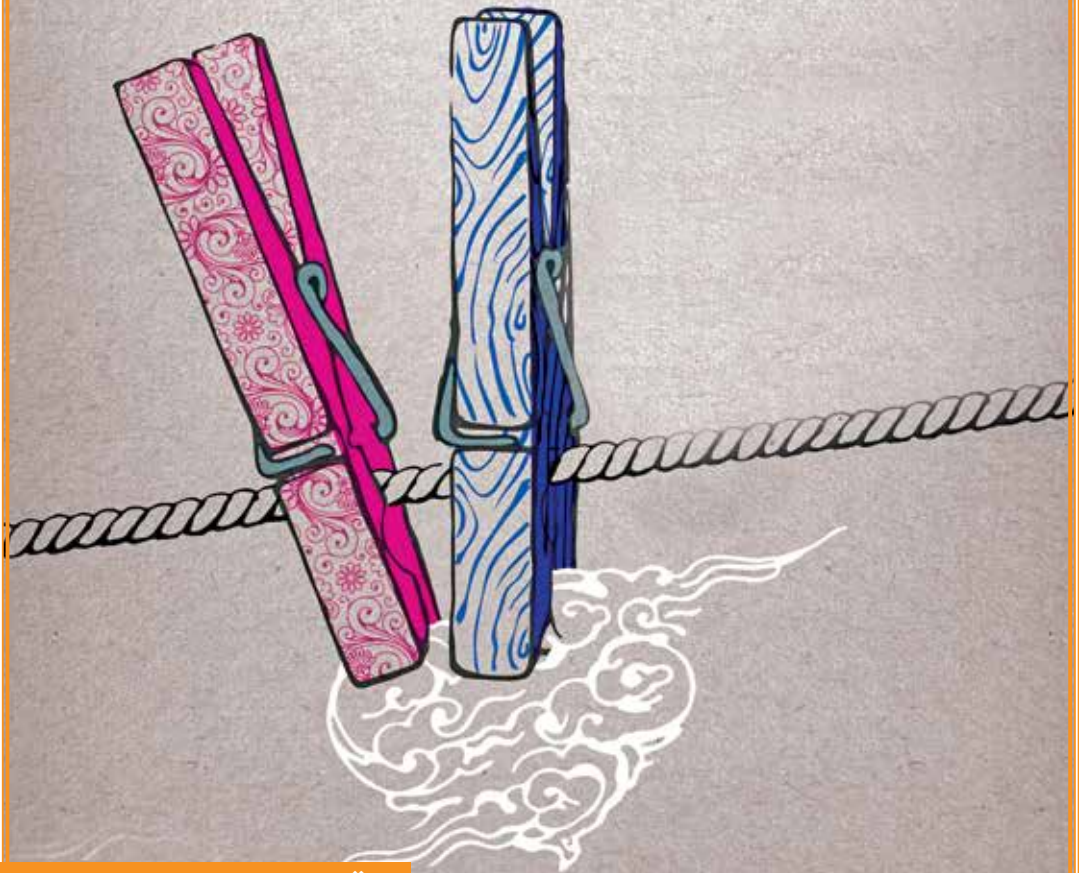
۳. **تکلیف گرایی به معنای بی اعتنایی به عدم تدارک تمهیدات جهت نیل به نتیجه نیست. نتیجه گرایی امام (ره) در تکلیف گرایی موجب شده است که به «وحدت» به مثابه یک ارزش تردیدناپذیر توجه کند. با «وحدت» قدرت تولید می شود و با تجمیع قطره ها در قالب وحدت، «سیل بنیان کن» برای نفي ظالمان و رسیدن به پیشرفت اجتماعی ایجاد می شود. وقتی نتیجه گرایی در تکلیف کم رنگ شد، آنگاه وحدت دیگر ارزش مطلق نیست و قابل تردید می شود.**

۴. **تکلیف گرایی و اصلت به تکلیف یکی از معجزات نظری امام خمینی (ره) برای شکست واقعیات متصلب در سیاست داخلی و خارجی است. امام (ره) با توسل به آن موفق شد عقلانیت معنوی اسلام را روزآمد و عقلانیت ابزاری دنیای مدرن حاکم بر مغرب زمین با عنوان «انتخاب عقلایی» را فلج کرده و از کار بیندازد.**



به مناسبت دهم آذر که روز مجلس شورای اسلامی نامگذاری شده است، بخشی را به موضوع مشورت و جایگاه آن در زندگی فردی و اجتماعی اختصاص داده‌ایم و مطالب زیر را برای شما تدارک دیده‌ایم؛ تفسیر آیات ۳۸ و ۳۹ سوره مبارکه شوری به قلم حجت الاسلام و المسلمین قرانتی، توصیه‌ای اخلاقی از آیت‌الله بهجت درباره دوری از خودرایی و توجه به نظرات دیگران، شیوه مشورت کردن والدین با فرزندان و آموزش فرهنگ مشورت به آنها، ویژگی‌های یک مشاور خوب، مشورت در نگاه امیرالمؤمنین.

« اندیشه



مراقب چاه هلاکت باشید

از بیگانگان مشورت نخواهید

رستگاری در مشورت کردن است

لیس فی کتاب الله بیانه ولا فی السنة برهانه واحتیج الی المشاوره فیه لساورتکما فیه» من در کتاب خدا و سنت رسول او نگاه می‌کنم هر چه بود پیروی می‌کنم و نیازی به رأی و مشورت شما و دیگران ندارم ولی هرگاه امری بود که در کتاب و سنت برهانی بر آن نداشتم و نیازی به مشورت بود با شما مشورت خواهم کرد.

در آیه ۳۸، نظام شوری برای اداره امور جامعه مورد تأکید قرار گرفته و به همین جهت این سوره شوری نام گرفته است. ما نیز به همین مناسبت، بخشی از روایات در باب مشورت و شوری را در اینجا می‌آوریم.

«شاوور العلماء الصالحین» با دانشمندان وارسته مشورت کن. «واجعل مشورتک من یخاف الله» در مشورت خود کسانی را قرار ده که خدا ترس باشند. «شاوور المتقین الذین یؤثرون الاخرة علی الدنيا» با اهل تقوی که معاد را بر معاش ترجیح می‌دهند مشورت نما. «خیر من شاوورت ذوی النهی والعلم واولوا التجارب والحزم» با عقلایی که دارای علم و تجربه هستند مشورت کن. «لا تدخلن فی مشورتک بخیلًا ولا جبانًا ولا حریصًا» با افراد بخیل و ترسو و حریص مشورت مکن. «رأی الرجل علی قدر تجربته» ارزش هر رأی به مقدار تجربه صاحب رأی است. «أن یکون حراً متدیناً صدیقاً وان تطلعه علی سرك» با افرادی مشورت کن که راستگو باشند و وابستگی نداشته باشند و او را بر راز خود آگاه کن تا بتواند رأی جامع و کامل ارائه دهد. «مشاوره العاقل الناصح رشد و یمن و توفیق من الله» در مشورت با عاقل خیر خواه رشد و برکت و توفیق الهی است. «شاوور فی امورک من فیه خمس خصال...» در کارهای خود با کسی مشورت کن که در او پنج خصلت باشد: عقل، علم، تجربه، خیر خواهی و تقوا. با اینکه قرآن می‌فرماید: اکثر مردم اهل اندیشه نیستند، «اکثرهم لا یعقلون»، «اکثرهم لا یعلمون»، بسیاری از آنان فاسقند، «اکثرهم فاسقون» و بسیاری در برابر حق تسلیم نیستند، «اکثرهم للحق کارهون» پس سفارش به مشورت برای چیست؟ قرآن اکثریت مردمی را در نظر دارد که گرفتار شرک و فساد و هوس هستند و هرگز مرادش «اکثر المتقین» و «اکثر المؤمنین» نیست.

فوائد مشورت

- ﴿ احتمال خطا را کم می‌کند. ﴾
- ﴿ استعدادها را شکوفا می‌کند. ﴾
- ﴿ مانع استبداد می‌شود. ﴾
- ﴿ مانع حسادت دیگران است. اگر با مشورت کامیاب شدیم چون دیگران رشد ما را در اثر فکر و مشورت خودشان می‌دانند نسبت به ما حسادت نمی‌ورزند. فرزندی که رشد می‌کند هرگز پدرش به او حسادت نمی‌ورزد، چون رشد او را بازتابی از رشد خود می‌داند. ﴾
- ﴿ امداد الهی را به دنبال دارد، در فرهنگ دینی ماست که «یدالله مع الجماعة» ﴾
- ﴿ استفاده از آرای دیگران طرح را پخته و جامع می‌کند. «من شاوور الرجال شارک فی عقولها»



حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائنی

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُقْفُونَ* وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ؛ و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا داشته و کارشان با مشورت میانشان انجام می‌گیرد و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند و کسانی که هرگاه به آنان ستمی رسد (تسلیم نمی‌شوند و) یاری می‌طلبند.



طلحه و زبیر به حضرت علی (ع) گفتند: ما به شرطی با تو هستیم که در هر کار با ما مشورت کنی، زیرا حساب ما از دیگران جداست، حضرت فرمودند: «نظرت فی کتاب الله و سنته رسوله فامضیت ما دلأنی علیه و اتبعته و لم احتج الی آرائکما فیه و لا رأی غیرکما ولو وقع حکم

مراقب چاه هلاکت باشید

آیت الله العظمی بهجت

از اشتباه
مدیر و
صاحب سیاست؛
[این است که] انسان
نباید به واسطه
اکثریت اطرافی های



او از اشتباهش خاطر جمع باشد، که خیر
[اشتباهی] نکرده، اشتباهی نیست! این همه
جمعیت هم تابعش هستند. هر فردی باید
خودش را در افکارش متفرد (مستقل) بداند و
نگاه نکند به اطرافی های خودش. شاید
بیچاره ها تابعند. فکرشان هم تابع فکر دیگران
است؛ تا این درجه؛ کأنه فکر ندارند.

ولو مشاورت، ولو از مشورت [با افرادی] که خیلی
کامل هم نیستند، دست بردار نباشد. شاید در
بین همین افرادی که با آنها مشورت می کند و
خیلی هم استادکار نیستند، یک کلمه ای بشنود
و از آن کلمه، چیزی استفاده کند. خیلی عجیب
و غریب! گفتند به استاد: هر کسی اشکال می کند
در درس شما، شما به حرف هایش تا آخر گوش
می دهید. اینها خیلی از اغلاط [حرف های اشتباه
و بی ربط] را می گویند. [استاد] گفت: من از
حرف های اینها یک چیزهای دیگری می فهمم.
چه کار دارم خودشان بفهمند یا نفهمند!

بالآخره؛ نباید از احتیاط دست برداشت! خدا
می داند چه چیزهایی هم [به برکت احتیاط در
امور] بفهمد انسان، که [به طور عادی] تأمل
زیاد می خواهد تا به آنها برسد. خدا کند که
همین احتیاط در کار را هم ما تشخیص بتوانیم
بدهیم. [در غیر این صورت] یک دفعه ای
می بیند که در چاه هلاکت واقع می شود،
[در حالی که] به قصد قربت هم این کار را انجام

می دهد. □



مشورت نوعی احترام به مردم است، ممکن است در مشورت حرف تازه ای به دست نیاید ولی احترام به شخصیت مردم است.

وسيله شناخت ديگران است. تا مردم سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد با مشورت می توان درجه علمی و فکری و تعهد و برنامه ریزی افراد را شناخت.

مشورت حقیقی

آیا مشورت پیامبر با مردم جنبه ظاهری داشت؟ هرگز، زیرا اگر مشورت می فرمود و خلاف آن را انجام می داد نه تنها به امت احترام نگذاشته بود، بلکه به نوعی روح آنان را جریحه دار می کرد. پیامبر اکرم در جنگ های بدر، احد، خندق، حدیبیه، جنگ با بنی قریظه و بنی نظیر و فتح مکه و جنگ تبوک با مسلمانان مشورت فرمود.

مشورت در مسائلی است که مربوط به مردم باشد، ولی در اموری که مربوط به خداوند است نظیر بعثت، امامت و عبادت، جای مشورت نیست. نماز پیمان الهی است، «الصلاه عهد الله» عهد خدا را باید انجام داد و نیازی به مشورت ندارد. امامت و رهبری امت نیز عهد الهی است، زیرا همین که حضرت ابراهیم از خداوند درخواست کرد که نسل او رهبر جامعه شود، خداوند فرمود: رهبری و امامت پیمان و عهد من است و سپردن آن مربوط به گزینش من است نه دعای تو و اگر از شخصی ظلمی سرزنند لایق رهبری نیست، «لاینال عهدی الظالمین» پس در رهبری امت، باید تسلیم او باشیم، چنانکه قرآن می فرماید: «انی جاعلک للناس اماماً» امامت به انتخاب من است. اسلام دین جامع و کامل است و در همه امور پرداخته است:

در مسائل اعتقادی: «آمنوا و يتوکلون»

در مسائل اخلاقی: «يجتنبون، یغفرون»

در مسائل اجتماعی: «شوری بینهم»

در مسائل عبادی: «اقاموا الصلاه»

در مسائل اقتصادی: «ینفقون»

در مسائل سیاسی و نظامی: «یتنصرون»

جالب است این صفات در قالب فعل مضارع آمده که نشان استمرار است.

پیام های آیه

مؤمن استبداد ندارد، اهل انزوا نیست و به رأی دیگران احترام می گذارد. «وامرهم شوری بینهم»

آنچه مورد سفارش است، اقامه نماز است نه فقط خواندن نماز. (یعنی انجام باشکوه نماز با تمام شرایط) «اقاموا الصلاه»

حساب نماز از سایر عبادات جداست. (با اینکه نماز جزو امور موجب استجاب رب است، ولی نام آن جداگانه آمده است.) «استجابوا لربهم و اقاموا الصلاه»

شوری و مشورت، مربوط به امور اجتماعی مردم است، نه احکام و دستورات دینی. «امرهم شوری بینهم»

از بیگانگان نظریه نخواهید. «بینهم» □

والدین، فرزندان و مسأله مشورت

کاری نکنیم تا ثریا برود دیوار کج!

« خیلی از والدین برای سلامت فرزندان نشان نگران هستند و از هر نظر از آنها مراقبت می‌کنند اما یادشان می‌رود که بهترین دارو برای سلامت فرزندان، مشورت گرفتن است. مطالعات نشان می‌دهد، مشورت گرفتن به عمر بچه‌ها اضافه می‌کند. شاید بگویید فرزندان ما خودشان را عقل کل می‌دانند و در هیچ یک از مسائلشان با ما مشورت نمی‌کنند. اشکالی ندارد آنها می‌خواهند تجربه کنند تا زندگی کردن را یاد بگیرند. اما شما باید در مورد کارهایتان با آنها مشورت کنید تا فرهنگ زندگی با مشورت را به آنها بیاموزید.

اگر تربیت مشورتی برای یک جوان عادت شود به او کمک می‌کند تا با کمک یادگیری از افراد با تجربه، قدرت تفکرش رشد کند، جوانب مختلف یک موضوع را بررسی کند، کمتر آزمون و خطا کند، بیشتر به رعایت ادب اجتماعی پایبند بماند و زمینه انس بیشتر با خدا و مشورت گرفتن از عالمان دین خدا را تجربه کند.

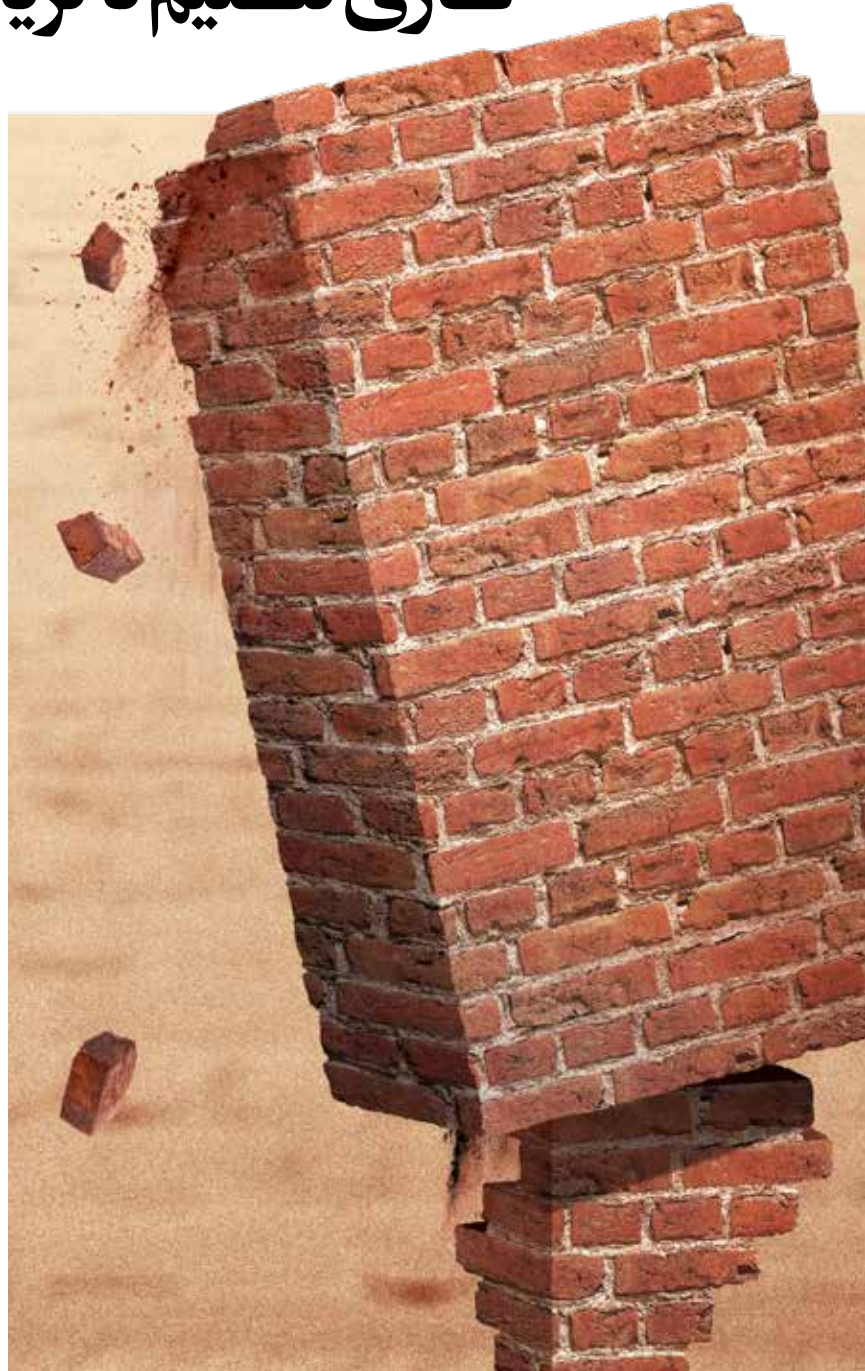
۴ تمرین‌های مشورت خواهی از نوجوان

فوت اول کوزه گری این تربیت، قدم اولی است که والدین باید بردارند و بهترین حالت این است که آنها از جوان مشورت بخواهند. احتمالاً از خودتان می‌پرسید: مگر می‌شود؟! مشورت از آدم‌هایی که چیزی بلد نیستند و کم تجربه‌اند؟ چطور بزرگ‌تر از کوچک‌تر مشورت بگیرد؟ این همان خشت اولی است برای اینکه که همه اعضای خانواده باور کنند «همه چیز را همگان دانند». «ندانستن عیب نیست، نپرسیدن عیب است» و... وقتی بزرگ‌ترهای خانه اهل نظر خواهی و مشورت از فرزندان بشوند؛ جوان به خود نهیب می‌زند که من هم حتماً به مشورت نیاز دارم.

در مرحله اول تربیت مشورتی پدر و مادرها باید به چند ریزه کاری را در رفتار با جوان و نوجوان توجه کنند:

شاید مثل فیلم‌ها دور یک میزگرد جمع نشوید و بگویید که می‌خواهم از تو مشورت بگیرم اما از تکنیک اسم گذاری استفاده کنید. وقتی نظر او را پرسیدید و او جواب داد، بگویید: «چه مشورت دقیقی، این به مشورت عالی» شاید جواب او به معنی واقعی مشورت نباشد اما تکرار اسم مشورت در عادت دهی جوان‌ها اثرگذار است.

مادرها خیلی مهم‌اند: هرچه مادرها عادت کنند از پدرها مشورت بگیرند و این را علنی هم کنند؛ آموزش بچه‌ها



ممکن است جوان خیلی به مشورت وابسته شود تا جایی که بخواهد برای هر کار کوچکی هم از دیگران نظر بپرسد. این طور وقت‌ها او را بی جواب بگذارد و بگوید: «این مسئله جزئی است و تصمیم خودت از همه دقیق تر هست. من به تو اعتماد دارم.»



قرار است جوان

یاد بگیرد مشورت

کند اما در کنار

این، همیشه باید

تمرین کند که

منفعل نباشد و

با تفکر به بررسی

شرایط بپردازد.

بعد از اینکه از

شما یا دیگری

مشورت گرفت از

او بپرسید: «نظر

خودت چیست؟

حالا چی فکر

می‌کنی؟ چه

نکته جدیدی از

مشورت به ذهنت

رسید؟»

تمرین‌هایی برای مشورت‌گیری جوان از دیگران

او باید بتواند موضوع را درک و توصیف کند؛ شاید لازم باشد به جوانتان بگوید که جواب سؤالش را نمی‌دانید و بهتر است از فرد دیگری مشورت بگیرید اما می‌توانید با هم پیش یک عالم و متخصص آگاه بروید. در هر صورت نیاز جوانتان در این مرحله این است که با بیان روشن، سؤال و خواسته‌اش را با شما یا فرد مطمئن دیگری مطرح کند.

مشاوران را بشناسد

مشورت همانقدر که می‌تواند ادب و تفکر اجتماعی را فعال کند، به جوان در تشخیص اینکه نیاز او را چه کسی می‌تواند برطرف کند هم کمک می‌کند. اگر جوانتان بخواهد بداند چه استعدادی دارد معلم‌ها و روانشناسان می‌توانند به او کمک کنند اما اگر سؤال دینی داشته باشد جایی مثل مسجد و روحانیون و امام جماعت‌ها کمک کننده‌اند. به او بیاورید که هرکس را برای کاری ساخته‌اند و تخصص‌های افراد با هم فرق دارد. این روش، گفتن «نمی‌دانم» را هم برای والدین راحت‌تر می‌کند.

بهترین را انتخاب کنید

از بین افراد مختلفی هم که برای سؤال او جوابی دارند باید بهترین را شناخت. به این حدیث امام علی (ع) توجه کنید: هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوان‌ها مراجعه نما زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. سپس نتیجه را به نظر میانسالان و پیران برسان تا آن را بپذیری. نمایی و عاقبت آن را بسنجی و بهترین راه را انتخاب کنی چراکه تجربه آنان بیشتر است.

جمع‌بندی، ارزشیابی و نظر شخصی

قرار است جوان یاد بگیرد مشورت کند اما در کنار این، همیشه باید تمرین کند که منفعل نباشد و با تفکر به بررسی شرایط بپردازد. بعد از اینکه از شما یا دیگری مشورت گرفت از او بپرسید: «نظر خودت چیست؟ حالا چی فکر می‌کنی؟ چه نکته جدیدی از مشورت به ذهنت رسید؟»

به نصف آنچه می‌گوئید، عمل کنید

اگر جوان کمک کرد که علاقه‌اش به مشورت بدون افراط و تفریط باشد. مثلاً یک فرد اهل مشورت را که افراط و تفریط ندارد برای او الگو کنید؛ یا از یک فرد موفق که اهل مشورت است به بزرگی یاد کنید. بین اعضای خانواده، شخصیت فیلم‌ها و... دنبال الگو باشید تا به صورت عملی نتیجه مشورت در زندگی را به جوان نشان دهید. از طرفی،

آسان‌تر می‌شود. ممکن است فرزندتان نظر خوبی هم برای مشورت‌خواهی شما نداشته باشد؛ در این صورت تشکر کنید و بگویید از ایده‌ها برای کامل کردن فکر استفاده می‌کنم. هرگز این جمله را به زبان نیاورید که «این را می‌دانستم»؛ زیرا شنیدن متداول این جمله، برای احساس مفید بودن جوان و تلاش او برای رشد مضرت است. مشورت را برایش شیرین کنید. والدین بهتر از هرکسی فرزند را می‌شناسند پس برای بالا رفتن اعتماد به نفس فرزندتان در حیطه آگاهی و توانش از او مشورت بخواهید تا بدون جواب نماند.

هر بزرگتری مشاور می‌شود؟

شما به عنوان والدین باید به جوان خود یاد بدهید با چه آدم‌هایی می‌تواند مشورت کند و چه کسانی شرایط و صلاحیت مشورت گرفتن را دارند. جدی‌تر از این سؤال که آیا هر بزرگ‌تری مشاور است؛ این سؤال مطرح می‌شود که چه کسی صلاحیت مشاور شدن برای جوان را دارد؟ از نکته‌های تربیتی نهج البلاغه می‌توان فهمید: اول اینکه مشاور نباید بخیل باشد چون او را از کار بهتری که خرج و هزینه داشته باشد نهی می‌کند. دوم؛ مشاوری که ترسو باشد روحیه جوان را سست می‌کند. سوم؛ بدترین مشاور کسی است که آدم‌های پرخطا هم با او مشورت می‌کنند. پس بزرگ‌تری که این ۳ ویژگی منفی را داشته باشد یا به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) همزمان با هم قدرت فکری و کردار خوب را نداشته باشد، نمی‌تواند برای هیچ کس مشاور خوبی باشد.

مشاور را امتحان کنید

مشورت گرفتن، تسلیم کردن شش دانگ حق انتخاب به فرد دیگری نیست و حتی بعد از انتخاب مشاور، جوان باید او را محک بزند. به فرموده امام علی (ع) سه شرط، بعد از تجربه داشتن، برای امتحان کردن صلاحیت یک مشاور لازم است: ۱- در گفتن حرف حق صریح باشند. مثلاً به فرزندتان یاد دهید در مورد یک سؤال حل شده مشاور را امتحان کند، ببیند آیا توان بیان صادقانه جواب را دارد؟ ۲- در آنچه خدا برای دوستانش نمی‌پسندد یاری‌ات نکند. مثلاً جوان در اول مشاوره می‌تواند نظر مشاور را درباره یک عادت بد اما رایج جامعه بپرسد تا بداند این مشاور جواب عامیانه می‌دهد یا خداپسندانه. ۳- دائم دنبال تأیید حرف ما نباشد و جرأت بیان اشتباهات جوان را داشته باشد.

حرفه‌ای مشورت بگیر

باید به جوان کمک کرد که علاقه‌اش به مشورت بدون افراط و تفریط باشد. مثلاً یک فرد اهل مشورت را که افراط و تفریط ندارد برای او الگو کنید؛ یا از یک فرد موفق که اهل مشورت است به بزرگی یاد کنید. بین اعضای خانواده، شخصیت فیلم‌ها و... دنبال الگو باشید تا به صورت عملی نتیجه مشورت در زندگی را به جوان نشان دهید. از طرفی،



یک مشاور خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

عقل‌ها مر عقل را یاری دهد

■ سجاد رستمی چورتی

انسان نباید در امور زندگی، خودرأی باشد و ارزشی برای دیگران قائل نشود چون زندگی برای او سخت خواهد بود. اگر شما در تمام امور زندگی، رای خود را حاکم بدانید و در مواجهه با نظرات دیگران با چهره خشن و اخمو برخورد کنید اطراف شما خالی می‌شود و شکست از آنچه که فکر می‌کنید به شما نزدیکتر خواهد شد. خداوند در خطاب خودش به پیامبر اکرم (ص) چنین می‌فرماید: **وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْتَفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ**. و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها با آنها مشورت کن. آیا پیامبر نیازی به مشاوره دیگران داشته‌اند؟ جواب آن مشخص است؛ خیر اما برای اینکه دیگران احساس ارزشمندی کنند و ببینند که پیامبر آنها برای حرف آنها ارزش قائل می‌شود، خداوند دستور داده تا مشاوره بگیرند. برای یک مشاور خوب و دلسوز، خصوصیات ذکر شده است که برخی از آنها را می‌خوانیم:

۱. امین و رازدار باشد

مشاور برای اینکه بتواند در هنگام مشاوره تسلط داشته باشد و راه‌های حل مشکل را به خوبی بیان کند، باید اطلاعات خود را در اختیار او قرار دهید، اطلاعاتی که دوست ندارید هیچ‌کسی از آنها آگاه شود. اگر مشاور رازدار نباشد و اطلاعات شما را در اختیار دیگران قرار دهد، نه تنها سودی برای شما نخواهد داشت بلکه آرامش را از زندگی شما می‌برد. مشاور باید حافظ اسرار مراجع باشد و از آنها سوء استفاده نکند.

« راه ساده‌ای وجود دارد برای اینکه آرا و اندیشه‌های دیگران را به اندیشه خود اضافه کنید و در کنار دانش خود از آنها نیز استفاده کنید و این راه ساده، مشاوره است. شما می‌توانید آرای دیگران را در کنار دانش خود داشته باشید بدون اینکه سختی‌هایی که آن فرد کشیده است را متحمل شوید. پس در کارهای مهم خود از نظرات افراد عالم و آگاه استفاده کنید تا گام به گام به سمت موفقیت در زندگی و اهداف خودتان نزدیک شوید. کاملاً بدیهی است که یک شخص نمی‌تواند با این گستردگی‌های علمی به تمام علوم و دانش‌ها مسلط و متخصص شود. پس برای اینکه بخواهید یک کاری را شروع کنید و تصمیم منطقی بگیرید ناگزیر هستید که از نظرات مشاوران سالم و صالح استفاده کنید. امام علی (ع) فرمودند؛ شایسته انسان خردمند است که رأی و نظر خردمندان را بر رأی خویش بیفزاید.

گاه یک فکر خام و یک کار ناپخته، انسان را تا مرز نابودی و هلاکت می‌کشاند و سهم شما از این زندگی زیبا چیزی جز تباهی نخواهد شد. اما این مشورت است که می‌تواند شما را از نابودی نجات دهد و در مسیر سعادت قرار دهد. مشاوره گرفتن بدین معنا است که رأی دیگران در کنار رأی شما باشد و تفکرات شما را افزایش دهد نه اینکه باعث کاهش دادن آگاهی شما شود. مشورت‌گیرنده باید پیش از مشورت، در گزینش مشاور بیندیشد و به کسی مراجعه کند که عقلش او را تایید می‌کند.



.....

مشکل مشورت گیرنده را حل کند و برای حل آن، ذهن خودش را درگیر کند و بهترین روش را به او ارائه دهد ولی اگر ذهن او از ارائه نظر درمانده شد، نباید بیخیال بماند و بگوید من تلاش خودم را کردم و نتوانستم چاره ای برای حل این مشکل پیدا کنم. بلکه باید این فرد را به مشاورانی که از لحاظ علمی و تجربی از او بالاتر هستند ارجاع دهد تا مشکل او را حل کنند. در کلام نورانی امام سجاد (ع) نیز همین نکته اشاره شده است؛ حق مشورت گیرنده این است که اگر رایی نیکو برایش سراغ داری، به او ارائه دهی و اگر نمی دانی، او را به کسی که می داند رهنمون شوی. کسی که به شما رجوع می کند، نیاز دارد با شفقت و مهربانی با او رفتار شود و تمام امیدش بعد از خداوند به شما بسته شده تا مشکلتش او را حل کند. اگر شما توانایی ندارید، باید مسیر دیگری را نشان او دهید تا بتواند مشکل خودش را حل کند. امام سجاد (ع) فرمودند: اما حق کسی که نصیحتش می کنید یا از تو خواسته است که نصیحتش کنید بر تو آنست، روش در حال نصیحت کردن نرم و گفتارت نیز دوستانه باشد.

۶. آرامش بدهد

برای حل کردن مشکلات نیاز است که شخص دارای آرامش باشد تا بتواند در هنگام تصمیم گیری بهترین انتخاب را داشته باشد. شخص مشاور وظیفه دارد این آرامش و همدلی را به او منتقل کند و با راهنمایی کردن به او بتواند کمک کارش باشد. مشکلات، اولین چیزی را که سلب می کنند آرامش شخص است و حالات او را پریشان می کند و قدرت تصمیم گیری در کارهای مهم را از او می گیرد. مشاور با آگاهی کاملی که از شخص پیدا می کند باید به نوعی رفتار و راهنمایی کند که شخص احساس همدلی کند و به راحتی بتواند با او مشورت کند و به آرامش برسد.

۷. شجاعت داشته باشد

در واقع کسی که مشاوره می دهد به عنوان راهنمای مادر زندگی است. اگر او بصیرت داشته باشد و قدرت شناسایی مسیر را داشته باشد، اما توان به انتهای رساندن کار را نداشته باشد، آن مسیر را به شما نشان نخواهد داد. فردی که شجاعت نداشته باشد، از کاه برای شما کوه می سازد و کارها را بزرگتر از آن چیزی که هستند نشان می دهند. مشاور ترسو قطعاً قدرت و شجاعت این را ندارد که مشورت کننده را از گرفتاری و مصائب و مشکلات برهاند بلکه راه خروج از آنها را بر مشورت کننده تنگ می سازد و او را گرفتار می کند.

حضرت علی (ع) در سفارشی به مالک اشتر فرمودند: با فرد ترسو مشورت نکن زیرا در کارها روحیات را ضعیف می کند. □

۲. راستگو باشد

گاهی اوقات برای مشاوره تحصیلی یا ورزشی یا خانوادگی.... به مشاور مراجعه می شود. اگر مشاور برای دلخوش کردن طرف مقابلش، نقاط مثبت و منفی را به او راست نگوید یا اینکه راهکارهای اشتباه را در مسیر زندگی آنها قرار دهد، این مشاوره ضررش چندین برابر بیشتر از سودش خواهد بود. مشاورانی که صفت صداقت را ندارند همانند سراب هستند که بیشتر باعث فریب شما هستند تا هدایت شما. امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: با دروغگو مشورت مکن؛ زیرا دروغگو مانند سراب، دور را در نظرت نزدیک و نزدیک را دور نشان می دهد. وقتی در مشاوره، واقعیت ها گفته نشود ممکن است لطمات جبران ناپذیری به فرد زده شود و او را تبدیل به فردی بی فایده در جامعه کند. البته چگونه گفتن آن نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است که مشاور باید با هنر خودش آن را بیان کند. مشاور باید کسب منش صحیح را سرلوحه کار خود قرار دهد و سختکوش و پرتلاش باشد و صداقت را فراموش نکند.

۳. وقت بگذارد

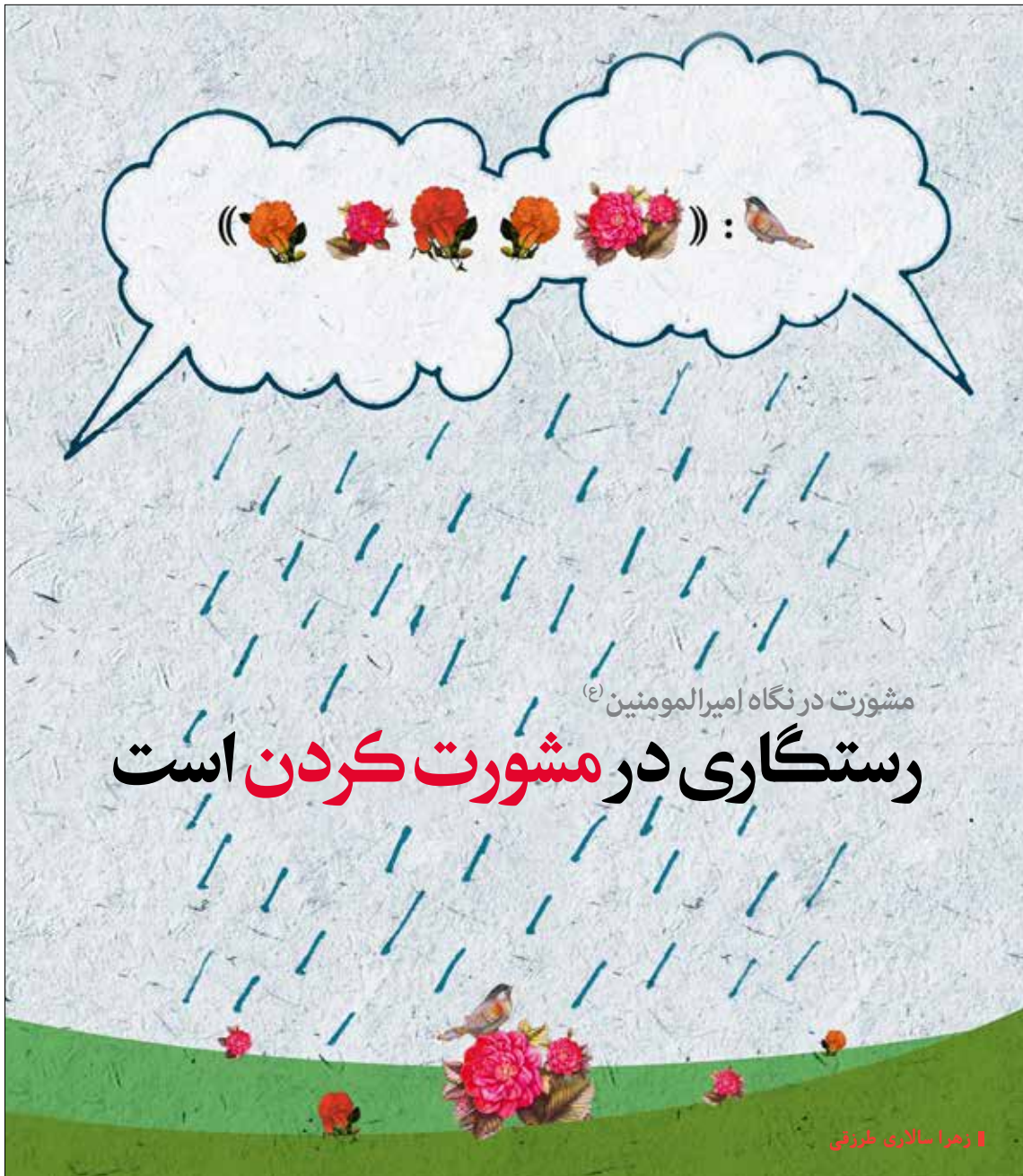
وقتی به شما مراجعه می کنند و مشکلات خود را بیان می کنند یعنی به یک بن بست رسیده اند که برای رهایی از آن نیاز به یک مشاوره صحیح و درست دارند. برای اینکه نظر درست به او ارائه دهید نیاز است به صحبت های او خوب گوش دهید و وقت بگذارید برای او و در نهایت بتوانید بهترین راهکار را پیشنهاد دهید. اگر شما وضعیت مشورت گیرنده را شناساید و نقاط قوت و ضعف او را بدانید، نمی توانید بهترین راهکار را بیان کنید. اگر تشخیص شما به عنوان یک مشاور اشتباه باشد، مشکلی را حل نمی کنید بلکه کار را سختتر خواهید کرد. همانگونه که یک متخصص قلب اگر در تشخیص خودش دچار اشتباه شود باعث مرگ بیمار خود می شود و اگر تشخیص صحیح و درست داشته باشد می تواند جان دوباره ای به او ببخشد.

۴. مورد اعتماد باشد

مشاور باید کسی باشد که در مقایسه با دیگران، بیش از همه به او اعتماد داشته باشید، یعنی فردی باشد که شایستگی مشاوره دادن را داشته باشد. اگر این طور نباشد، دارید ندانسته و ناخواسته عرصه سوء استفاده از خودتان را برای دیگران باز می کنید. اگر اعتماد پیدا کردید نسبت به او، هم خودتان آرامش خواهید داشت چون می دانید که راز شما در خطر نیست. هم خود مشورت احساس لذت دارد چون نزد دیگران به درجه مقبولیت رسیده است.

۵. دغدغه داشته باشد

مشاور خوب باید کوشش و تلاش خود را بر این بگذارد که



مشورت در نگاه امیرالمومنین (ع)

رستگاری در مشورت کردن است

|| زهرا سالاری طرزنی

به تکروی و بی‌نیاز دانستن خود از مشورت متمایل‌تر می‌شوند؛ به همین خاطر بر آن شدید تا این امر مهم را در دین مبین اسلام براساس آیات و روایات، خاصه کلام گهربار مولی الموحدین، حضرت علی (ع) مورد تبیین و بررسی قرار دهیم.

اهمیت شورا و مشورت در دین اسلام از آنجا روشن می‌شود که یکی از سوره‌های قرآن به این نام نازل شده است. قرآن علاوه بر اینکه انجام کارها با مشورت را یکی از نشانه‌های اصلی ایمان می‌شمرد، آن را در ردیف اعمالی

اسلام که حاوی جامع‌ترین قوانین برای سعادت انسان هاست، براساس سرشت انسان استوار شده و ضامن تعالی جامعه انسانی است، با این وصف قطعاً اهمیت شورا به عنوان یکی از مسائل مهم در دین اسلام در این تعالی مدنظر بوده است. با پیشرفت دانش و فناوری ضرورت تبادل اطلاعات در میان انسان‌ها بیشتر نمایان می‌شود؛ چراکه تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در زمینه‌های مختلف زمانی دقیق‌تر خواهد بود که افراد صاحب نظر در انجام آن دخیل باشند؛ در واقع برخورد اندیشه‌ها به صورت درست می‌تواند تصمیم‌گیری‌ها را تعدیل کند که در این صورت طبیعتاً نتایج به دست آمده مطلوب‌تر خواهد بود.

متأسفانه در جوامع امروزی این مسئله کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و افراد روز به روز



.....

خاطر آن حضرت می‌فرمایند: «هرگاه خواستی سرشت کسی را بشناسی باید با او مشورت کنی؛ زیرا انسان در مشورت از عداوت، ستم و خوبی و بدی آشکار می‌گردد و اهمیت این مورد تا بدانجاست که آن حضرت فرموده‌اند: «با دشمنانت مشورت کن تا مقدار دشمنی آنها را بشناسی.»

۵. رسیدن به رستگاری: این عامل نیز به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای مشورت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، لذا آن حضرت می‌فرمایند: «در امورات مشورت کنید که رستگاری در مشورت کردن است» و یا این سخن که: «مشورت کننده به سوی رستگاری است.»

در بیان دیگر آثار و فواید این مهم باید خاطر نشان کرد که در دیدگاه اسلام، مشورت کردن افزون بر مواردی که ذکر شد، انسان را از تنگناها می‌رهاند، او را در انجام امور نیرومند می‌گرداند، همچنین مایه برکت و بصیرت انسان می‌گردد و او را به رضای خالق نزدیک می‌گرداند و یکپارچگی افکار را به خاطر تبادل نظر افراد به دنبال خواهد داشت.

نکته مهم دیگر در باب امر مشورت مربوط به مضرات بی توجهی به این امر مهم است؛ به همین سبب امام علی (ع) هشدار می‌دهد که رایزنی و مواظبت بر آن واجب است و هرکاری که بدون مشورت و همفکری صورت پذیرد، به درستی و کمال نخواهد رسید.

۱. مضرات عدم توجه به مشورت

۱. نابودی: آن حضرت به کرات به این پیامد اشاره داشته و فرموده‌اند: «هرکه استبداد در رأی پیدا کند نابود می‌گردد.» و یا می‌فرمایند: «مشورت کردن همان هدایت و راهیابی است و کسی که به رأی و اندیشه‌ای بی‌نیاز شد، خود را در خطر و تباهی خواهد افکند.»

۲. پشیمانی: بارها برای ما اتفاق افتاده که بعد از انجام کاری یا بیان صحبتی از کرده خود نادم و پشیمان گشته‌ایم؛ به همین خاطر حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «خردمند زبانش را آزاد نمی‌کند مگر پس از مشورت با فکر و اندیشه و مراجعه به آن.» و یا این سخن که: «عاقل تا با فکر خود مشورت نکند، سخن نمی‌گوید و نادان بدون مراجعه به فکر و اندیشه خود سخن می‌راند.» (این سخنان گویای این مطلبند که مشورت گاهی بر تفکر نیز صدق می‌کند.)

۳. نرسیدن به حق: حضرت علی (ع) در بیان این مورد از آثار زبانی‌باربی توجهی به مشورت بر این عقیده‌اند که هرکسی که مشورت را ترک کند، به حقیقت نرسد، اگر چه پندار دکه به حق رسیده است.

۴. متهم شدن به ظلم و خیانت: امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه ۵۲ نهج البلاغه (به مالک اشتر نخعی) ضمن توصیه ایشان به اندیشیدن در رفتار کارگزاران و سپس منصوب نمودن آنها به کارهای مختلف می‌افزاید: «هرگز به میل خود و بدون مشورت با دیگران، آن‌ها را به کاری نگمار؛ زیرا دنبال هوا و هوس رفتن و به رأی دیگران

چون نماز، زکات و انفاق قرار می‌دهد؛ و کسانی که دعوت پروردگارش را پذیرفتند، نماز را برپا داشتند و کارهایشان را با مشورت یکدیگر انجام دادند و از آنچه روزی آنها کردیم، انفاق نمودند.» (شوری-۳۸)

آیه ۲۳ سوره بقره تصمیم‌گیری در مورد گرفتن بچه از شیر مادر را نیازمند مشورت پدر و مادری دانده؛ همچنین داستان مشورت ملکه صبا با یزرگان قومش در رابطه با نامه حضرت سلیمان (ع) و نمونه‌های بسیار زیادی در قرآن که همگی اهمیت مشورت را گوشزد می‌کنند.

اهمیت این امر تا بدانجاست که حتی افرادی مانند انبیا و امامان که انسان‌هایی کامل هستند، از مشورت بی‌نیاز نبوده‌اند؛ چنان که خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران صراحتاً به پیامبر دستور می‌دهد که در امور مهم با مومنان مشورت کند؛ این در حالی است که می‌دانیم آن حضرت نه تنها از نظر عقلانی فوق افراد بشر بوده، بلکه با عالم وحی نیز مستقیماً ارتباط داشته‌اند، ولی با این حال خداوند در این آیه می‌فرماید: «و شاورهم فی الامر.»

۱. مشورت عدالت خواهانه

حضرت علی (ع) در این باره سخنی نیکو دارند: «از گفتن سخن حق و مشورت عدالت خواهانه خودداری نکنید؛ زیرا من خود را برتر از آن نمی‌دانم که اشتباه نکنم و در کارها از آن ایمن نیستم، مگر آنکه خدا مرا حفظ کند.» بر طبق دستور صریح خداوند در قرآن و سنت پیامبر، حضرت علی (ع) در باب نیازمندی انسان به مشورت خودش را از آن مبرا نمی‌دانست و در تصمیمات مهم نظیر جنگ‌ها با فرماندهان و سران سپاهش به شور می‌نشست و همواره تأکید می‌ورزید که هر شخص دوراندیشی باید به کسی که از نظر درجه برتر از اوست مراجعه کند؛ زیرا فضیلت هیچ کس کامل نیست و به شخص خاصی هم اختصاص ندارد.

۱. فواید مشورت

۱. مهم‌ترین پشتیبانی: آن حضرت در سخنانشان همواره به مشورت به عنوان یک پشتیبانی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «هیچ پشتیبانی قویتر از مشورت نیست.»

۲. شناخت موانع و خطاها: آن حضرت بر آنند که هر کس از دیدگاه‌های دیگران استفاده کند موارد اشتباه و خطا را خواهد شناخت و در جایی دیگر نیز مشورت کننده را از خطا و اشتباه مصون می‌دانند.

۳. شرکت در عقل مشاوران: از مهمترین آثار و فواید مشورت می‌توان به بهره‌مندی افراد از عقل و خرد مشاوران اشاره کرد؛ به همین خاطر است که آن حضرت می‌فرمایند: «کسی که با دیگران مشورت کند در عقلای آنان شرکت جسته است.»

۴. شناخت سرشت افراد مورد مشورت: این مورد یکی از مهمترین آثار مشورت محسوب می‌شود؛ به همین



اشاره کرد، اما همیشه وجود یک مشاور خوب نمی تواند دلیل بر اجرای حکم صحیح باشد. چه بسا مشاور از همه لحاظ نظرش به صواب نزدیک باشد، اما حکمش از سوی مردم مورد قبول واقع نگردد.

نمونه عینی این امر در جنگ صفین (ماجرای حکمیت) نمود پیدا کرد. زمانی که معاویه در «لیله الہریر» بر شکست خود در برابر سپاه امام علی (ع) واقف گشت در پی مشورت با عمرو عاص با حربه به نیزه کردن قرآن ها تصمیم به اتخاذ ترفند «لا حکم الا لله» گرفت که در پی این عمل، مردان سپاه امام به مشورت با ایشان نشستند و ایشان در مقام یک مشاور ناصح، شفیق و دلسوز، آن ها را راهنمایی کرد و نسبت به این خدعه هشدار داد. اما آنان نه تنها به نظرات خیرخواهانه امام (ع) توجهی نکردند، بلکه با ایشان به مخالفت برخاسته و ایشان را تهدید نمودند و نهایتاً زمانی به اشتباه خود و نیزنگ دشمن پی بردند که دیگر جایی برای جبران مافات نبود.

۱ آفت مشورت

در حقیقت این ماجرا در بردارنده وظایف ما در برابر کسی است که از او مشورت خواسته ایم و امیرالمؤمنین نیز در غررالحکم به این مسئله اشاره دارند: «آفت مشورت، شکستن رأی ها و به کار نبردن آنهاست.»

از بارزترین موارد ضرورت مشورت در جامعه، مشورت در امور مدیریتی است بر این اساس دولتمردان برای حل بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی و حکومتی باید با افراد دارای صلاحیت به شور بنشینند. امروزه این مسئله به دو صورت می تواند انجام گردد؛ یکی همان روش قدیمی (استفاده از تجربیات متخصصان) است و دیگری در قالب ارائه افکار عمومی به مسئولان حکومتی می باشد که با توجه به گستردگی جوامع می تواند در جهت حل مشکلات مردمی مؤثرتر باشد که از بارزترین نمونه های آن می توان به مشارکت مردمی در انتخابات اشاره کرد.

البته لازم به ذکر است که مشورت در همه مواقع لازم می باشد؛ چراکه وقتی حکم خدا و رسولش صریحاً موجود باشد، لزومی به مشورت نیست. حضرت علی (ع) در پاسخ به طلحه و زبیر که به ایشان در مورد عدم مشورت و نظرخواهی امام از آنها در موضوع تقسیم بیت المال اعتراض کردند، صراحتاً فرمودند: «اگر حکمی بود که در کتاب خدا بیانی درباره آن نبود و در سنت پیامبر (ص) راهی برای آن وجود نداشت با شما مشورت می کردم.»

در آخر باید خاطر نشان کرد که هر زمان این امر مهم مورد بی توجهی قرار گرفته، توانسته عواقب جبران ناپذیری را به بار آورد؛ اتفاقی که در خانواده های امروزی رخ داده، کم رنگ شدن همدلی و مشورت است. بسیاری از اختلافات و سوء تفاهات و در نتیجه طلاق های توافقی که متأسفانه در جامعه رو به افزایش است، ریشه در همین نکته دارد. امید است با به کارگیری سخنان در ریزان امام همام روز به روز بر اهمیت مشورت و همفکری اضافه شود و این امر جایگاه خود را به طور فرآگیر در جامعه پیدا کند. □

توجه نکردن از موارد ظلم و خیانت محسوب می شود. اما ممکن است اینجا این سؤال مطرح شود که ویژگی یک مشاور اصلح چیست؟ و در انتخاب یک مشاور چه نکاتی را باید لحاظ کرد؟ در پاسخ به این سؤالات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ نکات ضروری در انتخاب مشاور

۱. تجربه: حضرت در باب اهمیت این مورد بر آنند که مشورت بدون تجربه در بردارنده گمان و خطاست. همچنین در غررالحکم می فرمایند: «برترین مردمی که با او مشورت می کنی باید دارای تجربه های فراوان باشند.»

۲. دانشمندی: طبق فرمایشات امام علی (ع) این مورد بدان معناست که یک مشاور ورزیده باید خیر و مصلحت امور را در نظر گیرد؛ به همین خاطر ایشان همواره به استفاده از نظریات نخبگان و دانشمندان در امور مملکتی تاکید می ورزند و می فرمایند: «با دانشمندان فراوان گفت و گو کن و با حکیمان بسیار سخن در میان نه.»

۳. آگاهی به امور: مراد از این سخن، برخوردار بودن مشاور از تخصص و علم در مبحث مورد شورا است. به طور مثال فرد مورد مشورت در امور جنگی باید انواع جنگ ها را بشناسد و احاطه کامل به وضع شهر و میزان امکانات جنگی و ساز و برگ داشته باشد. سخنان آن حضرت در نامه ای به مالک اشتر در بردارنده همین مورد است: «طرف مشورت باید به اقسام سیاست ها و پیامدهای آن آگاه باشد و هر نوع سیاستی را در جای خود به کار برد. به این ترتیب قهر و غلبه را در جای مدارا به کار نگیرد.» بر همین مبنا در غررالحکم می فرمایند: «با کسی که نادان در کار توست مشورت مکن.» از دیگر ویژگی های ضروری یک مشاور طبق فرمایشات حضرت علی (ع) عبارتند از: عاقل بودن، مهربانی، خیرخواهی، رازداری، ایمان و تقوا (برخی از این صفات در ذیل خطبه ۲۵ آمده است.)

۲ عدم مشورت با بخیل و دروغگو

اما برخی ویژگی ها اساساً نباید در فرد مشاور وجود داشته باشد که مهم ترین آنها شامل بخل، ترس و حرص می شود، لذا آن حضرت در نامه ۵۲ به مالک اشتر توصیه می کند: «در مشورت کردن خود افراد بخیل را دخالت مده که تو را از نیکی و کار خیر باز داشته و تو را از فقر می ترساند و نیز با آدم ترسو مشورت مکن که تو را در انجام کارها سست می کند و همچنین شخص حریص را داخل در شور قرار مده که حرص، ستم کردن را در نظرت آرایش می دهد.»

و نیز از آن جمله است، دروغگویی؛ چنان که آن حضرت می فرمایند: «با شخص دروغگو مشورت مکن؛ زیرا مانند سراب است؛ دور را برای تو نزدیک و نزدیک را بر تو دور می سازد.» دشمنی و جهل نیز از دیگر موارد آن است. از بارزترین افرادی که تمام خصایص یک مشاور خوب در آنها یافت می شود، می توان به ائمه اطهار و امامان معصوم



در اولین مطلب از بخشی که به مناسبت میلاد خجسته حضرت زینب (س) تدارک دیده‌ایم نوشتاری از آیت‌الله مظاهری را با موضوع تبلور مراتب شجاعت در شخصیت حضرت زینب (س)، می‌خوانیم. نگاهی کوتاه به مسأله دانش زینب کبری (س) به قلم حجت الاسلام والمسلمین انصاریان، ترجمه یک سخنرانی از امام موسی صدر با موضوع خطبه حضرت زینب (س) در برابر یزید، گفتگو با دکتر محمود مهدوی دامغانی استاد برجسته تاریخ اسلام، مطلبی با عنوان «سیمای یک بانوی خردمند» درباره الگوی تمام نمای یک زن مسلمان و مقاله «تربیت یافته مکتب وحی» درخصوص مدل تربیتی عقیده بنی هاشم بخشی از مطالب این بخش را تشکیل می‌دهند.

« عترت



مشعل معرفت و دانش

تربیت یافته مکتب وحی

تعلیم دیده بدون معلم



شجاعت، سه مرتبه یا سه معنا دارد؛ مرتبه اول شجاعت، نترسیدن از دیگران به خصوص نترسیدن از افراد زورگرو قدرتمند است. مرتبه دوم شجاعت که بالاتر از معنای اول است، تسلط بر هوس و هوس و نفس اماره است. اما بالاتر از این دو مرتبه، معنای سوم شجاعت است؛ به این معنا که انسان در جزرو مدّ روزگار خودش را نبازد. زینب مظلومه (س) از هر سه مرتبه شجاعت، در حدّ اعلای آن برخوردار بودند.

زیرا شهادت و اسارت، سرنوشت ما بود و ریشه شما را خواهد سوزاند. تشییع برای همیشه احیاء خواهد شد، اما تو به زودی خواهی مرد. پس، منتظر باش بین چه کسی رسوا می‌شود؟ مادرت به عزایت بنشینند! ابن زیاد از این کلمات شجاعانه حضرت زینب (س) به اندازه‌ای عصبانی شد که دستور قتل حضرت زینب را داد، اما مشیت الهی اقتضا نکرد و نیت شوم او عملی نشد. در مجلس یزید هم حضرت زینب (س) با شجاعت تمام، خطبه بسیار کوبنده‌ای خواند. آن جلسه به عنوان جشن پیروزی ترتیب داده شده بود، اما سخنان قاطع حضرت زینب (س) و امام سجّاد (ع) یزید را رسوا کرد و پیروزی ظاهری او را به شکستی مفتضحانه مبدل ساخت.

مظهر و وظیفه شناسی

برخورداری از شجاعت، حتی در مرتبه اول آن، این توان را به انسان می‌دهد که پس از تشخیص وظیفه، به آن وظیفه عمل نماید و هراسی از موانع انجام وظیفه نداشته باشد.

مرتبه اول شجاعت، به خوبی در شخصیت حضرت زینب (س) ظهور و بروز داشت؛ به گونه‌ای که در دوران اسارت و پس از آن، هیچ گاه از افراد زورگویی چون ابن زیاد و حتی یزید نترسید و در برابر سخنان ناحق و بی منطق آنان با عزّت و اقتدار تمام و با قاطعیت ایستادگی کرد. در مجلس ابن زیاد، وقتی اسرا وارد مجلس شدند، حضرت زینب (س) در گوشه‌ای از قصر نشستند که در دید نامحرم نباشند. ابن زیاد رو به سوی ایشان کرد و گفت: دیدی خدا با شما چه کرد؟ حضرت زینب (س) برخاست و با شدت فراوان فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَيَّ مَضْاجِعِهِمْ وَ سَبَّحَمُ اللَّهُ تَبِينَكَ وَ بَيَّنَّهُمْ فَتَحَاخَّ وَ تَخَاصَمَ فَأَنْظُرُ لِمَنِ الْفَلَجُ يَوْمَئِذٍ تَكَلُّثُكَ أُمَّكَ يَا ابْنَ مَرْجَانَةَ»

ایشان به بیان ساده فرمود: تونمی فهمی! مادر این مسافرت، چیزی جز خوبی ندیدیم. اگر شهادت برادرم و اسارت ما و صحنه‌های توهین آمیز توست، به جز خوبی چیزی نیست،

تبلور مراتب شجاعت در شخصیت حضرت زینب (س)

استقامت برای رضای خدا

آیت الله حسین مظاهری



طبق روایتی از رسول خدا (ص) دنیا مانند دریایی متلاطم و عمیق است و مخلوقات بسیاری در آن غرق می‌شوند: «الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا خَلْقٌ كَثِيرٌ» امیرالمؤمنین (ع) نیز در بیان ویژگی‌های دنیا، آن را خانه‌ای پیچیده شده در بلا و مصیبت توصیف می‌فرماید: «دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَخْفُوفَةٌ» اساساً خاصیت دنیا این است که روزی طبق مراد و خواسته انسان است و روزی هم بر خلاف میل او خواهد چرخید. امیرالمؤمنین (ع) در نامه‌ای به ابن عباس می‌نویسد: «وَ اَعْلَمُ بِأَنَّ الدَّهْرَ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ»

بنابراین دنیا برای همه جزو مد و بالا و پایین دارد و همه باید طعم سختی و آسانی را بچشند. باید توجه داشت که جزو مد دریای زندگی در بسیاری از موارد، امتحان‌پندگان است؛ زیرا اساساً نوع بشر حتماً امتحان می‌شود: «أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْتَغُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ، وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ، آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد.»

در این میان، انسان شجاع کسی است که در دریای موج و متلاطم دنیا، خویشتن را نیاززد و خود را حفظ کند؛ اما متأسفانه بسیاری از انسان‌ها چنین نیستند. قرآن کریم، انسان را ناشکیبا و کم‌طاقت توصیف می‌کند و می‌فرماید: هرگاه شرو صدمه‌ای به انسان برسد و در موضع سختی و بلا واقع شود، بی‌تاب می‌شود و عجز و لایه می‌کند و اگر خبری نصیب او گردد و در رفاه باشد، بخل می‌ورزد: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً، إِلَّا الْمُصَلِّينَ، به راستی که انسان سخت‌آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است، چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لایه کند، و چون خیری به او رسد بخل ورزد.»

نوع انسان سبک‌سراست، یعنی در جزو مد روزگار مثل پَر کاهی، خودش را به حرکت موج‌ها سپرده و به هرسویی پرتاب می‌شود؛ مگر کسی که جداً به مقام عبودیت رسیده باشد، مگر کسی که جداً مانند حضرت زینب (س) از نماز شب استفاده کرده باشد. امتحان الهی برای همه، اعم از پیر و جوان و زن و مرد، به شکل‌های گوناگون وجود دارد. اگر انسان در امتحان خود را نیاززد و استقامت کند، پیروز می‌شود و می‌توان گفت: شجاع است. البته لطف و امداد الهی و هدایت خداوند نیز برای پیروزی در امتحان، لازم است. انسان باید همت و تلاش خود را ضمیمه عنایت پروردگار کند تا موفق شود.

حضرت زینب (س) از مرتبه سوّم شجاعت نیز به خوبی برخوردار بود. به خصوص در دوره اسارت که برای ایشان یک دریای پرتلاطم و موج بود، به اعتراف دوست و دشمن، از عهده وظیفه و مسئولیت خود برآمد و هجوم مصائب و بلاها او را منزوی و منفعل نکرد. خطبه‌های حضرت زینب (س) و سخنرانی افشاگرانه ایشان در کوفه و شام، در حالی که چند روزی از عاشورا نمی‌گذشت، ناشی از استقامت و استواری آن حضرت بود. □



شجاعت، سه

مرتبه یا سه

معنا دارد؛ مرتبه

اول شجاعت،

نترسیدن از

دیگران به

خصوص

نترسیدن از افراد

زورگو و قدرتمند

است. مرتبه دوّم

شجاعت که

بالاتر از معنای

اول است، تسلّط

بر هوای و هوس و

نفس اماره است.

اما بالاتر از این

دو مرتبه، معنای

سوّم شجاعت

است؛ به این

معنا که انسان

در جزو مدّ

روزگار خودش

را نیاززد. زینب

مظلومه (س)

از هر سه مرتبه

شجاعت، در

حدّ اعلاّی آن

برخوردار بودند

حضرت زینب (س) چنین بود؛ یعنی شناخت وظیفه و عمل به وظیفه در سیره ایشان، به خصوص در مدّت اسارت به خوبی مشهود بود. به عنوان مثال، وقتی وظیفه ایشان اقتضا می‌کرد که سخنرانی کند و با خطبه خواندن، به افشگری بنی امیه بپردازد، به خوبی به وظیفه خود عمل می‌کرد و از هیچ کس ترس و واهمه نداشت.

خطبه‌های حضرت زینب (س) در بازار کوفه، مجلس ابن زیاد، بازار شام و مجلس یزید بسیار عالی و کوبنده بود و در تاریخ ثبت شده است. ایشان چنان خطبه می‌خواند که به تعبیر راوی، گویا امیرالمؤمنین (ع) خطبه می‌خواند. با شروع خطبه ایشان، همه ناگهان ساکت می‌شدند و سخنان آن بانوی بزرگوار را می‌شنیدند.

حتی در همان روزهای اول اسارت، در کوفه، نزدیک بود مردم با اطلاع از حقایق و با افشگری حضرت زینب، بر علیه بنی امیه قیام کنند، اما چون شورش آنان در آن موقعیت، منجر به سرکوب می‌شد و نتیجه مطلوب، یعنی انتشار سراسری موج کربلا را در بر نداشت، امام سجّاد (ع) مانع آن شدند و فرمودند: «يَا عَمَّةُ اسْكُتِي... أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفَهِّمَةٍ» عمه جان صبر کن؛ شما عالم و زن فهمیده‌ای هستی که بدون معلم به این درجه رسیده‌اید. حضرت زینب (س) نیز بر حسب وظیفه شناسی سکوت اختیار کرد.

□ غلبه بر هوای نفس

مرتبه دوّم شجاعت، یعنی غلبه بر هوای نفس نیز در شخصیت حضرت زینب (س) تجلّی بارزی داشت. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: شجاع‌ترین مردم کسی است که متقی باشد: «أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ» به تعبیر آن نبی گرامی، شجاع‌ترین مردم کسی است که بر نفس خود مسلط باشد؛ به همه واجبات مخصوصاً به نماز اهمیت دهد و در عمل به مستحبات به خصوص نماز شب، انس با قرآن و خدمت به خلق خدا کوشا باشد و از گناهان و حتّی مکروهات اجتناب ورزد. چنین کسی با مداومت بر عبادت، به مقام عبودیت نائل خواهد شد.

حضرت زینب (س) به مقام عبودیت رسیده بود و چنان در آن مقام پیش رفته بود که امام حسین (ع) هنگام خداحافظی، از او خواستند که در نماز شب‌های خود، به آن حضرت دعا کند. حضرت زینب (س) با ریاضت‌های دینی به مقام عبودیت رسیده بود و در آن مقام، از نماز لذّت می‌برد؛ زیرا بهترین لذّت در مقام عبودیت، نماز، به خصوص نماز شب است. به تعبیر قرآن، نماز شب انسان را به مقام محمودی رساند؛ مقامی که حضرت زینب (ع) از آن برخوردار بود.

□ استقامت در جزو مدّ روزگار

والاثرین مرتبه از مراتب شجاعت، آن است که انسان در جزو مدّ روزگار خودش را نیاززد و در رویارویی با پیروزی‌های بزرگ یا هنگام رخ دادن مصیبت و بلا و در مواجهه با بحران، شخصیت خود را حفظ کند و صبر و استقامت داشته باشد.



این روایتها [از سید محمدباقر عابدی] در مجله علمی-مذهبی «عترت» که توسط دفتر تبلیغات اسلامی و نهادهای فرهنگی منتشر می‌شود، در دسترس شما خواهد بود.

مادرش مریم (س) گفتند: «مَا كَانَتْ أَبُوكَ إِفْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَيْتِيًّا» مریم! پدرت که آدم بدی نبود و مادرت که زن پاکدامنی بود، شما هم که شوهر نکردید، پس این بچه را از کجا آوردی؟ مریم (س) اشاره به گهواره کرد.

آن جمع یهودی گفتند: «كَيْفَ نُنْكَلِمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا» شما اشاره به گهواره می‌کنید، بچه یکروزه که حرف نمی‌زند که از میان گهواره صدا بلند شد: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ أَتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا». خود کتاب، علم است. پروردگار عالم کراراً در قرآن مجید از تورات، انجیل و قرآن تعبیر به علم کرده است: «مَنْ تَعَدَّى مَا جَاءَهُمْ الْعِلْمُ». همه تورات را قرآن می‌گوید، علم. همه انجیل را می‌گوید، علم: «أَتَانِي الْكِتَابُ»: خدا علم به من داده، «وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا»: و مقام نبوت را به من داده است. مقام نبوت که همراه با تاریکی، ظلمت و جهل که نیست؛ علم است؛ علم خدایی که بچه یکروزه در گهواره را؛ چنان که قرآن می‌گوید، خزانه علم قرار می‌دهد.

همان خدا بدون معلم بشری، زینب کبری (س) را خزانه علم بشری قرار می‌دهد. چنان که گفتیم، بنا به نقل قرآن کریم، این کاریک بار برای حضرت مسیح (ع) اتفاق افتاده

نگاهی کوتاه به مسأله دانش زینب کبری (س)

تعلیم دیده بدون معلم

حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان

کنار بازار کوفه، وقتی زینب کبری (س) خطبه خواندند و حادثه کربلا را تحلیل کردند و مردم را به آن گناه بی نظیرشان آگاه کردند، زین العابدین (ع) کنار محمل عمه خود، خدا را شکر کردند و فرمودند: عمه جان! من پروردگار عالم را شکر می‌کنم و سپاسش را می‌گویم که الحمد لله تو تعلیم دیده بدون معلم بشری هستی و این دریای دانشی که در وجود تو موج می‌زند، مستقیماً الهی و خدایی است، همان طوری که خداوند از دانش بیکرانش در قلب مادرش زهرا (س) قرار داد، از دانش بیکرانش در قلب مطهر زینب کبری (س) قرار داد و این سابقه هم داشت، نه اینکه اولین بار بوده است.



اینکه عنایت خدا بر یک انسان، کامل جلوه کند، ما در قرآن مجید درباره دو نفر صریحاً می‌بینیم که خداوند متعال در ایام کودکی آنها، دانش خود را در ظرف قلب آنان ریخته است: یکی مسیح که در متن قرآن است که در گهواره، در روز اول تولد، به یهودیانی که به

بار کنید تا بتوانید آنها را با خود ببرید. زینب کبری (س) دختر یک چنین مفسر قرآنی است. بنابراین، معلوم است از قرآن چه چیزی پیش زینب کبری (س) بود. این توصیف یک کلاس زینب کبری (س) است.

معلم فقه

کلاس دیگری که وجود مقدس زینب کبری (س) داشتند، کلاس فقه بود. فقه دریای وسیعی است. یک طلبه مادر قم، وقتی فقیه کامل و مدرّس فقه می‌شود که هشتاد و چهار باب فقهی را در هشتاد و چهار عنوان کتاب فقهی به صورت اجتهادی درسی سال شب و روز بخواند، ولی همه این دریای فقه، پیش زینب کبری (س) بود که اگر گفته‌های ایشان را در این کلاس ثبت کرده بودند، باور کنید در مسائل فقهی، هشتاد درصد کار مراجع ما، با گفته‌های زینب کبری (س) آسان شده بود؛ چرا که او خودش چشمه صافی برای فقه بود، اما مراجع ما الآن کنار چشمه گل آلود هستند. اگر این بزرگوران بخواهند در مسایلی از فقه در روایات غور و بررسی کنند و فتوا بدهند، ممکن است ده تا روایت ساختگی در آن روایات باشد، و وجود چنین امکانی، بخش روایات را گل آلود کرده است. حالا مراجع ما باید بنشینند و این روایات را رازبایی کنند و بر اساس روایت صحیح، به میلیون‌ها نفر شیعه فتوا بدهند؛ برای همین برای به دست آوردن روایت صحیح در این چشمه گل آلود، گروهی آمدند و روایات را تقسیم‌بندی کردند؛ اخبار و احادیث را تقسیم‌بندی کردند؛ خبر متواتر، خبر صحیح، خبر حسن، خبر مسلسل، خبر مسند، خبر مرسل، خبر ضعیف، خبر موثق، خبر مجهول. در مجموعه این اخبار، این تقسیم‌بندی نیز وجود دارد؛ خبر عامی، خبر خاصی، خبر مطلق، خبر مقید، خبر مخصص، خبر ناسخ. یک مرجع چقدر باید زحمت بکشد که از میان این چشمه، یا به یک خبر متواتر، یا به یک صحیح، دست پیدا کند و بعد، بر اساس آن فتوا بدهد.

معلم اخلاق

چنان‌که گفته شد، حضرت زینب (س) فقه می‌گفت و خودش چشمه زلال این علم بود. کلاس دیگرشان هم کلاس اخلاق بود؛ کلاس تربیت نفوس، کلاس تزکیه نفوس، به تعبیری کلاس آدم‌سازی. با توجه به اینکه وجود مقدّس خودشان، مجسمه کامل اخلاق بودند. برایم خیلی مهم بود که در سوریه، در یکی از کتابخانه‌های آنجا، این قسمت از زندگی ایشان را در کتابی که در شرح حال زینب کبری (س) بود، دیدم. در تحلیلی که در یک بخش این کتاب آمده بود، راجع به دانش، بصیرت و علم زینب کبری (س) بحث می‌کرد که به نظر من مطالب مهم و ارزنده‌ای داشت. □



زینب کبری (س)

به عنوان تفسیر

قرآن، پرده از آیات

قرآن برداشتند

و عمق آنها را

برای مردم بیان

کردند. این انسان

عالم، این انسان

بصیر، این انسان

با بینش، شاید

نزدیک چهل

سال برای زنان

مدینه و کوفه

قرآن گفت؛

حقایق قرآن را

بیان کرد؛ تفسیر

آیات را بیان

نمود، ولی آنها را

ننوشت. چیزی از

این تفسیر باقی

نمانده است

است. یا درباره یحیی (ع) می‌فرماید: «وَأَتَيْنَاهُ الْحَكَمَ صَبِيًّا»: ما مقام نبوت و حکمت را در حالی که یحیی (ع) بچه سه و چهار ساله بود، به او عنایت کردیم. این متن قرآن است. پس این بار دوم است که این اتفاق به وسیله خدا افتاده است. چه مانعی دارد که همین اتفاق برای حضرت زهرا (س) هم افتاده باشد؟ چه مانعی دارد که همین ماجرا برای زینب کبری (س) هم اتفاق افتاده باشد؟ این اتفاق، نشانگر کمال آنهاست؛ نشانگر عظمت روحی آنهاست. نشانگر ارزش‌های انتقال یافته از امیرمؤمنان، حضرت زهرا، پیغمبر و خدیجه کبری در وجود مبارک اوست. قلب به پروردگار اتصال داشته و از طریق این اتصال، علم خداوند در این خرابه با عظمت سرازیر شده است. او این علم را حبس نکرد؛ چرا که اهل بیت طبق آیات قرآن، در همه امور اهل اتفاق بودند: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى. وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى»، چه چیزی را بخشش کرد؟ مال، آبرو، قدرت، دانش، شخصیت، زبان، قلم و قدم در تمام نعمت‌هایی که خداوند به اهل بیت عنایت کرده بود، آنها اهل اتفاق بودند. در هیچ زمینه‌ای در وجود اهل بیت بخل وجود نداشت.

مفسر قرآن

زینب کبری (س) در دوره عمرش سه کلاس تشکیل داد، ولی با کمال تأشّف از این سه کلاس، چیزی باقی نمانده است. حیف از آن کلاس‌ها و حیف از بی‌توجهی شاگردان آن کلاس‌ها. یکی از این کلاس‌ها که زینب کبری (س) مخصوص خانم‌ها تشکیل دادند، کلاس تفسیر قرآن بود، و ای کاش! بخشی از تفسیری که زینب کبری (س) فرموده بود، به دست ما رسیده بود تا به وسیله زینب کبری (س) ما با عمق آیات قرآن آشنا می‌شدیم. لغت «تفسیر»، به معنای پرده‌برداری است. زینب کبری (س) به عنوان تفسیر قرآن، پرده از آیات قرآن برداشتند و عمق آنها را برای مردم بیان کردند. این انسان عالم، این انسان بصیر، این انسان با بینش، شاید نزدیک چهل سال برای زنان مدینه و کوفه قرآن گفت؛ حقایق قرآن را بیان کرد؛ تفسیر آیات را بیان نمود، ولی آنها را ننوشت. چیزی از این تفسیر باقی نمانده است. این توصیف یک کلاس او بود. قرآن در خانه آنها نازل شده و کسی مانند آنها، عمق قرآن مجید را نمی‌داند. او فرزند پدری بود که اهل تسنن در کتاب بسیار با ارزش ینابیع، نقل می‌کنند که ابن عباس می‌فرماید، من پیش امیرمؤمنان (ع) تفسیر قرآن می‌خواندم، امیرالمؤمنین (ع) به من فرمود: پسر عباس! اگر من آنچه در هفت آیه سوره حمد است، از «ب» «بِسْمِ اللَّهِ» تا «وَلَا الضَّالِّينَ» را برای شما بگویم و شما هم گفته‌های من را بنویسید، و بعد از اینکه من پایان کلاس را اعلام بکنم، هفتاد شتر جوان را باید بیاورید تا این نوشته‌ها را

نگاهی به خطبه حضرت زینب (س) در برابر یزید

به خدا سوگند نمی‌توانی یاد ما را محو کنی

■ امام موسی صدر؛ ترجمه مهدی فرخیان



«هنگامی که زینب (س) سخن آغاز می‌کند؛ کسی

است که اسیر و خسته است، زیرا راه درازی را در حرکت بوده و روزهای جانکاهی داشته است؛ مصیبت‌های فراوانی دیده و

مسئولیت‌های سنگینی داشته، نه درست خوابیده و نه استراحتی کرده. اکنون نیز مسئول حفظ سلامت و حیات فرزندان حسین است. افزون بر همه اینها، پادشاهی مغرور و پیروز در برابرش نشسته است.

زینب سخن آغاز می‌کند. در ابتدا می‌گوید: «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی رسوله و آله أجمعین. راست گفت خدا که فرمود: ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أُسَؤُوا السَّوْءَ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ». این آیه درباره کسانی است که گناه می‌کنند و می‌گویند مصیبت اثری در ایمان ندارد، ایمان قلبی کافی است. می‌گویند انسان در اعمالش آزاد است؛ هرگونه بخواهد سخن بگوید، عمل کند، لباس بپوشد! این منطق نادرست است و قرآن تأکید می‌کند که گناه به انکار خدا و کفر و استهزای خدای انجامد؛ آنکه اعمال ناشایست انجام می‌دهد، در پایان به انکار آیات خدا می‌رسد.

۱ امتحان خدا

فساد و انحراف مرزی ندارد. گمان مبرید که آدمی امروز اندکی منحرف می‌شود و فردا برمی‌گردد. هر اندازه که انسان راه انحراف را ادامه می‌دهد، اهمیت مسئله فزونی می‌یابد و توقف دشوارتر می‌شود. انسان در مسیر مصیبت مانند خودرویی است که در سرازیری است؛

هرچه پیشتر می‌رود، متوقف کردنش دشوارتر می‌شود. اگر امروز از گناه دست شستیم و متوجه خدا شدیم، آسان‌تر از فرداست. در جوانی بازگشت، آسان‌تر از پیری است. زینب (س) به یزید توضیح می‌دهد تو که بدینجا رسیده‌ای که می‌گویی: «لعبت هاشم بالملک فلا...»، این نتیجه طبیعی فسق و فجور است. هر که منحرف شود و به مسیر منحرف خود ادامه دهد، ناگزیر روزی به اینجا می‌رسد.

زینب در ادامه می‌گوید: «أظننت یایزید حیث أخذت علینا أقطار الأرض و آفاق السماء... یزید! آیا گمان می‌کنی از هر طرف راه را بر ما بسته‌ای و ما چون اسیران به هر سو می‌رویم، ما نزد پروردگار خواریم و تو ارجمندی؟ خود را بزرگ پنداشتی و کبرورزیدی و شادمان و مسرور گشتی!

دیدنی که دنیا در دستانت توست، کارها بر وفق مرادت است و حکومتی که حق ما بود، در اختیار تو قرار گرفته است. مهلا مهلا!





.....

پدرت را به بندگی می گرفت و تو اکنون بنده ای خرد بودی. من با این چشم به تو می نگرم، هر چند اکنون بر مسند خلافت و حکومت باشی.

«ای فرزند آزادشدگان، آیا عادلانه است که زنان و کنیزکان خود را در پس پرده بنشانی و دختران رسول خدا را در حالت اسیری به این سو و آن سو بکشانی و رویشان را آشکار کنی و دشمنان، آنان را از سرزمینی به سرزمینی بکشاند و چشم بیگانه و آشنا و شریف و پست به آنان خیره شود. از مردانشان کسی با آنان نیست و پرستاری در کنارشان نیست.»

سپس زینب بر کوبندگی این موضع می افزاید: «کیف ثرتجی؟» من از تو چنین انتظاری ندارم و در جایگاهی نیستی که امید به تو بُرد؛ زیرا تو فرزند همان کسی هستی که جگر پاکان را به دندان گرفت و گوشتش با خون شهدارو بید (اشاره به مادر معاویه، هند جگرخوار که گوشت حمزه را خورد). و چگونه از دشمنی با ما بکاهد، کسی که با کینه به ما می نگرد و بی آنکه گناهش را بزرگ بدارد، می گوید: کاش نیاکانم بودند و شادی می کردند و به من دست میرزاد می گفتند!

فوالله ما فریت ألا جلدک ولا جزرت إلا لحمک: به خدا، جز پوست خود را ندریدی و جز گوشت خود را نکشافتی؛ بر پیامبر وارد می شوی در حالی که خون خاندانش و هتک حرمتشان به گردن توست، در هنگامی که خداوند پراکندگی ایشان را جمع می کند، و حقشان را می گیرد: و لا تحسبن الذین قُتلوا فی سبیل الله أمواتا بل أحياء عند ربهم يُرزقون: کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار، بلکه زنده اند و نزد پروردگارش روزی داده می شوند. تو را بس که حاکم خداست و محمد دشمن توست و جبرئیل یاور ماست. کسی که تو را فریفت و برگرد مردم سوار کرد، به زودی خواهد فهمید که برای ظالمان بد عوضی است و کدام یک جایگاهی بدتر و لشکریانی ضعیف تر دارد!

در ادامه، زینب این کلمات شگفت را به پادشاه پیروز می گوید: «این مصائب جانکاه است که مرا به هم سخنی با تو و داشته، و گرنه تو را ناچیز می شمارم. و استعظم تقریبک و استکثر توییخک: اگر بخوایم تو را سرزنش کنم، بزرگ دانسته ام، سرزنش تو در شأن من نیست؛ اما چشم ها پراشک است و سینه ها داغ دیده. و شگفتا که نجیبان حزب خدا را آزادشدگان حزب شیطان کشته اند. خون ما از سرپنجه ها می ریزد و گوشت ما از دهان ها می افتد و پیکرهای پاک خوراک گرگ هاست و چنگال کفتارها آنها را به خاک افکنده است.

ای یزید، تو خود می دانی اجساد پاکي که در کربلا و در صحرا رها کردی، بدن خاندان پیغمبر است و باها هر روز بر آنان می وزد. اگر ما را به غنیمت گرفته ای، درخواهی یافت که سبب زیان تو بوده ایم. شکایت نزد خدا می برم و برا توکل می کنم. هر نیرنگی می خواهی، بزن و هر کاری می خواهی، بکن. به خدا سوگند نمی توانی یاد ما را محو کنی و هرگز ننگ این ستم را از خود نمی توانی زدود. رأی تو سست و روزهایت اندک و جمعت پراکنده است، آن روز که منادی ندا دهد: لعنت خدا بر ستمکاران! □

زینب چه

جایگاهی نزد

خدا دارد؟ حسین

مقامی ارجمند

نزد خدا دارد، در

عین حال، آنان

به مشکلات

جانکاهی دچار

شدند؛ زیرا بنیان

جهان این گونه

نیست که اگر

انسانی کار

خیری کرد، خدا

بی درنگ اجرش

را به او بدهد.

انسانی که کار

خیر می کند،

احساس آرامش

درون دارد، در

آینده آرامش به

دست می آورد

و گاه این آینده

بسیار دور است

أنسیت قول الله تعالی: ولا یحسبن الذین کفرو أنما نملی لهم خیراً لأنفسهم انما نملی لهم لیزدادوا إثمًا ولهم عذاب مهین. اندکی درنگ کن، آنچه می بینی امتحانی از جانب خداست؛ زیرا خداوند پیروزی را مختص نیکوکاران نکرده است. هر کس که از راه اسباب و مسبب قدم بردارد، به نتیجه خواهد رسید. خداوند الزاماً انسانی را که در راه خیر قدم برمی دارد، بلافاصله پیروز نمی کند.

گمان مبر به مجرد اینکه نماز را خواندی، مشکلات حل می شود؛ یا به محض اینکه انسان خوبی بودی و روزوات را گرفتی، فوراً خدا کمک می کند و مشکلات حل می شود؛ یا بدهی هایت پرداخت می شود. نه، این مسائل مردود است. خیر حقیقی در مال و دنیا نیست. چه بسا آدمی در این دنیا متمکن و راحت نباشد. ممکن است کسی در دنیا راحت نباشد، اما اجر عظیمی در آخرت داشته باشد. انسان اگر در راه خیر قدمی برداشت، بلافاصله مالی کسب می کند، در این صورت، دین ارزشی ندارد. اگر خدا به هر نمازگزاری پولی عطا کند و بی نماز از دریافت این پول محروم باشد، همه مردم نمازخوان می شوند. اما نمی توان برای نماز قیمتی گذاشت. اگر خدا هر دروغگو و منافق را فوراً تنبیه کند، مردم دیگر جرأت عمل شر نخواهند داشت؛ اما انسان نیکوکار نباید لزوماً در انتظار مال و احترام و جاه باشد. گاه انسان در راه خیر متحمل سختی ها و مشکلات می شود. اگر همه دنیا را بدهند و اجر اخروی را از ما بگیرند، کمال نفس و آرامش روان را از ما بگیرند، چه ارزشی دارد؟

زینب چه جایگاهی نزد خدا دارد؟ حسین مقامی ارجمند نزد خدا دارد، در عین حال، آنان به مشکلات جانکاهی دچار شدند؛ زیرا بنیان جهان این گونه نیست که اگر انسانی کار خیری کرد، خدای درنگ اجرش را به او بدهد. انسانی که کار خیر می کند، احساس آرامش درون دارد، در آینده آرامش به دست می آورد و گاه این آینده بسیار دور است. این انسان به راحتی می رسد و جزای برترش نزد خداست. معقول نیست که تو بدهکار و خسته و گرفتار مشکلات باشی و بگویی نماز می خوانم و فوراً دیونت پرداخت و مشکلات حل بشود. بله، بی شک ادعیه در حالات مشخص و با شروط معین مستجاب خواهد شد. زینب این قاعده را به یزید تذکر می دهد و با صدایی بلند می گوید: «اگر ما اموال و مقام و پیروزی دادیم به آنان که کفر می ورزند، این عطا خیری برایشان نیست، اینها آزمایش و امتحان است.»

□ آزادشدگان

در ادامه می گوید: «أمن العدل یابن الطلقاء»: ای فرزند آزادشدگان، آیا عادلانه است؟ «ابن الطلقاء» یعنی فرزند کسی که آزاد شده است. زینب به یزید می گوید: تو فرزند آزادشدگانی. آنگاه که پیامبر (ص) ظفر مندانه وارد مکه شد، بر اساس نظام عربی قدیم، حق داشت که مکیان را به بندگی بگیرد؛ اما فرمود: «فکر می کنی چگونه با شمار رفتار می کنم؟» گفتند: «تو برادری کریم و فرزند برادری کریم هستی.» فرمود: «بروید، شما آزاد شده اید.» زینب به این ماجرا اشاره می کند که اگر جد من اراده کرده بود، جد تو و

بزرگوار آن حضرت، یعنی جعفر بن ابوتالب بود و مادر عبدالله بن جعفر محسوب می‌شد. وی پس از ازدواج با امیرمؤمنان (ع)، در خانه آن حضرت حضور داشت. میان اسماء و زینب کبری (س)، چه قبل و چه بعد از ازدواج با عبدالله، هیچ گزارشی مبنی بر اختلاف یا تنش، توسط مورخان نقل نشده است. این دو مسئله برای نسل امروز، بسیار پندآموز است. این دو بانوی بزرگوار، در هر شرایطی، احترام یکدیگر را نگه می‌داشتند و تردیدی نیست که بخش مهمی از این علاقه پایدار و ناگسستنی، به واسطه صبوری و حلم حضرت زینب (س) ایجاد شد.

آزمون بعدی بانوی قهرمان کربلا، با شهادت جانسوز پدر بزرگوارش، امیرمؤمنان، علی (ع) رقم خورد؛ پدری که آسمان، پس از رسول خدا (ص)، بر چون اویی سایه نیفکننده بود

و زینب (س)، چه نیکو از پس این

گفتگو با دکتر محمود مهدوی دامغانی استاد برجسته تاریخ اسلام

پاداش صبر از حساب بیرون است

■ جواد نوائیان رودسری

دکتر محمود مهدوی دامغانی که ترجمه‌های نابش از آثار برجسته تاریخ اسلام، همچون «طبقات ابن‌سعد»، «مغازی واقدی»، «شمائل النبی»، «الجمل» و ده‌ها اثر دیگر، زبانزد است، از خصایل و سیره بانوی دشت کربلا، گفته است. ■

آزمون برآمد و چه استوار برادران و اهل بیت خود را آرامش بخشید. حسنین (ع)، هنگام شدت گرفتن سختی و رنج، از مهربانی‌های خواهری دانشمند و حکیم بهره می‌بردند و در سایه سار صبر مثال‌زدنی او، آرامش می‌یافتند. اما دیری نگذشت که آزمون دیگری از راه رسید؛ زهر جفا، شهادت سبط اکبر (ع) را رقم زد؛ اما آن بانوی ارجمند، باز صبوری پیشه کرد و استقامتش در متون تاریخی و روایی شیعه و اهل سنت، ضرب‌المثل شد.

● و کربلا؟

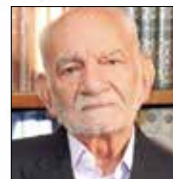
تمام گنجی که زینب (س)، طی ۵۰ سال صبوری اندوخته بود، در کربلا به یاری‌اش آمد. در آن شب حساس، شب عاشورا، زمانی که حق به تمامی در برابر باطل قرار گرفته و شهادت امام حسین (ع) و یارانش حتی بود؛ زینب (س)، در آن فضای پرخطر و بیم، باز به صبوری خود متوسل شد و با جملاتی که از لبان مبارک برادر خود شنید، آرامش یافت. او تا آخرین نفس پایداری کرد؛ گویی صبوری، بخشی جداناپذیر از وجود آن بانوی ممتاز و الهی بود؛ انگار مولوی این بیت را با الهام از

صبوری دختر امیرمؤمنان (ع) نوشته است:

از دوست به یادگار دردی دارم

کان درد به صد هزار درمان ندهم ■

● صبر، در میان تمام خصایل برجسته‌ای که مورخان و محدثان، از شخصیت حضرت زینب (س) نقل کرده‌اند، برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین آنهاست. چه شد که شخصیت آن بانوی بزرگوار به چنین مقامی از صبوری دست یافت و آن حماسه جاودانه را در شب و روز عاشورا و پس از آن، در کوفه و دمشق خلق کرد؟



پروردگار متعال در آیه ۱۰ سوره مبارکه «الزمر» می‌فرماید: «إِنَّمَا يُؤَفِّقِي الصَّابِرِينَ أَجْرَهُمْ بِهِ غَيْرِ حِسَابٍ»؛ هر آینه صبرکنندگان پاداش خود را برون از حساب دریافت می‌کنند. یکی از برترین نمادهای این صفت الهی و قرآنی در تاریخ اسلام، وجود مقدس حضرت زینب کبری (س) است؛ همان بزرگ بانویی که در سال پنجم هجری به دنیا آمد و پنج سال از عمر شریفش را در دامن پرمهر نبی مکرم اسلام (ص) گذراند. پرواضح است که دل‌بستگی رسول خدا (ص)، به نوه دخترش اش، آن هم برگزیده دختری مانند زینب (س) چقدر زیاد بوده و آن بانوی گرمای نیز، جد بزرگوارش را تا چه پایه دوست می‌داشته است. همین دل‌بستگی زمینه‌ساز نخستین آزمون صبوری زینب کبری (س) شد؛ او در پنج سالگی، طعم تلخ هجران جد بزرگوارش را کشید و طبق نقل قول مشهور، ۹۵ روز پس از آن، در سوگ مادر گرامی‌اش، حضرت فاطمه زهرا (س) نشست. این دورویداد پرمحنت، رنجی مضاعف را بر دوش دختر صبور خاندان علوی گذاشت. او در همان دوران هم، بار رنج برادران و پدر بزرگوارش را بر دوش می‌کشید و غمخوار مهربان امیرمؤمنان و حسنین (ع) بود. دست‌های مهربان و کوچک زینب کبری (س)، گرد و غبار غربت و رنج ناشی از آن را، از صورت نورانی پدر می‌زدود و مادری‌های او برای پدرش، یادآور سیره مادر بزرگوارش بود. کودکی زینب کبری (س) در چنین شرایطی گذشت.

● این صبر فوق‌العاده، چه تأثیری بر زندگی حضرت زینب (س) گذاشت و آیا جلوه‌هایی از آن را می‌توان در دوران جوانی ایشان هم احصاء کرد؟

شاید یکی از مخفی‌ترین صفحات زندگی زینب کبری (س)، برای شیعیان و البته، خوانندگان محترم، حلم و بردباری او در احترام گذاشتن و همراهی با مادر شوهر بزرگوارش، اسماء بنت عمیس باشد. اسماء، پیش از ازدواج با حضرت علی (ع)، ابتدا زوجه برادر

سیمای یک بانوی خردمند

■ حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدباقر پور امینی

« آگاهی از زندگی حضرت زینب (س) بعد از حماسه کربلا در گرو شناخت ابعاد شخصیتی حیات ایشان از آغاز تا رحلت است. حضرت زینب (س) الگوی تمام نمای زن مسلمان است؛ زنی دانا، خردمند و حکیم که همگان در برابر شخصیت او سر تعظیم فرو می‌آورند. حضرت، تفسیر یک زن نمونه در متن تاریخ است؛ ایشان با نقش مثبت و مؤثر، تصویر یک زن حماسه‌ساز را در تاریخ ثبت کرد و مطالعه نقش ایشان در قبل، حین و بعد از عاشورا در گرو درنگ در زندگی درخشان و شخصیت بی‌نظیر اوست.

او در خانه‌ای دیده به جهان گشود که به بیت وحی و تنزیل معروف بود؛ زندگی در دامن والدین پاک طینت و همراهی با برادران گرانقدر؛ تربیت او را در نهایت کمال رسانیده بود. دانش و معرفت را از آغاز کودکی در مدرسه پدر و مادر فرا گرفت و خروش بر ضد ستم، همراه با صبوری بر مشکلات و مصائب را از خاندان الهی خویش آموخت.

کیست زینب آن که عالم واله و حیران اوست

نور عصمت جلوه گر از چهره تابان اوست

حضرت در زمره محدثان زن است؛ او از پدرش حضرت علی (ع) و مادرش فاطمه زهرا (س) و همچنین ام ایمن و ام سلمه روایت می‌کند و از سویی امام زین العابدین (ع)، جابر بن عبدالله انصاری و ابن عباس از وی روی روایت می‌کنند. ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبيين می‌گوید: ابن عباس در روایت فدک چنین می‌گوید: «حدثتني عقيلتنا زينب بنت علي» یعنی بانوی خردمند ما زینب، دختر علی (ع) ما را درباره فدک چنین حدیث کرده است. این تعبیر نشان از شکوه شخصیت علمی حضرت زینب (ع) دارد. آیت الله مامقانی تعبیر بزرگی در باره شخصیت علمی و دینی حضرت زینب (ع) ارائه می‌دهد او در تنقیح المقال مدعی است حضرت در دوران بیماری امام سجاد (ع) از سوی امام حسین (ع) نیابت خاصه داشت و دیگران در حلال و حرام و احکام شرعی به ایشان مراجعه می‌کردند. این تصمیم ممکن است در مقطعی کوتاه ناظر به پنهان کردن امر امامت امام چهارم و برای سلامت ایشان گرفته شده است.

نکته بعد، سیمای سیاسی و حماسی ایشان بعد از عاشورا است؛ به جز نقش بی‌نظیر حضرت، در کوفه و شام و سخنان حماسی وی در مجالس ابن زیاد و یزید، باید از استمرار این ویژگی در ماه‌های پایانی حیات ایشان یاد کرد؛ یحیی بن حسن عبیدلی، نسابه معروف که در سال ۲۷۷ قمری درگذشت، در کتاب اخبار الزینبناث به نکته مهمی اشاره می‌کند و مدعی است زینب کبری (ع) صریحاً مردم را به قیام علیه یزید فرا می‌خواند و می‌گفت باید حکومت یزید تاوان عاشورا را بپردازد. این سیمای یک زن خردمندی است که پرچم ستم ستیزی و امر به معروف را در مدینه برافراشت و این حرکت او سبب تبعیدش به شام و به روایتی مصر گردید.

زیباترین تعبیری که از ائمه اطهار (ع) درباره شخصیت حضرت زینب رسیده، سخن امام زین العابدین (ع) است. امام چهارم همواره برای عمه گرامی خویش احترام ویژه‌ای قائل می‌شدند؛ ایشان خطاب به حضرت اینگونه می‌فرماید: «أنت به حمد الله عالمة غیر معلّمة، و فهمة غیر مفهّمة»؛ بحمد الله تو عالمة تعلیم ندیده و دانا به حقایق احوال اهل دنیایی و محتاج به تعلیم و تفهیم نیستی. □

« هیچ خاندانی در تربیت فرزندان به اندازه خاندان وحی موفق نبوده، خانواده علی(ع) و فاطمه(س) هم در تربیت پسر برترین فرزندان را به جامعه بشری هدیه نمودند و هم در پرورش دختران. موفقیت این خاندان در تربیت فرزندان به این دلیل است که اصول تربیتی در فضای خانه آنها رعایت می‌شد. حضرت زینب کبری در دامن سه مربی بزرگ که برترین انسانها هستند، تربیت یافت.

پیامبرخاتم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) و فاطمه(س) مربیان این بانوی بزرگوار بودند، اگرچه نمی‌توان از نقش برادران آن حضرت یعنی حسنین(ع) چشم پوشی کرد. لذا محیط رشد زینب(س)، فضای بسیارفضایی مساعد برای رشد فرزندان است. زینب کبری پنج سال ایشان در دامن رسول الله بود و پیامبر بزرگوار که مربی همه انسانهاست، خود تربیت یافته خداوند سبحان است که علمنی ربی و هدبنی در موردش آمده است. رسول الله(ص) نقشی مهم در تربیت حضرت زینب داشته است به خاطر اینکه در این پنج سال هم زمانی با پیامبر، رسول خدا(ص) همواره در خانه امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه(س) حضور داشتند و سجایای اخلاقی و معارفی ایشان در خاندان عترت شکوفای شد. حضرت زینب تربیت یافته مکتب وحی رسول الله(ص) است.

همچنین اندکی بیش از ۵ سال با مادر بزرگوارشان؛ فاطمه زهرا(س) زندگی کردند و در این مدت از معارف و حیانی حضرت فاطمه معارف آسمانی و رفتارهای تربیتی بهره جستند. و به همین دلیل انسانی شایسته و انسانی مؤمن، صبورو مقاوم رشد یافتند. یکی از دلایلی که چنین فضای مساعدی برای تربیت حضرت زینب(س) فراهم شد، دقت نظر والدین ایشان و مراقبت های قبل و بعد از ازدواج بود.

دقت در انتخاب همسر، ویژگی های همسران برمبنای وحی، شیوه زندگی و تربیت اصولی فرزندان از جمله نکات مهمی است که شریعت ما به آن توصیه کرده و حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) به بهترین شکل منادی و عامل این شرایط بودند. درس هایی که از ازدواج امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهرا(س) به دست می‌آید، بسیار حائز اهمیت است؛ زن و مرد باید توجه داشته باشند که از همان آغاز

خواستگاری فردی را برای ازدواج بپذیرند که شایستگی لازم برای تربیت فرزند داشته باشد. مادر در زمان بارداری باید اصول اخلاقی و تربیتی آن زمان را رعایت کند. بعد از دوران بارداری، تربیت فرزند در دوران کودکی و نوجوانی و سپس جوانی مورد توجه شریعت ماست. در این سه فضا ما می‌بینیم که فرزندان حضرت زهرا(س) از تمام برنامه های تربیتی در دوران

تربیت یافته مکتب وحی

■ حجت الاسلام و المسلمین حبیب الله احمدی





.....

نیست، شما اشتباه می‌کنید این آیات در مورد شما نیست که شما دارید می‌خوانید. البته هر قدرتی را خداوند به افراد داده است، اما این مشروعیت حکومت سلطه‌گران و جائران و ستمگران را ثابت نمی‌کند. بلکه شما مصداق این آیه‌اید که «ولا یحسبن الذی کفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم انما نملی لهم لیزدادوا و انما و لهم عذاب مهین» منظور این آیه است که اگر ما به کفار مهلت می‌دهیم، فکر نکنند که این فرصت و مهلت که به آنها می‌دهیم به نفع آنهاست نه اینگونه نیست این فرصت‌ها را خدا به آنها می‌دهد تا گناهانشان بیشتر شود و عذاب دردناک‌تری را که خوارکننده است، در پی خواهد داشت. این جواب حضرت زینب (س)، دلیل آشنایی و اشراف کامل ایشان بر محتوای و مضامین قرآن است. چنانچه حضرت در برابر آن سوء استفاده و تفسیر به رأی یزید، با استفاده از محکمت پاسخ او را که در اوج غرور بود، دادند.

و این نشانه و گواه خوبی برای اثبات این سخن ماست که حضرت زینب مفسر مفاهیم قرآنی بودند. ضمن اینکه حضرت زینب (س)، یزید را فرزند آزاد شدگان خواند و سپس او را به دلیل اشتباه گرفتن ظلم با پیروزی تقبیح کرد و فرمود: شما ظلم و ستم و جنایت را با پیروزی اشتباه گرفته‌اید بر ما ظلم و ستم کردید در غل و زنجیر کشیدید حالا فکر می‌کنید پیروز هستید شما همان آزاد شدگان جد ما هستید که در فتح مکه اتفاق افتاد...

۴ مشارکت در جامعه

حضرت زینب (س) تنها خواهر شهید نبود، بلکه مادر شهید هم بود؛ ایشان فرزندان را تربیت کردند که در رکاب امام حسین (ع) به شهادت رسیدند. زینب کبری (س)، یک زن نمونه تربیت یافته فرهنگ و حیانی است ما اگر واقعاً بخواهیم در جامعه مان افرادی را به عنوان الگوی برای تربیت فرزندانمان و دخترانمان قرار دهیم، فکر نمی‌کنم نمونه‌هایی بهتر از فاطمه زهرا (س) و تربیت یافته‌اش حضرت زینب کبری (س) پیدا بکنیم.

الگو قرار دادن این دو بزرگوار تنها با شعار محقق نمی‌شود بلکه ختران مسلمان و شیعه باید از رفتار و زندگی آنها الگو بگیرند. این الگو گرفتن هم در حوزه عبادت و بندگی است و هم تربیت دینی فرزندان و شکوفایی خصایل اخلاقی و اسلامی در نسل‌های بعدی و نیز در زمینه حضور فعال اجتماعی. جامعه زنان باید در عین عفت و پاکدامنی در اجتماع حضور داشته باشند در این صورت است که می‌توان مدعی شد، دختران شیعه از حضرت زهرا و زینب کبری (س) الگو پذیری دارند.

زن مسلمان باید در عین رعایت مقررات دینی و حفظ حریم الهی، در صورت حضور در جامعه عقیف باشد. زیرا در اندیشه الهی و وحیانی، عفت و پاکدامنی زن به معنای زندگی در مدار بسته نیست. بلکه شریعت ما اندیشه ژرفا را می‌پذیرد که حضرت زهرا و عقیله بنی هاشم نمونه بارز این تفکر هستند. □

حضرت

زینب (س) تنها

خواهر شهید

نبود، بلکه مادر

شهید هم بود؛

ایشان فرزندان

را تربیت کردند

که در رکاب

امام حسین (ع)

به شهادت

رسیدند. زینب

کبری (س)، یک

زن نمونه تربیت

یافته فرهنگ

و حیانی است ما

اگر واقعاً بخواهیم

در جامعه مان

افرادی را به

عنوان الگوی

برای تربیت

فرزندانمان

و دخترانمان

قرار دهیم،

فکر نمی‌کنم

نمونه‌هایی

بهتر از فاطمه

زهرا (س) و تربیت

یافته‌اش حضرت

زینب کبری (س)

پیدا بکنیم

قبل از ازدواج، انتخاب همسر و دوران بارداری و بعد از تولد بهره بردند. حضرت زینب (س) در مدت نزدیک به حدود پنج سال در دامن مادر بودند اما تا سن سی و پنج سالگی در مکتب تربیتی امیرالمؤمنین (ع) بهره بردند. در این دوران حضرت زینب (س) تمام آن دوران تربیت پذیری و رشد و تکاملی که یک فرد می‌تواند داشته باشد و از آن بهره ببرد را طی کردند در واقع همنشینی با پدر باعث ایجاد ویژگی‌های منحصر به فردی در ایشان شد.

۴ راوی خطبه فدک

حضرت زینب از صحابه رسول الله است که به مدت چهار یا پنج سال در دوران کودکی پیامبر را درک کردند. همچنین آن حضرت راوی حدیث است به این معنا که روایاتی از طریق ایشان به ما رسیده است. مرحوم صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه روایتی را از حضرت زهرا نقل می‌کند که راوی آن به حضرت زینب (س) می‌رسد. مهم‌ترین روایتی که راوی آن به زینب بنت علی (ع) می‌رسد، خطبه فدک است. ابن عباس می‌گوید: خطبه فدک را روایت کرد عقیله ما... و عقیله یعنی دانشمند و ژرف‌نگر. همچنین ابوالفرج اصفهانی و علامه طبرسی نیز نقل می‌کنند که حضرت زینب (س) راوی احادیث مادرشان بوده‌اند.

عبادت، تقوا و عفت حضرت زینب (س) از ویژگی‌های دیگر آن حضرت است. ایشان در شب‌های سخت اسارت و بیتیم داری زیر شکنجه، و حتی در غل و زنجیر نماز شب و نافله را ترک نکردند. این نشانه‌ای بسیار گویاست بر اینکه ایشان در عبادت یک فرد فرزانه و الگو برای دیگران بودند. یکی از ویژگی‌های دیگر حضرت زینب (س) آشنایی با معارف و تفسیر قرآن است. آن حضرت عالمه محدثه اهل بیت (ع) است. متأسفانه درباره دانش و حیانی حضرت زینب (س) کمتر صحبت شده است. در شرح زندگی ایشان آورده‌اند، در کوفه چندین سال، برای زنان کلاس تفسیر برگزار می‌کردند.

۴ محکمت در برابر متشابهات

مهم‌تر از برایی این کلاس‌ها، موضع‌گیری‌ها و گفتارهایی است که از زینب به ما رسیده است. در مجلسی که بعد از شهادت امام حسین (ع) در کاخ یزید تشکیل شد و خاندان وحی نیز حضور داشتند. یزید از آیات متشابه قرآن برای مقابله و تخریب روحیه اهل بیت (ع) بهره برد و گفت: دیدید شما خاندان را خدا چگونه ذلیل کرده و به ما عزت داد؟ یعنی عزت و ملک خودش را به خدا نسبت می‌داد و سپس آیات ۲۶ به بعد سوره آل عمران را خواند «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» به یاد الخَيْرِ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

این یعنی بهره‌گیری از دین علیه دین که همواره دسیسه بنی امیه بود. در مقابل این حرکت یزید، حضرت زینب (س) او را رسوا کرد و آیات متشابه‌ای که یزید مورد استناد قرار داده بود را با محکمت برگرداند به فرمود: شما ملک و سلطنت خودتان را به خدا نسبت می‌دهید؟ این طور



او کاری کرده که وی را فدایی امام حسین (ع) کرده، همه وجود و سرمایه خود را می‌گذارد و فرزندانش هم در واقعه کربلا به شهادت می‌رسند و حاضر می‌شود این همه مصائب را تحمل کند. این همان معرفت بالاست که اگر در جان کسی نفوذ کند و در سراسر وجودش وارد شود یک نگاه توحیدی تولید می‌شود. نتیجه‌اش این می‌شود که در برابر یزید و آن دستگاه و رفتار و هیمنه کاذبی که ایجاد کرده، وقتی از حضرت زینب (س) سؤال کرد که دیدی خدا با شما چه کار کرد، آن جمله را حضرت می‌گوید که «والله ما را بایت إلا جمیلاً».

این درجه معرفت و نوع نگاه و تفسیری که شخص به هستی دارد که «به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست / عاشقم بر همه هستی که همه هستی از اوست»، این نگاه عاشقانه و زیبا پسندانه نسبت به همه چیز است. به خاطر اینکه خدا را در همه عالم و هستی می‌بیند و همه هستی را تفسیر خدا می‌بیند. این چیز ساده‌ای نیست و در هر مدرسه‌ای پیدا نمی‌شود. این جز در مدرسه اهل بیت (ع) و سایه سار حضرت امیر (ع) و حضرت زهرا (س) اصلاً به این سادگی پیدا نمی‌شود.

جنبه بعدی هم که قابل توجه است، زن بودن است. ما معمولاً وقتی به زنان می‌رسیم یک چهره ضعیف و نحیف و ترسو و به حاشیه رانده شده و امثال اینها به ذهنمان می‌رسد و اینجوری گاهی تفسیر می‌شود. اصلاً درست که امام سجاد (ع) امام است و او همه کاره و صحنه گردان است و پشت صحنه است ولی ظاهر صحنه در واقعه کربلا و کاروانسالار این صحنه‌ها خود حضرت زینب (س) است. خیلی نکته مهمی است یعنی یک بانویی بیاید و یک جور صحنه‌ها را با شجاعت و بیان بسیار فصیحانه مدیریت کند که همه از این سخنوری ایشان متحیر شوند. در جریان کوفه چنان آتشین سخن گفت که همه گفتند حضرت امیر (ع) دوباره زنده شده‌اند و سخن به خطابه گشوده است. همین طور در کاخ یزید و جاهای دیگر. بعد هم هرگز خم به ابرو نیاورد و در همه صحنه‌ها، نگاه عامیانه‌ای که معمولاً به زن‌ها می‌شود را هم تغییر داد. یعنی زن تربیت شده در سایه سار اهل بیت (ع) به چنان درجه‌ای از اتقان، معرفت، منش و مدیریت می‌رسد که چنین چهره تابناکی را درست می‌کند که انسان جز خضوع رفتاری دیگر در برابر ایشان ندارد.

باید این نگاه را اصلاح کنیم زنی که برابند آموزه‌های قرآن و دین است یک زن خانه نشین و ضعیف است که از خودش هیچ حرفی ندارد و نمی‌تواند از خودش دفاع کند. نه این طوری نیست. آن چیزی که این خانم و دیگر زنان نشان دادند، حتی ام کلثوم در زمان کربلا، در آن صحنه‌های بسیار سخت و پیچیده و دشوار عکس این باور را ثابت کرد و نشان داد که اگر لازم باشد اینها بر اساس اصل تمشعی علی استحضای می‌توانند وارد جامعه شوند و تأثیر بگذارند. چنانکه حضرت زینب (س) با گذشت هزار سال هنوز که هنوز است در جهان تأثیر گذارده‌اند. □

اعتقادی فراتر از عواطف

حجت الاسلام و المسلمین علی نصیری

ما معمولاً رفتار و رویه اطرافیان اهل بیت (ع) به ویژه در کربلا را به مسائل عاطفی توجه می‌دهیم. البته این مسئله درست هم است. عواطف هم بوده و امام حسین (ع) به خواهرش بسیار علاقه داشته است و این رابطه همین طور راجع به حضرت عباس (ع) نیز درست است، اما اینکه بیاییم این فدکاری فوق بیان را ببریم صرفاً از سر عاطفه بیان کنیم، جواب نمی‌دهد.

قرآن می‌گوید وقتی پای اعتقاد و باور و عمل می‌آید آن وقت عواطف می‌شکنند. مثال بارزش نوح پیامبر (ع) است که هم همسرش و هم فرزندش با ایشان همراهی نکردند. یا مثال بارزش لوط پیامبر است که همسروی با او همراهی نکرد. خود اهل بیت (ع) برادران و فرزندان داشتند که از آنها دوری کردند و اینها در بعضی صحنه‌ها و مراحل دیگر اهل بیت (ع) را تنها گذاشتند. بنابراین باید این مسئله و درک شناختی که زینب کبری (س) از توحید و اسلام و از خدا باوری و فرجام باوری و پیامد باوری و امام شناسی دارد مورد توجه قرار گیرد.



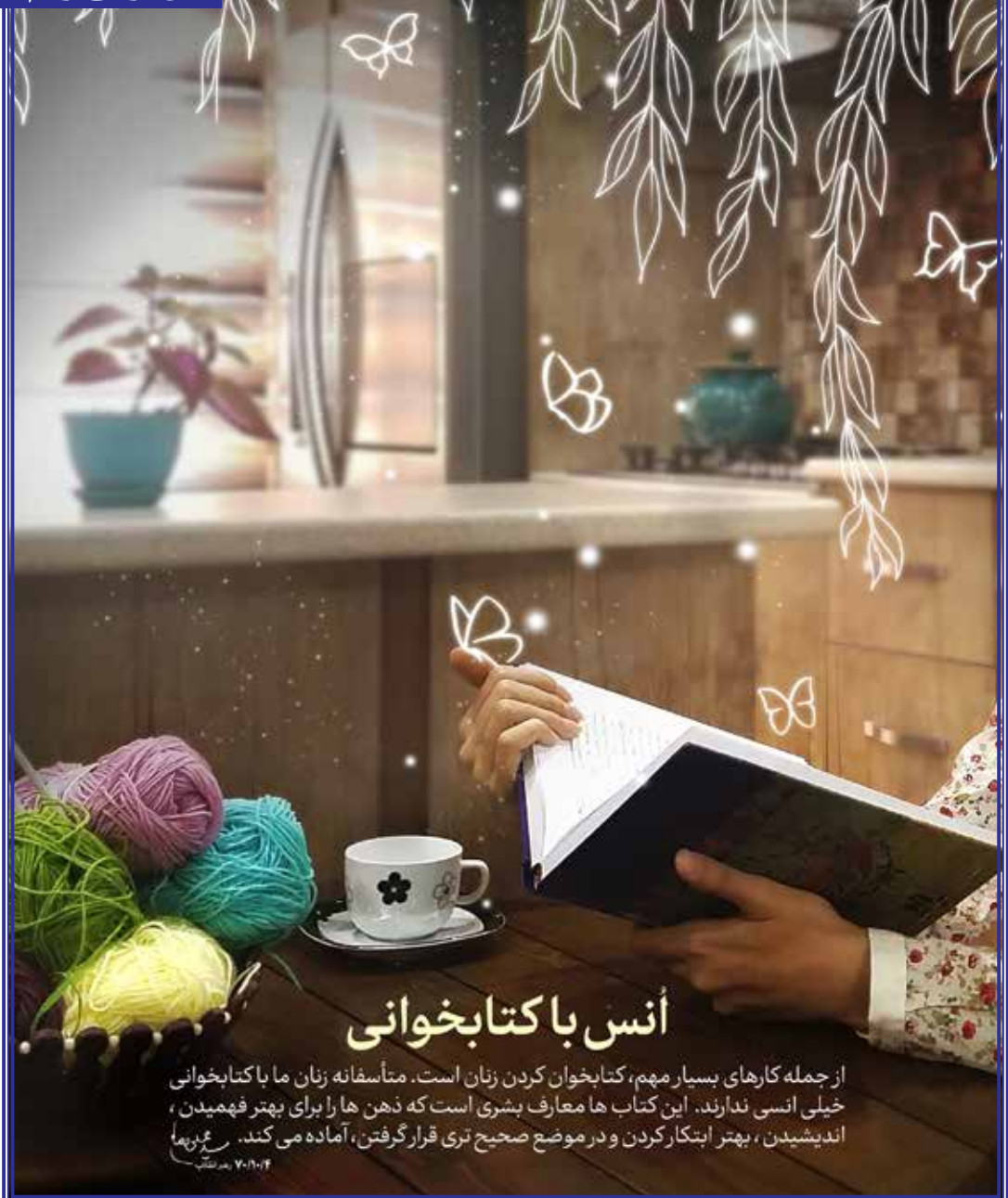
فرهنگ و ادب

شیطان علیه شیطان

جان پدر کجاستی؟

من برمی‌گردم

در بخش فرهنگ این شماره گزارشی خواهیم خواند از معرفی ۵ کتابی که توسط خود امریکایی‌ها درباره انحطاط نظام سیاسی و فرهنگی این کشور نوشته شده است و بعد از آن با چهارمین کتاب از مجموعه «موریت فکری ایران» آشنا می‌شویم. گزارش مراسم رونمایی از ترجمه «دانشنامه دین بریل» در دانشگاه ادیان و مذاهب قم، معرفی رمان «من برمی‌گردم» و همچنین مطالبی درباره ۱۵ راه خلاقانه برای علاقمند کردن کودکان به مطالعه مطالب دیگر این بخش هستند. سوگواره‌های شاعران ایران و افغانستان درباره حادثه شهادت تعدادی از دانشجویان دانشگاه کابل به دست تروریست‌ها و نقد کوتاه فیلم «ایستگاه اتمسفر» آخرین مطالب این بخش را تشکیل می‌دهند.



انس با کتابخوانی

از جمله کارهای بسیار مهم، کتابخوان کردن زنان است. متأسفانه زنان ما با کتابخوانی خیلی انسی ندارند. این کتاب‌ها معارف بشری است که ذهن‌ها را برای بهتر فهمیدن، اندیشیدن، بهتر ابتکار کردن و در موضع صحیح‌تری قرار گرفتن، آماده می‌کند.



معرفی ۵ کتاب درباره شناخت ماهیت واقعی آمریکا

شیطان علیه شیطان

مصداق وفایی

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب در بخشی از سخنرانی به مناسبت سالروز میلاد پیامبر اکرم (ص) و ۱۳ آبان با اشاره به شرایط امروز آمریکا، به مطالعه کتابی اشاره کردند که انحطاط نظامی سیاسی آمریکا را نشان می‌دهد. پس از این سخنان، برخی از روزنامه‌نگاران و اهالی رسانه درباره این که رهبر انقلاب چه کتابی را خوانده‌اند، گمانه‌زنی‌هایی داشتند و مطالبی را در صفحات خود در فضای مجازی منتشر کردند. این گمانه‌زنی‌ها، بهانه خوبی برای معرفی، بررسی و مطالعه برخی کتاب‌هایی است که درباره سیاست‌های چند دهه اخیر آمریکا، ترجمه و در بازار نشر کشورمان عرضه شده‌اند. یکی از حدس و گمان‌های قوی فعالان فضای مجازی این بود که اشاره رهبر انقلاب به کتاب «ترس» یا «وحشت» اثر باب وودوارد بوده است. در ادامه نگاهی کوتاه به این کتاب انداخته و سپس به دیگر آثار مشابه درباره انحطاط سیاسی آمریکا می‌پردازیم. نکته مهم درباره همه این آثار این است که به قلم نویسندگان و پژوهشگران آمریکایی نوشته شده‌اند و متبادرکننده این مفهوم به ذهن مخاطب هستند: «آمریکا علیه آمریکا!»

«وحشت: ترامپ در کاخ سفید»

کتاب «وحشت: ترامپ در کاخ سفید» به قول مخاطبان، نگاهی ترسناک به داخل کاخ سفید ترامپ دارد. باب وودوارد نویسنده این کتاب متولد سال ۱۹۴۳ یکی از نویسندگان و خبرنگاران آمریکایی است. او به خاطر تهیه گزارش رسوایی واترگیت، شهرت پیدا کرد و این رسوایی‌ها به تحقیقات مختلفی از طرف دولت آمریکا انجامید که به استیضاح و استعفا ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور سابق آمریکا انجامید. وودوارد از سال ۱۹۷۱ برای واشنگتن پست کار کرده و ۱۸ کتاب نوشته که ۱۲ عنوانشان از کتاب‌های سیاسی پر فروش بوده‌اند. او دو جایزه پولیتزر هم در کارنامه دارد. این کتاب توسط علی سلامی ترجمه شد و چاپ اولش سال ۹۷ توسط انتشارات مهراندیش به بازار آمد. «وحشت»، ۴۲ فصل دارد و پیش از شروع، این جمله ترامپ را هنگامی که نامزد دور اول انتخابات ریاست جمهوری بود، در مصاحبه با باب وودوارد و رابرت کاستا بر صفحه اول خود دارد: «قدرت واقعی - حتی نمی‌خواهم از این کلمه استفاده کنم - وحشت است.»

وودوارد در کتاب خود، گزارشی مستند و واقع‌گرایانه از دولت ترامپ و کاخ سفید تحت مدیریتش ارائه کرد و برای نخستین بار پرده از واقعیت‌هایی برداشت که تا زمان انتشار کتاب، هیچ‌جا بیان نشده بودند. برخی از این واقعیت‌ها مربوط به طرح‌ها و نقشه‌های ترامپ برای ترور کیم جونگ اون رهبر کره شمالی هستند. نویسنده، این کتاب را بر اساس صدها ساعت مصاحبه و گفتگو و همچنین اسناد دولتی و خصوصی نوشته است. این کتاب در اولین هفته انتشارش در آمریکا بیش از یک میلیون و ۱۰۰ هزار نسخه فروش داشت.

«آتش و خشم»

کتاب دیگری که درباره ترامپ و کاخ سفید او در ایران منتشر شد، «آتش و خشم» نوشته مایکل وولف یک خبرنگار دیگر آمریکایی است. آنچه در این کتاب از کاخ سفید دولت ترامپ به تصویر کشیده شده، هرج و مرج، بی‌برنامگی، جنگ درونی و دوطرفه درون کاخ سفید و یک رئیس‌جمهور بی‌سواد، خودرأی، احساسی، غیرمعمول و متراکم و آراسته به شدت تحت تأثیر اطرافیان است چون خودش برنامه و استراتژی خاصی خود ندارد. این کتاب هم با ترجمه علی سلامی و توسط همان انتشارات مهراندیش منتشر شد.

وولف در این کتاب تمرکز زیادی روی نقش پررنگ و تأثیرگذار استیو بنن در تصمیم‌گیری‌های ترامپ، دارد؛ همین‌طور تأثیرات جرارد کوشنر و ایوانکا ترامپ که وولف سیاست تلفیقی آن‌ها را «جروانکا» می‌نامد. بنن همان مردی است که باعث تحریک ترامپ برای خروج آمریکا از پیمان پاریس شد. کوشنر نیز داماد اوست. «آتش و خشم» اثری است که رهبر انقلاب آیت الله خامنه‌ای در بازدید خود از سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در اردیبهشت ۹۷ آن را به دست گرفته و تورو کرد. تصویر این تورو و بررسی هم در بسیاری خبرگزاری‌ها و رسانه‌های غربی مانند نیوزویک انعکاس داشت. این کتاب همچنین باعث شد ترامپ ضمن شکایت از نویسنده و ناشرش، هزاران دلار برای جلوگیری از توزیع آن هزینه کند که البته شکایت از کتاب، راه به جایی نبرده و باعث شهرت بیشتر این اثر شد.

«خیلی زیاد، اما همیشه ناکافی»

کتاب «خیلی زیاد، اما همیشه ناکافی» هم یکی دیگر از آثار افشاگرانه علیه ترامپ و سیاست امروز آمریکا بود که چندی پیش ترجمه فارسی‌اش به قلم محمد خجسته توسط انتشارات نگاه منتشر شد. این کتاب به قلم مری ترامپ برادرزاده رئیس‌جمهور فعلی آمریکا نوشته شده که ترجمه‌اش در ایران، ۲۵ مرداد منتشر شد و ۲۷ مرداد به چاپ دوم رسید. مری ترامپ گفته تشنج در مناسبات خانوادگی، خود را در همه کردارهای فرزندان، از جمله دونالد ترامپ، متجلی کرده و ترامپ، زاده خانواده‌ای است که مناسبات میان اعضای آن نه بر حسب عشق که بر حسب برنده و بازندگی استوار است. او این‌کنایه را بین نوشته‌های خود آورده که نطفه هر هیولا در کودکی‌اش ریشه دارد. مؤلف «خیلی زیاد، اما همیشه ناکافی» با رویکردی روانشناختی به تحلیل ریشه‌های کودکی و خانوادگی خانواده ترامپ پرداخته است.

مری ترامپ در کتاب «خیلی زیاد، اما همیشه ناکافی»، عمیوش یعنی رئیس‌جمهور فعلی آمریکا را جامعه‌ستیز و دچار ناهنجاری‌های متعدد معرفی کرده است. او فضای خانواده و مناسبات والدین با کودکان ترامپ‌ها را از نوع بیمارگونه معرفی کرده و تمام رفتارهای فرزندان را مبتنی بر رابطه سخت و نامهربانانه پدر معرفی می‌کند.



و نازیسم نوشته است که برخی از آنها به ۳۰ زبان ترجمه شده‌اند. اسناد به طور دائم برای نشریات نقد و بررسی کتاب نیویورک و ضمیمه ادبی نیویورک تایمز مطلب می‌نویسد. او همچنین عضو کمیته آگاهی موزه یادبود هولوکاست آمریکا و عضو دائم انستیتوی علوم انسانی در وین است. یکی از مسائلی مهمی که نویسنده این کتاب در پی اثبات و افشاگری درباره آن است، این است که ترامپ چگونه با فرمول آدولف هیتلر به قدرت رسید.

اسناد معتقد است هم فاشیسم و هم کمونیسم واکنش‌هایی به مساله جهانی شدن بودند؛ به نابرابری‌های واقعی و ملموسی که جهانی شدن به بار آورده بود و به ناتوانی آشکار دموکراسی‌ها در پرداختن به این مشکلات. اسناد در پیشگفتار کتابش می‌نویسد: سنت ما [آمریکایی‌ها] چنین اقتضا می‌کند که تاریخ را به قصد شناخت ریشه‌های عمیق استبداد و اکاوی کنیم و در فکر واکنش‌های مناسب به آن باشیم. ما از روایی‌های قرن بیستم عاقل‌تر یا باهوش‌تر نیستیم که شاهد بودند دموکراسی چطور جای خود را به فاشیسم یا نازیسم یا کمونیسم داد.

کتاب «استبداد» یک جزوه کتاب علمی است که در ۱۲ صفحه پالتویی گردآمده و نویسنده‌اش، با دقت، مورا از ماست بیرون کشیده است. بهانه اصلی‌اش را هم می‌توان وضعیت آمریکای استبدادزده امروز توسط دونالد ترامپ عنوان کرد. چون اسناد را با یادآوری فاجعه‌های انسانی و استبدادزده قرن بیستم، به وضعیت امروز آمریکا برگشته و رفتار ترامپ را متذکر می‌شود. تیموتی اسناد در این اثر به مخاطب نشان می‌دهد که استبداد فقط یک رویه ظاهری ندارد که به معنی زورگویی باشد. یعنی استبداد حداقل از قرن بیستم تا امروز دیگر فقط آن معنای معمول و متداولش را ندارد و می‌تواند با یک صورت خندان و لبخند بر لب، خطرناک‌ترین اعمال غیرانسانی را رقم بزند. □



□ نه گفتن کافی نیست!

کتاب «نه گفتن کافی نیست!» (ظهور ترامپیسیم: ظهور بحران‌های فزاینده) نوشته ناومی کلاین بهار سال ۹۸ توسط انتشارات پیدایش به بازار نشر ایران عرضه شد و اثری از یک خبرنگار و مستند نویس دیگر آمریکایی بود. یکی از مفاهیم بنیادی و مهمی که کلاین در این کتاب روی آن متمرکز شده، «شوک درمانی» است که یکی از سیاست‌های ثابت و اصولی خارجی آمریکا طی دهه‌های گذشته بوده و در قبال خیلی از کشورها به کار گرفته شده است. او معتقد است این سیاست حتی روی مردم آمریکا هم آزمایش و انجام شده است.

ناومی کلاین در این کتاب، انتخاب ترامپ را فقط انتقال مسالمت‌آمیز قدرت نمی‌داند؛ بلکه آن را شراکتی تاجرمانه با استفاده از ترندهای عمدی و ایجاد شوک‌های پیاپی و موج در موج، سیاست‌های افراطی، و تحمیل بحران‌های متعدد بر مردم می‌خواند که از این راه‌ها جامعه، محیط زیست، اقتصاد و امنیت ملی آمریکا را به نابودی می‌کشاند. نویسنده می‌گوید با تماشای ظهور دونالد ترامپ، حس غریبی به من دست می‌دهد. فقط این نیست که او سیاست مبتنی بر شوک را بر قدرتمندترین و تا بن دندان مسلح‌ترین ملت روی زمین به کار برده باشد؛ بیشتر از آن است.

□ استبداد؛ بیست درس از قرن بیستم

کتاب «استبداد؛ بیست درس از قرن بیستم» نوشته تیموتی اسناد هم یکی از آثاری است که با فاصله کمی از چاپ، ترجمه شد و به بازار کتاب ایران هم راه پیدا کرد. این کتاب سال ۹۶ با ترجمه پژمان طهرانیان توسط نشر نو عرضه شد. نویسنده «استبداد» متولد سال ۱۹۶۹ در آمریکا است. او استاد تاریخ دانشگاه ییل و متخصص تاریخ اروپای شرقی و مرکزی است و کتاب‌های تحسین شده‌ای درباره تاریخ اروپای قرن بیستم، به ویژه دوران کمونیسم

«آتش و خشم»

اثری است که

رهبرانقلاب

آیت‌الله خامنه‌ای

در بازدید خود

از سی و یکمین

نمایشگاه

بین‌المللی

کتاب تهران در

اردیبهشت ۹۷

آن را به دست

گرفته و تورق

کردند. تصویر این

تورق و بررسی

هم در بسیاری

خبرگزاری‌ها و

رسانه‌های غربی

مانند نیوزویک

انعکاس داشت



چهارمین کتاب از مجموعه «مواریث فکری ایران» منتشر شد

اندیشه‌های امام خمینی (ره) در آینه نگاه معاصر

از دستاوردهای مثبت تمدن جدید نداشته و اسلام نیز مخالف تجدد و پیشرفت نیست. آنچه که امام (ره) مردود می‌دانند، فساد به اسم تمدن و پیشرفت و تقلید صرف از غرب است که ضعف نفس، خودکم‌بینی، القائات نادرست و خودباختگی در مقابل فرهنگ غرب را به همراه دارد.

احمد رهدار و سیدسعید موسوی معتقدند که در مورد میزان تأثیرگذاری عرف و جایگاه آن در اجتهاد، میان صاحب‌نظران اختلاف وجود دارد. فاطمه رازقیان در مقاله خود به بررسی فرهنگ از منظر امام خمینی (ره) می‌پردازد و اعتقاد دارد فرهنگ یکی از مهم‌ترین مفاهیم در اندیشه امام (ره) است. عبدالحسین خسروپناه در مقاله خود به بررسی علل انحطاط تمدن اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) می‌پردازد و اعتقاد دارد نظام اجتماعی اسلام اهدافی دارد که دستیابی به تمدن اسلامی، هدف نیمه‌نهایی آن به شمار می‌آید. تمدن اسلامی، جامعه را به هدف نهایی یعنی سعادت و قرب الهی می‌رساند. خسروپناه در مقاله خود به چپستی تمدن، عوامل انحطاط در تمدن اسلامی و راهبردهای حل عقب‌ماندگی تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) پرداخته است. حمید نساج و محمد ناصحی در مقاله خود مفهوم مردم‌سالاری اسلامی را در اندیشه امام خمینی (ره) بررسی می‌کنند.

جنگ و صلح

در فصل سوم کتاب به «سیاست خارجی و جهان‌بینی امام خمینی (ره)» پرداخته شده است. احسان اعجازی بر این باور است که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، امام

چهارمین کتاب از مجموعه «مواریث فکری ایران» با عنوان «اندیشه‌های امام خمینی (ره) در آینه نگاه معاصر» به کوشش حمیدرضا یوسفی و میثم بلباسی از سوی انتشارات جهاد دانشگاهی منتشر شد. این مجموعه دارای شش فصل و ۲۵ مقاله است. در فصل اول کتاب به «گستره دیدگاه‌های امام خمینی (ره)» پرداخته شده است. سیدجواد ورعی با اشاره به شکست انقلاب مشروطیت در ایران، به بیان مستند علل و عوامل انقلاب اسلامی در ایران پرداخته است. ابتداریش تدریجی امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب را شرح داده که از «پند و نصیحت» دولتمردان آغاز، و در مراحل بعد با «تذکر نسبت به رعایت قانون اساسی مشروطه»، «پیشنهاد برای اصلاح»، و «هشدار و تهدید» دنبال شد. حمیدرضا خادمی در مقاله خود، چپستی و ویژگی‌های اندیشه امام خمینی (ره) را بررسی می‌کند. خادمی بر این باور است که امام اندیشمندی است که در ساحت‌های گوناگون معرفت به تلاش فکری و عملی پرداخته و آثار مهمی از خود به یادگار گذاشته است. سعید قربانی در مقاله خود به روند آسیب‌های پیش روی انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی (ره) می‌پردازد و بر این اعتقاد است که هرانقلابی بعد از شکل‌گیری نیازمند تثبیت و تداوم است، لذا انقلاب اسلامی ایران بعد از شکل‌گیری با رأی و استقبال بی‌ظنیر مردم در قالب جمهوری اسلامی به تثبیت رسید و تا حال حاضر تداوم دارد.

تجدد خواهی و دولایه هویت اسلامی و ایرانی

در فصل دوم کتاب به «فرهنگ، هویت و کشورداری از دیدگاه امام خمینی (ره)» پرداخته شده است. حمیدرضا یوسفی و میثم بلباسی به تحلیل و بررسی تجدد خواهی و دولایه هویت اسلامی و ایرانی از دیدگاه امام خمینی (ره) می‌پردازند. هویت اسلامی از این منظر با مؤلفه‌هایی چون اسلام خواهی، حفظ نظام اسلامی، برادری و همدلی دینی، استکبارستیزی، ولایت‌مداری، انتظار و مهدویت باوری، عدالت خواهی مرتبط است، در حالی که هویت ایرانی با مؤلفه‌هایی چون سرزمین، مشاهیر و مفاخر ملی، حجاب و پوشش، زبان و ادبیات فارسی، آزادیخواهی دین باورانه، و تاریخ هم‌پیوند است. امام (ره) پیرامون موضوع «تجدد» از همان اوایل دوران مبارزات خود با نظام پهلوی، همواره بر استفاده از دستاوردهای مثبت تمدن جدید تأکید داشته‌اند و اینکه مخالفی با استفاده



.....

امام (ره)

رخنه‌های

گوناگونی در

حیات باطنی و

ظاهری انسان

مشاهده کرده و

در خصوص آنها

اندیشیده است

و حمید کثیری

در مقاله خود بر

این باور است

که انسان اسلام

طالب شهود

است، تا درد بودن

را که با هبوط بر

او عارض شده

بود، با غنودن در

آغوش یار التیام

بخشد

خمینی (ره)، به عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، نقشی کلیدی در تعیین سیاست خارجی ایران ایفا کرده است؛ به‌گونه‌ای که دیدگاه‌هایش، چه در زمان حیاتش و چه پس از رحلتش، در تصمیم‌گیری مقامات ایرانی در حوزه سیاست خارجی تأثیر به‌سزایی داشته است.

محمد ابراهیمی و حسن رضانی در مقاله خود به اندیشه امام خمینی (ره) در ارتباط با جنگ و صلح می‌پردازند. در دین اسلام، آیات و روایات زیادی در باب مسئله جنگ (جهاد) و صلح وجود دارد. این موضوع در میان مسلمانان تعاریف و تفاسیر مختلفی را شاهد بوده و برداشت‌های افراطی و تفریطی از مفهوم جنگ و صلح همواره وجود داشته است.

امین دیلمی معزی در پژوهش خود، استقلال از دیدگاه امام خمینی (ره) را مورد واکاوی قرار می‌دهد. مقوله استقلال از نظر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی یکی از شاخص‌های مهم اصول‌گرایی و جزء آرمان‌های اصلی انقلاب به شمار می‌رود. غلامعلی سلیمانی در مقاله خود، به بررسی مفهوم استکبار در جهان بینی امام خمینی (ره) پرداخته است. در اندیشه امام استکبار به‌عنوان یک خصیصه روحی یکی از پربرسام‌ترین مفاهیم در تبیین روابط فردی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

۱ | انسان سعادت‌مند

در فصل چهارم کتاب به «جایگاه و حقوق انسان از دیدگاه امام خمینی (ره)» پرداخته شده است. غلامرضا جمشیدیها و روح‌الله جلالی در این مقاله خود، انسان سعادت‌مند را از دیدگاه امام خمینی (ره) بررسی کرده‌اند. سیدصدرالدین موسوی جشنی در مقاله خود تلاش دارد جایگاه «آزادی» در اندیشه و بیانات امام خمینی (ره) را مورد بررسی قرار دهد. زهرآیت... زاده شیرازی می‌کوشد تا نشان دهد، زن در دیدگاه امام خمینی (ره) انسانی آزاد، فعال و انتخاب‌گر است و در رشد و کسب مقامات معنوی می‌تواند به جایگاهی برسد، که تمام هویت‌هایی که در انسان کامل متصور می‌شود، در او تجلی پیدا کند.

علی ابراهیمی و سیدجواد امام‌جمعه‌زاده در مقاله خود به فهم هرمنوتیکی حقوق بشر در اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌پردازند و معتقد هستند که امام (ره) با توجه به آموزه‌های اسلام، در صدد طرح‌ریزی مبانی حقوق بشر برآمد تا چشم‌انداز روشنی را برای زندگی در جهان معاصر به وجود آورد.

مریم خوشدل روحانی و پروانه قنبرلو می‌کوشند تا نشان دهند، مقوله تربیت جوانان در اندیشه امام خمینی (ره) از چه جایگاهی برخوردار است و ایشان چه نظری در این حوزه دارند. در فصل پنجم کتاب به «نوع سیاست‌گذاری و نقش عقل از دیدگاه امام خمینی» پرداخته شده است که شامل چهار مقاله «سیاست از منظر امام خمینی»، «عدالت در اندیشه امام خمینی»، «عقل از منظر امام خمینی» و «امنیت ملی از منظر امام خمینی» می‌شود.

ملیحه نیکروش رستمی به بررسی مفهوم سیاست در اندیشه و بیانات امام خمینی (ره) پرداخت و بر این اعتقاد است که امام (ره) به مقوله سیاست توجه وافری داشتند و در منظومه فکری امام (ره)، سیاست دارای سه بُعد اصلی است که خود ایشان از آن‌ها با عنوان سیاست حیوانی (مادی)، سیاست شیطانی (فاسد) و سیاست اسلامی (الهی) یاد می‌کنند.

محمدحسین جمشیدی در پژوهش خود، به بررسی عدالت در گفتمان امام خمینی (ره) می‌پردازد و تأکید دارد که در اندیشه امام (ره)، عدالت برای آدمی نه تنها نیازی مهم، بلکه خصلتی فطری، آرمانی و همیشگی بوده است و در نتیجه این امر همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر و از جمله مفاهیم بنیادین و محوری همه فیلسوفان و اندیشمندان به‌ویژه در عرصه سیاست و فلسفه سیاسی بوده است.

مریم سالم در مقاله خود به موضوع عقل از دیدگاه امام خمینی (ره) می‌پردازد. از نظر او امام (ره)، متفکر برجسته اسلامی که شاگرد خلف مکتب حکمت متعالیه است، همچون استاد حکیمش، ملاصدرا، در دریای فلسفه و عرفان به تاسی از وحی، به غواصی پرداخته و ذره‌های گران‌بهای معرفت مبتنی بر برهان، عرفان و قرآن را از دل صدف‌های آن شکار و عرضه کرده است.

سیدمحمدجواد قُربی در تحقیق خود، با رویکرد تحلیلی-توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای مترصد پایش صحیفه امام خمینی (ره) در باب امنیت ملی است و مذاقه در اندیشه و تقریرات امام (ره) نشان می‌دهد که حفظ نظام جمهوری اسلامی و تأمین امنیت پایدار و همه‌جانبه در جامعه اسلامی از مهم‌ترین رسالت‌ها و وظایف دولت و کارگزاران حکومتی است و تأکید ایشان بر وجوه مختلفی از امنیت نشان از اهمیت حراست و حفاظت از هسته‌های بنیادین نظام و جامعه است.

۲ | ولایت، عرفان و روحانیت

در فصل ششم کتاب به «ولایت، عرفان و روحانیت از دیدگاه امام خمینی (ره)» پرداخته شده است. محمدرضا عبدالله‌پور در مقاله خود به بررسی ادله امام خمینی (ره) در اثبات ولایت فقیه می‌پردازد و معتقد است امام (ره) به‌عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی در ایران با محوریت ولایت فقیه، در موارد و آثار متعددی از ولایت فقیه بحث کرده‌اند.

مسعود حاجی‌ربیع در تحقیق خود در مقام پاسخ به این سؤال است که مقوله عرفانی ظاهر و باطن چه جایگاهی در اندیشه امام خمینی (ره) (۱۲۸۰-۱۳۶۸) دارد و نسبت آن‌ها با حیات ظاهری و باطنی انسان چیست؟ امام (ره) رخنه‌های گوناگونی در حیات باطنی و ظاهری انسان مشاهده کرده و در خصوص آنها اندیشیده است و حمید کثیری در مقاله خود بر این باور است که انسان اسلام طالب شهود است، تا درد بودن را که با هبوط بر او عارض شده بود، با غنودن در آغوش یار، التیام بخشد. □



دانشنامه دین بریل

صادق وفايي

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب افزود: دانشگاه ادیان در این فرایند خوش درخشیده است. دانشگاه با رویکرد علمی کتاب‌های چاپ شده را در چشم‌انداز مخاطب قرار می‌دهد که قبلاً در ایران وجود نداشت و این خلأ با حمایت دانشگاه ادیان در تاریخ ایران ثبت شد.

لک‌زایی با اشاره به اینکه همکاری ادیان بهتر از رجال سیاسی به خواست امنیت و صلح جهانی عمل می‌پوشاند، گفت: امروز وقت آن رسیده است که جامعه، زمینه و زمانه خود را بسنجیم و جایگاه خود را در ضیافت مدرنیته پیدا کنیم. باید کردار و گفتار خود را به تعادل نزدیک کنیم چرا که در حال گذار از محدودیت‌های قومی قبيله‌ای به سوی فرهنگ جهانی هستیم، بنابراین جولانی برای حضور تعصبات قومی قبيله‌ای وجود ندارد و گرنه از منظر جامعه جهانی دور خواهیم شد.

این استاد دانشگاه ادامه داد: در گذشته میان ادیان مختلف، خصومت بیشتر از گفت‌وگو بود اما اینک، لازم است از خود پرسیم آیا این وضعیت طبیعی جوامع بشری است؟ آیا هنوز گزینه «این یا آن دین» چنبره ذهن آدمی را گرفته است یا می‌توانید به گزینه «هم این یا آن دین» هم بیندیشیم. هیچ دینی نباید خود را معیار اخلاق، فلسفه و هنر بدارد و آن‌ها را تحت اختیار خود قرار دهد.

دانش‌نامه دین در دو جلد و در ۱۷۰۰ صفحه با سر ویراستاری حجت‌الاسلام مهدی لک‌زایی و علیرضا ابراهیم منتشر شده است. دانش‌نامه دین بریل به گفته صاحب‌نظران بهترین دانش‌نامه به نگارش درآمده در حوزه دین است که به زبان انگلیسی از سوی انتشارات بریل هلند به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ناشران حوزه علوم انسانی در جهان به چاپ رسیده است. □

مراسم رونمایی از ترجمه «دانشنامه دین بریل» در دانشگاه ادیان و مذاهب قم با حضور مدیران دانشگاه و سروراستار ترجمه و جمعی از استادان و پژوهشگران برگزار شد. در ابتدای این مراسم مدیر پژوهش دانشگاه ادیان و مذاهب، این دانشگاه را به عنوان یک مرکز علمی پیشرو در ایران اسلامی معرفی و اظهار داشت: از نظر صاحب‌نظران و دانشگاهیان، دانشگاه ادیان و مذاهب یک مرکز تخصصی در حیطه ادیان و مذاهب در کشور است و ثمره فعالیت‌های علمی اساتید و پژوهشگران در این دانشگاه، چاپ ۴۰۰ عنوان کتاب در حوزه ادیان و مذاهب بوده و تأثیر ویژه‌ای در حوزه ادیان و مذاهب داشته است. وی درباره روند تدوین «دانشنامه دین بریل» به عنوان یک اثر فاخر علمی که از سوی مجموعه‌ای از پژوهشگران و مترجمان فرهیخته ترجمه شده است گفت: این اثر نخستین دانش‌نامه در حوزه دین بوده و یک مرجع علمی در حوزه علوم دینی است همچنین برای نخستین بار دانش‌نامه‌ای با موضوع ادیان به چاپ رسیده است. به گفته مدیر پژوهش معاونت پژوهشی دانشگاه ادیان و مذاهب، دانش‌نامه دین بریل ۵۰۰ مدخل داشته و ۶۰ مترجم فرهیخته انتشار این دانشنامه را بر عهده داشته‌اند.

مهدی فرمانیان، معاون پژوهشی دانشگاه ادیان و مذاهب نیز بیان کرد: در ابتدای خواهم از دکتر جاویدان که این دانشنامه در دوره ایشان به سامان رسید و بعد از هفت هشت سال زحمت، منتشر شد تشکر کنم و همچنین از مدیران انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی دکتر انصاری، مدیر انتشارات طه و آقای محمدی مدیر انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب تقدیر به عمل آورم که در چاپ این کتاب ما را یاری دادند.

مهدی لک‌زایی، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب و سروراستار کتاب بیان کرد: علم دین، در کشور ما علمی ناشناخته نیست و هر سال برای رشته افزوده می‌شود. شمار کتاب‌های چاپ شده از نظر کمی، قابل قبول اما از نظر کیفی با هدف نهایی فاصله‌ای داریم که برای جبران این ضعف باید تلاش بیشتری انجام دهیم.

وی ادامه داد: با در نظر گرفتن این نکته که باید به آینده این رشته و تأثیر آن به زندگی باور داشته باشیم باید کارها را به شکلی سامان دهیم تا نیروی متخصص در سطح جهان در این زمینه بیندیشند. لک‌زایی اضافه کرد: در حال حاضر حضور جدی در این زمینه در جهان نداریم، در حالی که ایرانیان در گذشته جزو سرآمدان این رشته به شمار می‌رفتند. این عقب‌ماندگی را با چاپ آثار و مقاله‌های متعدد می‌توان جبران کرد. ترجمه در این میان پلی میان بر برای جبران عقب‌افتادگی هاست.



من برمی‌گردم

|| حید اسماعیلی

یکنواخت بودن روایت‌ها سرریز شود و نتواند کتاب را ادامه دهد، ولی فضا سازی و تعلیق کلی قصه به شکلی است که خواننده را دنبال خود می‌کشد.

«یک هفته پیش من مردم...» این جمله آغازین این کتاب است که به قدر کافی می‌تواند تعلیق داشته باشد و خواننده را در این موقعیت قرار دهد که با یک راوی مُرده روبه‌رو باشد و قصه و اتفاقات را از زبان او بشنود. اما این تمام تمهیدی نیست که دولتی به کار بسته و در ادامه می‌بینیم که این نیز در ادامه تکمیل فرآیند ایجاد گره در داستان است که به خوبی توانسته از آن در خدمت داستانش استفاده کند. دولتی سعی کرده با بهره بردن از فضا سازی و توصیف و پرداختن به جزئیات، کمبود مصالح داستانی و تاریخی را جبران کند و آنها را ببوشاند. او با این روش تلاش می‌کند آنجا را که تاریخ حرفی نزنده با قصه پر کند که ظاهراً موفق شده و توانسته خلأهای تاریخی و روایی را با فضا سازی و قصه پردازی پر کند.

یکی از نقاط قوت این داستان زبان آن است. دولتی در این داستان با زبانی متناسب با موقعیت داستانی خواننده را با خود همراه می‌کند. ضرباهنگ داستان خواننده را با خود می‌کشد و سبب می‌شود بسیاری از دست اندازهای داستانی را متوجه نشود. این دست برتر کتاب است که خواننده به خاطر ارتباطی که از طریق زبان و ریتم با کار برقرار می‌کند برخی ضعف‌ها را نادیده می‌گیرد و ماجرای بانوی اول قصر خلیفه عباسی را دنبال کند. اتفاقی که به عنوان مزیت اثر قابل شمارش است و نشان می‌دهد نویسنده می‌تواند با تسلط بر زبان خواننده را سرگرم کند و حواس او را از برخی کاستی‌ها منحرف کند. □

« خواند در کتابش آنجا که ماجرای قیامت و انسان‌هایی را که از اعمال خود پشیمان شده‌اند بازگو می‌کند، که خطاب به خداوند می‌گویند اگر به ما مهلتی دوباره بدهی و به جهان بازگردیم اعمال ما را اصلاح می‌کنیم می‌فرماید: اگر این فرصت برایتان فراهم شود باز هم دست به همان کارهای پیشین می‌زنید و تغییری در رفتار خود ایجاد نمی‌کنید. «بازگشت» ماجرای پیچیده‌ای است. ماجرابی است که نوعی آغاز در آن است و شاید این آغاز فقط نصیب کسانی می‌شود که قبل از رفتن هم در حال ساختن بودند و بازگشت‌شان هم در واقع فرصتی است برای ادامه دادن همان مسیر و طریق! شاید بتوان گفت که بازگشت به کسی تعلق می‌گیرد که خرابی به بار نیاورده باشد و این همان امتحان بزرگ و شاید اساسی‌ترین پیچ هستی باشد که بر سر راه انسان‌ها قرار گرفته باشد که فرصت‌ها در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که مسیری را طی می‌کردند. هر چند این‌ها همه فرضیات و حدسیات است، ولی مقوله بازگشت از دیرباز در گفتمان دینی ما وجود داشته و از آن با عبارت «رجعت» یاد می‌شده است.

فاطمه دولتی در رمانش قصه بازگشت را طرح کرده، بازگشتی که به اعتقاد شیعیان امری مسلم است و در زمان ظهور امام دوازدهم (عج) به وقوع خواهد پیوست. بازگشتی که ویژه اصحاب خاص و یاران ناب این امام از نظر غایب است و تردیدی در آن وقوع آن نیست و اختلاف‌ها شاید بر سر چند و چون آن است. دولتی در قصه‌ای که یک پای آن در تاریخ است سراغ زنانی می‌رود که بازگشت یا رجعت به آنها وعده داده شده و از رجعت‌کنندگانند.

رمان «من برمی‌گردم» در روزگار هارون الرشید عباسی می‌گذرد. دست‌اوبه‌خون امام هفتم آلوده است و همسرش حالا باورش را اعلی کرده و مورد خشم خلیفه عباسی قرار گرفته است، زنی که دل در گرو محبت فرزندان رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) دارد و بعد از شنیدن وعده امام صادق (ع) درباره خودش مسیرش را جدا می‌کند و آشکارا محبتش را ال‌براز می‌کند، عقیده و باوری که جرم آن سنگین است و حالا در خانه خلیفه عباسی جوانه‌های آن دیده می‌شود.

این رمان قصه یک شبانه روز همسر هارون است که در طول این شب تا سحر قصه زنانی را می‌شنود که پا از زمانه خود فراتر گذاشتند و طول تاریخ را پیموده و در انتظار بازگشت نشستند تا مسیر خود را ادامه دهند. رمانی که فراز و فرود چندانی در آن شاهد نیستیم و فقط قصه‌هایی که از زبان شخصیت ثانی بازگو می‌شود گاهی افت و خیزی به قصه می‌دهد، ولی بستر اصلی داستان فراز و فرود چندانی ندارد که شاید در اواسط کتاب حوصله خواننده بابت



۱۵ راهکار خلاقانه علاقه مند کردن کودکان به مطالعه

■ مهدی لطفی پناه، کارشناس ارشد علوم کتابداری



این یادداشت به ارائه راهکارهایی پرداخته است که سبب می شود بدون اینکه از بچه ها بخواهیم درس بخوانند یا به کتابخوانی بپردازند، خود شروع به مطالعه کنند. برخی از راهکارهایی که در زیر به معرفی آن می پردازیم باعث خواهد شد تا بدون اینکه از فرزندانتان بخواهید تا درس های خود را بخوانند یا به مطالعه کتاب بپردازند، خود شروع به مطالعه کنند. بنابراین به شما هم توصیه می کنیم تا با ایده های جادویی طرح شده در زیر که مورد تأیید بسیاری از مادران بوده است آشنا شوید.



۱ خرید کتاب صوتی برای کودکان

بله؛ شنیدن کتاب های صوتی نیز مطالعه محسوب می شود و به کودکان شما کمک می کند تا به کتاب علاقه مند شوند. یک مادر که چهار فرزند دارد و همچنین معلم مقطع دبستان است معتقد است: شنیدن صدای کسی که با گرمی، لطافت، شیوایی و روایی خاصی کتابی را می خواند و توانایی بسیار زیادی در بیان مطالب دارد می تواند کودکان را به مطالعه علاقه مند سازد. یکی از شیوه هایی که این مادر برای علاقه مند کردن فرزندانش استفاده می کرده، پخش صدای یکی از گویندگان مطرح رادیو و تلویزیون در هنگام نقل و انتقال فرزندانش به باشگاه و مدرسه بوده است. به والدین فرزندانش توصیه می شود کتاب های الکترونیکی را از کتابخانه ها تهیه یا از کتابفروشی ها بخرند.



۲ مدل مطالعه عاشقانه

بله، کودکان نیز به دست بزرگسالان خود نگاه می کنند و از آنها سرمشق زندگی می گیرند. هنگامی که تغذیه شما از مواد غذایی مضر باشد، و مواد غذایی مضر و بی خاصیت اطراف شما را احاطه کند، شما آن ها را بیشتر و بیشتر دوست خواهید داشت و شکل و شمائل شما نیز به مانند آن غذاها خواهد شد و هنگامی که محیط اطراف شما را کتاب احاطه کند، به کتاب علاقه مند خواهید شد. خانمی خانه دار که مادر دو فرزند بی علاقه به کتاب و کتابخوانی بود می گوید: من همیشه سعی می کردم تا هنگامی که در منزل بیکار هستم در جلوی چشمان فرزندم به مطالعه کتاب بپردازم و با هیجان و صف ناشدنی در مورد موضوع کتاب ها با فرزندم به گفتگو و بحث می پرداختم. این هیجان نشان دهنده لذت و شادی بود که من از طریق مطالعه کسب می کردم. این موضوع باعث علاقه مندی بیشتر فرزندم به مطالعه کتاب شد.



۳ یک جای دنج و محصور بازمینه ای زیبا

داشتن مکانی امن، دنج، محصور، آرام، راحت و پُر از کتاب، بایدیهایی است که والدین بایستی برای ترغیب بیشتر فرزندان به مطالعه مهیا کنند. یک متخصص مطالعه در دبستان ابتدایی و مادر سه فرزند معتقد است: بچه ها عاشق قلعه هستند؛ فقط کافی است دو صندوق مزیّن به پارچه های رنگی و یک قوطی داشته باشید که نقش میز بازی کند. آن وقت است که فرزندانتان را آنجا خواهید دید که لم داده اند و مطالعه می کنند. برای ترغیب آنها باید گاهی با آن ها همراه شد. نظرتان راجع به تهیه یکم بازمینه ای «ساحل» چیست؟ مثلاً حوله ای بر روی زمین، چتر رنگی ساحلی در کنار دیوار، پوستری از اقیانوس، و سطل های شن و ماسه برای قرار دادن کتاب ها. یا شکل دادن اتاقی دنج با زمینه زیبایی از کشتی دزدان دریایی یا سفینه فضایی.



۴ تلاش برای آوردن کتاب ها به زندگی

مسائل مطالعه شده و یا الهام گرفته شده از کتاب های خوانده شده را به هر شکلی در زندگی واقعی با فرزندانتان تجربه و آن ها را بیان دارید. اگر فرزند سه ساله شما از مطالعه کتاب «سه بچه شیر» لذت برده، او را به دیدن شیرهای باغ وحش شهرتان ببرید. اگر کودکتان در مورد ستارگان و یا سیاره ها مطالعه ای انجام داده، او را به افلاک نما ببرید تا از نزدیک با چشمان زیبایش ستارگان را مشاهده کند. یا اگر در شهر شیراز بودید و کودکانتان پیش از این با اشعار یا زندگانی حافظ شیرازی آشنا شده، او را به حافظیه ببرید.

۹



۱ در هنگام بازدید از کتابخانه به دنبال کارهای غیر معمول باشید

به کتابدارها تکیه کنید؛ به آنها پول پرداخت می‌شود تا به فرزندان شما کمک کنند و تا جایی که ممکن است آنها را ترغیب به مطالعه کنند. بنابراین پیش از رفتن به سمت قفسه کتابخانه، به کتابداران ماهر مراجعه کنید تا از فعالیت‌های متنوع در کتابخانه باخبر شوید. همچنین می‌توانید به سایت کتابخانه مراجعه کنید. کاری کنید تا فرزندان با کارهای سرگرم‌کننده و فعالیت‌های فرهنگی کتابخانه پیوند یابد. توصیه می‌شود حتماً کارت عضویت کتابخانه برای تک‌تک فرزندان تهیه و به آنها تحویل شود تا آن‌ها نسبت به کتابخانه احساس مالکیت برای خود داشته باشند.

۱۰



۲ برای فرزندان کوچک‌تر دوباره بخوانید

کتاب‌ها موجب پیشرفت زود هنگام توسعه گفتاری فرزندان هستند. در ابتدا کودکان متلفّت تصاویر کتاب‌ها می‌شوند. سپس یاد می‌گیرند تا صفحات کتاب را ورق بزنند. پس از مدتی متوجه موضوع تکراری داستان می‌شوند. همه مهارت‌های پیش از خواندن اهمیت دارند. کتاب‌های ریتمیک با وزن‌ها، قافیه‌ها و آهنگ‌های زیبا بسیار مفید هستند. قافیه‌ها و وزن‌ها کمک می‌کنند تا فرزند شما با نمادها و واژه‌ها آشنایی بیشتری پیدا کند و با تکرار آنها، صداها را از هم تمیز دهند. بچه‌ها قافیه‌ها را خیلی دوست دارند؛ چون آن‌ها به مرور با آهنگی دلنشین یاد می‌گیرند و می‌فهمند که قافیه بعدی چیست و خود تمایل پیدا می‌کنند که آن را پیش از شما بازگو کنند.

۱۱



۳ شاید کمی عجیب و غریب

برای فرزندان بزرگ‌تر خود یک چراغ مطالعه خریداری کنید تا پیش از به خواب رفتن، همه چراغ‌های اتاق را خاموش و چراغ مطالعه خود را روشن کنند و چند دقیقه‌ای به مطالعه آنچه علاقه دارند بپردازند. خریدن چراغ مطالعه و قرار دادن آن در کنار تخت خواب نه تنها یک نوع یادآوری برای مطالعه کتاب است بلکه احساس خوبی به فرزندان می‌دهد و حس می‌کنند که دیگر بزرگ شده‌اند.

۱۲



۴ به فرزندان هدیه‌ای بدهید

برای ادامه یافتن روند مطالعه کتاب توسط فرزند دلپسندان کافی است تا هدیه‌ای را برگزینید که موجبات تشویق



تا جایی که

می‌توانید محیط

اطراف فرزندان

را با کتاب پر

کنید. این موضوع

باعث خواهد

شد تا فرزندی

که هیچگونه

علاقه‌ای به

کتاب ندارد، با

دیدن عناوین

گوناگون کتاب‌ها

علاقه‌مند به

مطالعه یکی از

آنها شوند

۵



۱ تجلیل از بزرگان در مقابل فرزندان

به دلایل گوناگون و در مناسبت‌های مختلف از نویسندگان برجسته، شاعران شهیر و چهره‌های ماندگار حتی در منزل تجلیل کنید و فرزندان را با نام و آوازه آن‌ها آشنا سازید. گرامیداشت سالروز یادبود زندگانی اشخاص برجسته در ترغیب فرزندان به مطالعه کمک زیادی می‌کند.

۶



۲ کتاب را بخوانید و سپس فیلم را تماشا کنید

یک کتاب کلاسیک خوب پیدا کنید که فیلم آن نیز ساخته شده است. مثلاً مطالعه فیلمنامه کتاب «شام آخر» و سپس تماشای فیلم آن، بسیار جالب و جذاب خواهد بود. یک معلم ابتدایی می‌گوید: این روش، یکی از راهکارهای بسیار کاربردی برای فرزندی است که به مطالعه و خواندن مطالب علاقه‌ای ندارند.

۷



۳ در همه جای خانه کتاب قرار دهید

یکی از کارشناسان رشد و توسعه کودکان در دانشگاه سیروکیوس در شهر نیویورک آمریکا می‌گوید: تا جایی که می‌توانید محیط اطراف فرزندان را با کتاب پر کنید. این موضوع باعث خواهد شد تا فرزندی که هیچگونه علاقه‌ای به کتاب ندارد، با دیدن عناوین گوناگون کتاب‌ها علاقه‌مند به مطالعه یکی از آنها شوند. بنابراین وقتی دیدید که فرزندان به چه موضوعاتی علاقه بیشتری نشان می‌دهد، به کتابخانه و کتابفروشی شهر و محله‌تان بروید و هر کتابی که نزدیک به موضوع مورد علاقه فرزندان بود را تهیه کنید. محل قرار دادن کتاب‌ها حتی می‌تواند بر روی صندلی عقب خودروی شما باشد. توصیه نگارنده آن است که کتاب‌ها را در قفسه کتابخانه منزل قفل نکنید و اجازه دهید تا بچه‌ها آنها را لمس کنند و هر جایی می‌خواهند با خود ببرند.

۸



۴ بلند بخوانید حتی زمانی که آنها توجه نمی‌کنند

دکتر کارلسون یکی از متخصصان مطالعه معتقد است: خواندن با صدای بلند هم اجتماعی و هم آموزشی است. به علاوه، بچه‌ها خوب خواندن را یاد می‌گیرند و در طی سال‌ها بلند خواندن، عاشق داستان‌هایی خواهند شد که مفاهیم ارزشمند و معنی‌داری دارند (سعی کنید همواره در یک زمینه موضوعی خاص به بلند بلند خواندن بپردازید). گوش دادن به مطالب کتاب‌ها، افراد بیزار از مطالعه را شکست خواهد داد. این روش در پسران بیشتر تأثیر می‌گذارد.



دانشگاه کابل در شب میلاد پیامبر اکرم (ص) مورد حمله تروریستی گروهک داعش قرار گرفت و ۲۳ تن از دانشجویان این دانشگاه به شهادت رسیدند. همچنین در این حمله تروریستی بیش از ۳۰ تن از دانشجویان زخمی شدند. «جان پدر کجاستی؟» پیامک پدری است که پس از ۱۴۲ بار تماس با گوشی دخترش، برای اطلاع از وضعیت او بی پاسخ ماند و همین عبارت شاعرانه که به هشتگ غم‌انگیزی در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد، دستمایه اشعاری از سوی شاعران ایران و افغانستان نیز قرار گرفت. شاعران زیادی درباره این حمله تروریستی شعر گفته‌اند که برخی از آنها را می‌خوانیم.

محمد حسین انصاری نژاد

«جان پدر کجاستی؟» اما جواب کو؟
آن سرو خواب رفته به روی کتاب کو؟
آبادی ات کجاست؟ نفس می‌کشی هنوز
می‌پرسی از خودت هله خانه خراب! کو؟
حاصل به غیر چشم ترا این عتاب نیست
جز شعله شعله برجگرا از این خطاب کو؟
در شیشه فلک به جز از خون شراب نیست
جز خون به شیشه کردنت از آفتاب کو؟
یک پابه پیش و پای دگر می‌کشد عقب
چشمی به کوه محو فرود عقاب کو
«اشک کباب، باعث طغیان آتش است»
سهمت به جز چکیدن خون بر کباب کو؟
دادند نان سوخته‌ای از جگر تو را
جز بر مدار خون تو یک آسیاب کو؟
ابر آمده است کو تب و تاب شکفتنی؟
ابر آمده است در دهن غنچه، آب کو؟
بر صبح باغ می‌شنوی رقص شعله را
نیلوفرانه حاصلت از پیچ و تاب کو؟

عاطفه جعفری

یک کوه درد با تو برابر نمی‌شود
آری، بخند، زخم تو بهتر نمی‌شود
از روزگار تلخ خودت شکوه کن، وطن
هرگز نترس، گوش فلک کر نمی‌شود
تاریخ، باز مرثیه‌ات را مرور کرد
باروضه تو، چشم کسی تر نمی‌شود
وقتی جهان به پیش دو چشم تو تار شد
کابل، دوباره آینه‌ای از غبار شد
در راه روشنایی شب‌های بامیان
خاموش می‌شوند چرا این ستارگان؟

تو درد می‌کشیدی و درمان نداشتی
پاییزی شدی و بهاران نداشتی
تو، آب دیده خود از آمو گرفته‌ای
وقت قیام، دست به زانو گرفته‌ای
من عهد می‌کنم که بیایم به کشورم
یک روز می‌رسد که در آغوش مادرم...
آن روز ناله کن به زبان دَرِی خود
آرام گریه کن به تَی چادرِی خود

محمد رضا وحیدزاده

زنگ زدم هزار بار، جان پدر کجاستی؟
باشه عزیز! برندار، جان پدر کجاستی؟
جان به لبم رسیده و بغض امان نمی‌دهد
حرمت من نگاه دار، جان پدر کجاستی؟
گفت کسی: شنیده‌ای این خبر شگفت را؟
با خبرش مرا چه کار؟ جان پدر کجاستی؟
خبر رسیده لشگری به دشت غنچه تاخته
تو را چه کار با سوار؟! جان پدر کجاستی؟
در دل این خاک غریب داغ هزار لاله است
بخوان، بخوان هزار! جان پدر کجاستی؟

سیدضیاء قاسمی

شلیک آغاز
خشت‌ها پرواز کردند از دیوار
شیشه‌ها پرواز کردند از قاب پنجره
شاخه‌ها پرواز کردند از درختان
کتابچه‌ها و قلم‌ها از میزهای صنف
دست‌ها پرواز کردند از تن اداریس
موهای شعله و رسپه‌لا
پیراهن خونین یوسف
مسابقه پرواز بود و دانشجویها پرند شدند

او به مطالعه می‌شود. دادن یک کتاب به وی به غیر از هدایای دیگر در روز تولدش، یکی از این راهکارهاست. یا هنگامی که از شما می‌پرسد: برای تولد دوستم چه چیزی بخرم؟ می‌توانید عنوان کتابی مناسب را به وی معرفی کنید و از او بخواهید با یک دست نوشته زیبا و متنی ماندگار به گیرنده کتاب توضیح دهد که چرا این کتاب سزاوار اوست. از این طریق است که فرزند شما از ارزش کتاب و کتابخوانی مطلع می‌شود.

۱۳



روى نشریه‌های جلوى دکه روزنامه فروشی‌ها

حساب کنید

مجلات به بچه‌ها کمک می‌کند تا اطلاعات ارزشمندی از وضعیت جاری به دست آورند. مجله‌های جلوی دکه روزنامه فروشی‌ها سبب می‌شوند تا والدین از علاقه‌های نهفته فرزندان خود مطلع شوند. بردن فرزندان به جلوی کیوسک روزنامه فروشی‌ها یک روش بسیار قوی برای ترغیب آن‌ها به مطالعه است. شاید فرزندان به نشریه «ماشین» علاقه مند باشد.

۱۴



سؤال بپرسید

طرح پرسش از فرزندان باعث افزایش درک و بینش آن‌ها می‌شود. این موضوع باعث باز شدن دروازه‌های جدید در ذهن فرزندان می‌شود. از او بپرسید: شخصیت محبوب او کیست؟ از او بپرسید: به نظر او در آینده چه اتفاقاتی رخ خواهد داد؟ و در شرایط آن رخدادها او چه خواهد کرد؟ در پایان به شما توصیه می‌کنیم تا در هنگام مطالعه، بیش از حد از چگونگی صرف سداها و آواها توسط فرزندان غلط نگیرید.

۱۵



در روزهای سخت به سوی کتاب‌هایتان بروید

با هر شور و شوق و اتفاقی که در زندگی فرزندان‌تان رخ می‌دهد یک کتاب به لیست کتاب‌های او اضافه کنید. اگر در مدرسه با دوستانش دعوا کرد، کتابی در مورد دوست و دوست‌یابی برایش بخرد. اگر به مدرسه جدیدی رفت، با هم یک کتاب دیگر، اینگونه به او آموزش می‌دهید که چگونه در روزهای سخت و یا روزهایی که غمگین است با کتاب و کتابخوانی خوشحال شود و کتاب است که احساس زیبایی را به وی هدیه می‌کند و همواره در زندگی کمک او و یار مهربان است. بهتر است یک شب پیش از اینکه فرزند جدیدتان را از بیمارستان به منزل آورید، کتابی را جلد کنید و با یادداشتی که روی آن نوشته‌اید: شنیده‌ام که خواهر بزرگ‌تر منزل خواهی شد! این هدیه به نقش جدیدت به عنوان خواهر بزرگ‌تر کمک خواهد کرد. دختر گلم، عاشقتم؛ به تو افتخار می‌کنم. □

همدردی شاعران ایران و افغانستان
با شهزادی دانشگاه کابل

جایگزینی

افسانه



ببین که عصر ظهورت چه روزگاری شد!

علیرضا قزوه

جرم تو چیست نازنین؟ صدق و صفا و راستی
ای که تو از خدای خود غیر خدا خواستی
ای به فدای خنده زخمی و دلشکسته ات
شکر خدا که همچنان سرخوشی و به پاستی
کابل زخم خورده ام! وقت برای گریه نیست
گریه با تبسمی، گم شده در خداستی
کابل جان خسته ام! شانه ما پناه تو
چشم و زبان پارسی! نور دو چشم ماستی
کابل جان چه می کنی؟! از دست حرامیان
کابل بی پناه من! قبله عشق و راستی!
دختر شعر فارسی! کابل من! چه می کنی؟
حرف بزنی! عزیز من! «جان پدر! کجاستی!»!

سید ابوالفضل مبارز

خسته روزگار ناآرام، من همانم که جان نمی خواهد
کشتنم انتخاب سختی نیست، زدم امتحان نمی خواهد
لبی از خون حنجرم تر کن تا کمی تازه تر شود نفست
بعد بنشین و قصه کن با من، گرچه این آسمان نمی خواهد
قصه کن از تحمل وطنم، از لب بی تمایل وطنم
آخرین شاخه گل وطنم وطنی که جوان نمی خواهد
وطن من کجای دنیایی؟! همه با شعر متحد شده اند!
واقعاً بعد از این چه باید کرد؟! دردهای که خان نمی خواهد
دردهای که دیگر از امروز، سر تعظیمش از تن افتاده
در دلش شوق زندگی دارد، نان بماند، دهان نمی خواهد!
کشورم، از شکستن عاصی باش، حرف خود را بزنی ولو با سنگ
مطمئن باش بعد از این احدی، شهر بی قهرمان نمی خواهد!
ما اگر چه که سوگوار خودیم؛ داغداریم و بی قرار خودیم
خودمان عاقلیم و می فهمیم بعد از این دیگران نمی خواهد

هستی سراسر جان ما بودی تو «کابل جان»
حالا چه شد که این همه «بی جان» شدی کابل

قاسم ساکنی

ز مژه ها شنیده ام، جان پدر کجاستی؟
از همه دل بریده ام، جان پدر کجاستی؟
زنگ زدم فزون ز صد به گوشی ات جواب گو
پای بنه به دیده ام، جان پدر کجاستی؟
پیرشدم، جوان شدی، وای به من خزان شدی
زحمت تو کشیده ام، جان پدر کجاستی؟
دلهره می کشد مرا، رحم نما عزیز من
به این دل رمیده ام، جان پدر کجاستی؟
در غم جانگذاز تو، ای مه جان فزای من
حنجره ها دریده ام، جان پدر کجاستی

محمد مهدی عبداللهی

شبی که خون دل از این مسیر جاری شد
چکیده سفر عشق، بی قرار ی شد
شبی که ناله مهتاب در گلو خشکید
زمان هم از ملکوت حیات، عاری شد
شب فراق کیبوتر، کیبوتر عشق است
کیبوتری که پراز زخم های کاری شد
چه انفجار مهبیبی که عشق حیران گشت!
وقوع حادثه، آغاز جان نثاری شد
چقدر خاطره ها رنگ روز عاشورا است
که شهر یکسره از داغ لاله کاری شد
شبیه «شام» ببین انفجار «کابل» را
صدای غربت مظلوم، یادگاری شد
میان شعله تزویر دشمنان این بار
تمام حنجره کودکی، اناری شد
نگاه لطف تو کافیس مهر عالمتاب

سهراب سیرت

تا چشمم وا کردی به خود حیران شدی کابل
دیدم که در خون می تپی گریبان شدی کابل
از خانه بیرون رفته بودی تا که برگردی
در نیمه راهت تکه و پاشان شدی کابل
می دانم این که خود نمی دانی گناهت را
با خون و خاکستر چرا یکسان شدی کابل؟
زیبا که بودی بر رخ تیزاب پاشیدند
بینی بریدندت که نافرمان شدی کابل
با سنگ و چوب و آتش هم زجر کش کردند
تو باعث سوزاندن قرآن شدی کابل!
عاشق شدی، شلاق خوردی زخم خجلت نیز
زن بودی و شایسته زندان شدی کابل
باغ و بهشت «عاشقان و عارفان» بودی
گاهی جهنم گاه گورستان شدی کابل
رفتی که از ملایم موزی تجاوز کرد
در کودکی سرکوب و سرگردان شدی کابل
اسپند کردی شهر را اما «نظر» شد باز
نعش به خون افتاده در میدان شدی کابل
گرگان گشنه بین خود تقسیم کردندت
نانی برای چند دسترخوان شدی کابل
دیدند سبزی، هر طرف خاکستر افکندند
دیدند باغی و تبریاران شدی کابل
از آشنایان پیش پا خوردی و افتادی
در تابه بیگانگان بریان شدی کابل
کابل منم کابل تویی کابل همه هستیم
تنها نه تو در این میان قربان شدی کابل
از هر طرف با هر کسی در هر زمان که بود
ویران شدی و ویران شدی و ویران شدی کابل
گفتم که دواز تو روم دل برگم از تو
در زیر پوستم پنهان شدی کابل

درباره اهمیت شبی که
نسل پشت نسل در ایران دوام یافته

یلدا، تداوم هویت جامعه

سید احمد محیط طباطبایی

« در روزگار گذشته برای گروه‌های اجتماعی و مردمی که کشاورزی و دامداری می‌کردند، تقویم شمسی یا گردش خورشیدی بسیار دارای اهمیت بود. آنها زندگی خود را منطبق بر این حرکت خورشیدی تطبیق می‌دادند. یکی از مهم‌ترین روزهای سال آغاز شب یلدا است.

این شب به زمان بین غروب آفتاب از آخرین روز پاییز تا طلوع آفتاب در نخستین روز زمستان اطلاق می‌شود. این شب در نیم‌کره شمالی با انقلاب زمستانی مصادف است و به همین دلیل از آن زمان به بعد طول روز بیشتر و طول شب کوتاه‌تر می‌شود. پس به لحاظ وضعیت اقلیمی این روز از اهمیت بسیاری برای زندگی انسان ساکن در این ناحیه جغرافیایی اهمیت دارد.

ابتدای زمستان، آغاز روزهای طولانی است و به عبارتی طولانی‌ترین شب سال در این موقعیت زمانی که همان شب یلدا است، قرار دارد. یلدا، شب اول زمستان و شب آخر پاییز است که اول جدی و آخر قوس باشد و آن درازترین شب‌هاست در تمام سال و در آن شب یا نزدیک به آن شب، آفتاب به برج جدی تحویل می‌کند و گویند آن شب به غایت شوم و نامبارک است و بعضی گفته‌اند شب یلدا یازدهم جدی است. تقویم ما هم به شکلی است که از شب به روز می‌رسد. مردمان گذشته می‌دیدند که در بعضی ایام و فصول روزها بسیار بلند می‌شود و در نتیجه در آن روزها، از روشنی و نور خورشید بیشتر می‌توانستند استفاده کنند. این اعتقاد پدید آمد که نور و روشنائی و تابش خورشید نماد نیک و موافق بوده و تاریکی و ظلمت شب در نبرد و کشمکش‌اند. بنابراین آغاز روز در شب اول دی ماه اتفاق می‌افتد.

«یلدا» به معنای میلاد و تولد است. منظور از تولد، ولادت مهر و خورشید است. خورشید چه به معنای قدرت و گرمابخش زمین و هستی و چه در مفهوم عهد، پیمان، محبت و دوست است. این طولانی‌ترین شب سال به همین جهت اهمیت بسزایی در نزد مردم پیدا می‌کند.

دیدن روشنائی روز و برآمدن آفتاب برای مردمان حایز اهمیت و توجه بوده است و به همین خاطر خانواده‌ها سعی می‌کردند این شب را تا صبح بیدار بوده و طلوع آفتاب را ببینند. برای اینکه این امر صورت بگیرد سعی در این

سیرتاریخی شب یلدا

پیروزی نور بر ظلمت

| بهاء الدین خرمشاهی

یلدا، واژه‌ای سریانی، به معنای میلاد، تولد و ولادت است. سریانی هم مانند عربی از خانواده زبان‌های سامی است. ولد، یلد، ولاده، پیوند لفظی. معنایی این کلمه در عربی را با یلدای سریانی نشان می‌دهد. اینکه مشهور است یلدا شب تولد حضرت عیسی مسیح (ع) است، دقت تاریخی ندارد و منابع و مراجع دین پژوهی این نکته را روشن کرده‌اند. در دانشنامه دانش‌گستر چنین آمده است: «یلدا در رومی ناتالیس آنویکتوس. به معنای روز تولد مهر شکست‌ناپذیر درازترین شب سال، یعنی شب اول زمستان؛ در تقویم ایرانی شب اول دی ماه. در اصطلاح عموم، شب چله یا شب چله بزرگ؛ در باور، شبی اهریمنی است که با پیروزی مهر (آفتاب بر خورشید) و برآمدن روز به پایان می‌رسد.» (جلد هجدهم، ذیل یلدا). مهرپرستی با آنکه منشأ کهن ایرانی دارد و رد پای تاریخی آن را تا زمان مادها سپس هخامنشیان و سپس اشکانیان می‌توان یافت، اما ابتدا حامی و سپس گویی رقیب نیرومندی چون دین زردشت داشت. با آنکه در اوستا، در یشت‌ها، در مهریشت نیایشی برای مهر و تلویحاً تأیید مهرپرستی دارد، سرانجام باعث شد که آیین مهر از خاستگاه خود ایران، به آسیای صغیر و کشورهای حاشیه مدیترانه کوچ کند و تا آنجا پیش برود که دین رسمی امپراتوری روم بشود. مهرپرستی نزدیک به چهار قرن با رقیب نیرومند دیگری یعنی مسیحیت روبرو شد و سرانجام مسیحیت آن را خاموش کرد و بعضی شاعران و آداب و مراسم مهری میتیایی را از آن خود کرد که شاید آخرین آنها یلدا بوده است.

مسیحیان این رسم کهن مهری را برای خود صادره کردند و آن را که شب تولد مهر خورشید بود با شب میلاد حضرت عیسی (ع) تطبیق دادند. یعنی با شب ۲۱ دسامبر برابر با شب اول دی (آغاز زمستان). البته بعدها به خاطر اختلاف تقویم‌ها و مسامحه در محاسبه کیبسه‌ها، جای این شب به ۲۴ و ۲۵ دسامبر و حتی ششم ژانویه تغییر یافت. پس شب یلدا اصلاً مهری است. سپس با مهاجرت عده‌ای از مسیحیان سریانی به ایران دیگر با کریسمس (به فرانسه نوئل) مترادف شد و با تحول معنایی که پیدا کرد از شبی شوم و اهریمنی که مهریان به نیاز و نیایش می‌گذراندند و گویی نگران بودند که آیا خورشید باز هم طالع خواهد شد و تا طلوع خورشید دعاخوانی می‌کردند، چون نیک انجام بود در ایران از پیش از ظهور اسلام معنای جشن پیدا کرد، که اغلب مردم آن شب را به شادی می‌گذراندند و تنقلات و به ویژه هندوانه و انار می‌خوردند. □

داشتند که این رسم را به صورت یک سنت آیینی در آورند. این موقعیت زمانی در گذر زمان هیچ‌وقت به دست فراموشی سپرده نشد و همواره مورد توجه مردم بوده است. چرا که اصل آیین سنت یلدا فراتر از دیگر آیین‌ها بوده است. یلدا منطبق با اصول جغرافیایی و حیاتی زندگی است که ایران نیز جزو آن منطقه جغرافیایی است.

□ شب قصه و داستان

اهمیت این شب علاوه بر توضیحاتی که داده شد را می‌توان در قصه و داستان هم دانست. به عبارت دیگر یلدا، شب قصه و داستان است. ایرانیان نسبت نزدیکی با قصه، آیین و روایت داشته‌اند و به همین دلیل پشتوانه مدنی و فرهنگی بالایی دارند. استمرار سنت قصه‌گویی، در واقع بقای آیین در زندگی بشر امروز است و سنت یلدا را از گذشته به امروز پیوند داده است. همچنین یلدا بهانه‌ای است برای اینکه خانواده‌ها قصه خود، قصه خانواده، قصه اسطوره‌ها، خوشی‌ها، غم‌ها و شادی‌های خود را برای نسل‌های جوان خانواده بازگو کنند و آنها خود را با قصه و داستان به روز برسانند.

در کنار این سنت و آیین‌ها، در شب یلدا سفره‌ای انداخته می‌شود که افراد خانواده به گرد سفره جمع می‌شوند و همین موضوع باعث می‌شود که وفاق و همگرایی در بین اعضای خانواده ایجاد شود. به بیان دیگر سفره یلدا باعث ایجاد همدلی در بین اعضای خانواده می‌شود و ناراحتی‌ها و غصه‌ها از بین می‌رود. روی سفره یلدا، محصولات و نوشیدنی‌هایی گذاشته می‌شود که آن‌ها شکرانه‌ای از چیزهایی است که خداوند در طول سال به ما داده است. ایرانیان در این شب باقی مانده میوه‌هایی را که انبار کرده بودند به همراه خشکیار و تنقلات می‌خورند. به عبارتی آن چه از میوه و فرآورده‌های به دست آمده تا شب یلدا باقی مانده است، روی سفره گذاشته می‌شود و آن چیزهایی هم که از بین می‌رود به صورت خشکیار و آجیل روی سفره قرار می‌داند. هر کدام از محصولات که روی سفره یلدا قرار می‌گرفت، شکر نعمتی است که خداوند به مردم اعطا کرده است.

برای مثال میوه‌هایی که اغلب دانه‌های زیادی دارند، نوعی جادوی سربیتی محسوب می‌شوند که افرادی که دور سفره یلدا جمع شده‌اند با توسل به برکت خیزی و پردانه بودن آنها، خودشان را نیز مانند آنها برکت‌آور می‌کنند و نیروی باروری را در خویش افزایش می‌دهند.

در قرن‌ها و روزگار مختلف و با گذر زمان، یلدا هم تغییر و تحول پیدا کرده و خود را منطبق با شرایط روز کرده است. چنانچه ما شاهد حضور دیوان حافظ و تغال مردم به دیوان حافظ هستیم که این، با گذر زمان به شب یلدا اضافه شده است. سنت و آیین‌ها، سرمایه‌های مهم یک ملت است که هویت آنها را مشخص می‌کند و حفاظت از این سنت‌ها و آیین‌ها و گردآمدن مردم در یک شب خاص دورهم باعث می‌شود که هم به نزدیکی افراد به یکدیگر کمک کند و هم مبنای زیرساخت مهمی را برای تداوم فرهنگ و هویت جامعه فراهم کند. □



نقدی بر فیلم «ایستگاه اتمسفر»

هوای یکدیگر را داشته باشیم

مسعود مشایخی

در فیلم ایستگاه اتمسفر، برخلاف دیگر فیلم‌های اجتماعی این سال‌ها، آدم‌ها سعی می‌کنند هوای همدیگر را داشته باشند. نخستین فیلم مهدی جعفری در مقام کارگردان، فیلمی کوچک با ایده‌ای انسانی است. مهدی جعفری، در نخستین فیلمش ایستگاه اتمسفر، سعی کرده داستانی سراسر است را بدون شتاب و سر حوصله روایت کند. ایستگاه اتمسفر از این جهت سعی کرده بدون اتکا به این هیاهوها روایت خود را پیش ببرد. ریتم درونی فیلم در اجرا و کارگردانی در مقایسه با نمونه‌های مشابه، کم و بیش تابع چنین رویکرد خوددارانه‌ای است. رویکردی که در صحنه‌هایی که درگیری میان شخصیت‌ها بالا می‌گیرد نیز دیده می‌شود. به عنوان نمونه در سکانسی که دایی جلال با وحید درگیر می‌شود، دوربین از درون ماشین و از فاصله‌ای، دعوی آن دو در بیرون را نشانمان می‌دهد. حتی لحظاتی از درگیری میان آن دو خارج از قاب دوربین رخ می‌دهد.

فیلم هرچقدر که از شلوغ کاری‌های مرسوم سینمای اجتماعی پیرهیز کرده، در عوض در ارائه مستقیم مفاهیم و شعارهای اجتماعی‌اش با سخاوت هرچه تمام‌تر عمل کرده است. سخاوتی که حتی در خلاصه داستان رسمی منتشر شده از فیلم دیده می‌شود: «اتم‌سفر هوای زمین را دارد و ما هوای یکدیگر را». فیلمی که از قضا تلاش کرده قصه‌گو باشد، چرا باید چنین خلاصه داستانی از آن منتشر شود؟ خلاصه‌ای که به شکل آشکاری تم و ایده اخلاقی حاکم بر جهان فیلم را شرح می‌دهد. ایده‌ای که در طول فیلم به شکل‌های مختلفی در موقعیت‌هایی رو و در قالب دیالوگ‌های مستقیم روی آن تاکید می‌شود. در نتیجه این اشاره‌ها فیلم در جاهایی به یک روایت پندآموز اخلاقی نزدیک شده است.

البته بخشی از وجه تمایز فیلم با نمونه‌های مشابه سینمای اجتماعی، در همین ایده

مضمونی‌اش نهفته است. روایت ایستگاه اتمسفر، همچون بسیاری از فیلم‌های اجتماعی این دهه، از مجموعه‌ای از رازها، دروغ‌ها، پنهان‌کاری‌ها و موقعیت‌های مبتنی بر تنگناهای اخلاقی شکل گرفته است. شخصیت‌هایی که در بزنگاه‌های اخلاقی غلغله شده، طبق حکمی از پیش تعیین شده، بخش‌های شرم‌آور وجودشان را برای یکدیگر بر ملا می‌کنند. در ایستگاه اتمسفر، شخصیت خطا کار وحید با اینکه در تنگنایی سخت گیر کرده، پایبند به انتخاب‌های اخلاقی است. این ویژگی با وجود همه بارشعاری که در فیلم دارد، خصیصه کمی نیست. معذوریت اخلاقی همان ویژگی است که در فیلم‌های اجتماعی ضد اخلاق سینمای ایران سخت پیدای می‌شود.

در ایستگاه اتمسفر، به غیر از یک کاراکتر غیر منطقی (دایی جلال) و دو شخصیت خرده شیشه‌دار (شخصیت بانپال شومون در نقش یک واردکننده کالاهای قاچاق و شخصیت آقای براتی که قصد دارد سهم وحید از شرکت دانش بنیان را بخرد)، سایر کاراکترها با وجود نقصان‌های شان، انتخاب‌هایی اخلاقی از خود نشان می‌دهند.

یکی از معضلات دیگر فیلم‌های اجتماعی انباشته بودن آن‌ها از ایده‌ها و موضوعات است. فیلم ایستگاه اتمسفر، از همین مسئله در رنج است. سکانس‌ها و موقعیت‌های پراکنده‌ای که به خوبی در ساختار فیلم قرار نمی‌گیرند و کارکردی شعاری پیدا می‌کنند. در ایستگاه اتمسفر به موضوعات مختلفی مانند ورود کالاهای قاچاق، مهاجرت و تولید داخلی اشاره می‌شود. در سکانسی بی‌کارکرد نزدیک به انتهای فیلم، شخصیت نازنین برای لعبا فعالیت‌های شرکت دانش بنیان‌شان را توضیح می‌دهد. شرکتی که فعالیتش در زمینه ساخت پلیمرهای گلخانه‌ای است و در فیلم به شکل پراکنده‌ای به سختی‌های کار آنها اشاره می‌شود. فیلم این دو موضوع را به نوعی در مقابل هم قرار می‌دهد؛ آدم‌هایی که با همه سختی‌ها و موانع، پله پله برای پیشرفت خود و کشورشان تلاش می‌کنند و شخصیت‌های بلندپروازی مانند مرجان که با سودای مهاجرت و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تجاری غیرقانونی، قصد دارند در صد ساله را یک شبه طی کنند. مرگ شخصیت مرجان از این جهت معنادار به نظر می‌رسد، آدمی که با آرزوهایش مدفون می‌شود. در نتیجه فیلم از طریق این تقابل نگاه ایدئولوژیک خود را عیان می‌کند.

پنهان کاری‌های مرجان و وحید جرقه موقعیت‌های دراماتیک فیلم را می‌زند. آن دو ماجرای طلاقشان را از دیگران پنهان کرده‌اند. مرجان بدون اطلاع مادرش لعبا و وحید پول زیادی را طلب کرده است. جوانانی که با غفلت‌ها و خطاهای شان، زندگی خود و اطرافیان‌شان را به دردسری می‌اندازند. گویی پیمودن مسیر درست برای این کاراکترهای جوان در گروهی پذیرش نگاه مصلحت‌اندیشانه و هدایت‌گرانه بزرگ‌تره‌ایشان است. ایستگاه اتمسفر، با وجود این ایده‌های محافظه‌کارانه و عارضه‌هایی که از سینمای اجتماعی همراه خود دارد، به علت تلاش صادقانه‌اش برای روایت یک قصه انسانی، گام نخست قابل بحثی برای سازنده‌اش به حساب می‌آید. □



در این بخش از «مهر و ماه» برخی از رویدادهای تاریخی آذرماه را مرور می‌کنیم. در روز ۶ آذر ۱۳۲۲ و در میانه جنگ دوم جهانی، کنفرانس چهار روزه رهبران امریکا، انگلیس و شوروی در تهران آغاز به کار کرد. در اولین مطلب، گزارش کوتاهی از این اتفاق سرنوشت‌ساز را می‌خوانیم. ۶۰ سال بعد در ۱۶ آذر سه دانشجوی دانشگاه تهران به دست دژخیمان پهلوی به شهادت رسیدند. مطلب بعدی ما به این موضوع اختصاص دارد. دهم آذر نیز مصادف با سالروز شهادت روحانی مبارز و سیاستمدار استکبارستیز معاصر آیت‌الله سید حسن مدرس است که به همین منظور گزارشی از فعالیت‌های این فقیه مجاهد را خواهیم خواند. در آخرین مطلب نیز به مناسبت ۱۲ آذر سالروز درگذشت خیام، دیدگاه ۳ محقق معاصر درباره او را از نظر می‌گذرانیم.

« تاریخ



کشور و بشریت به عدالت احتیاج دارد، منتها عدالت در دنیا مهجور و غریب است. جمهوری اسلامی پرچم عدالت را بلند کرده، نگذاریم که این پرچم بخوابد. به معنای واقعی کلمه دنبال عدالت باشیم، هم عدالت اقتصادی، هم عدالت حقوقی، هم عدالت سیاسی.

سید علی خامنه‌ای

لاله‌های در خون خفته

نماینده ملت

نه تو مانه و نه من



۶ آذر ۱۳۲۲ کنفرانس تهران با حضور روزولت، چرچیل و استالین آغاز شد

تقسیم جهان

در کنفرانس تهران بود که طرح عملیات نهایی برای درهم شکستن نیروی مقاومت آلمانی‌ها تهیه شد. همچنین طرح ایجاد جبهه دوم و پیاده شدن قوای آمریکایی، انگلیسی، کانادایی و فرانسه آزاد در سواحل نورماندی فرانسه در ۱۶ خرداد ۱۳۲۳ و ضد حمله بزرگ ارتش سرخ شوروی به نیروهای آلمان با هدف بیرون راندن قطعی آلمانی‌ها از خاک شوروی در تیر ۱۳۲۳ از جمله مسائلی بود که در این نشست درباره آنها تصمیم‌گیری شد.

بر اساس اسناد و مدارک محرمانه‌ای که بعدها درباره مذاکرات کنفرانس تهران منتشر شد، استالین در این کنفرانس علاوه بر طرح مباحثی پیرامون مسائل بین‌المللی مرتبط با جنگ، بحث درباره منابع نفتی ایران و کشورهای ساحلی خلیج فارس را نیز پیش کشید و خواستار توافقی درباره تقسیم این منابع در آینده شد. با این حال چرچیل با بیان اینکه الان زمان مناسبی برای طرح این مسائل نیست، گفت که مسائل اقتصادی جهان باید به طور کلی در پایان جنگ مورد بررسی قرار بگیرد. اما بزرگترین موفقیتی که در کنفرانس تهران نصیب استالین شد، نزدیکی به روزولت و جلب اعتماد او بود که نتایج خود را در مدت باقیمانده جنگ و کنفرانس یالتا نشان داد.

کنفرانس سران سه کشور بزرگ در تهران در اعلامیه پایانی خود که شامل یک مقدمه، ۹ فصل و ۶ ضمیمه بود، استقلال و تمامیت ارضی ایران را نیز تضمین کرد و تعهد قبلی انگلستان و شوروی را درباره تخلیه ایران به فاصله شش ماه بعد از پایان جنگ مورد تأیید قرار داد، ولی امضاکنندگان این اعلامیه، چندان پایبندی به تعهد خود راجع به ایران نشان ندادند؛ بدین معنی که پافشاری انگلیس و شوروی بر کسب امتیازات نفتی از دولت ایران و بخصوص اقدام روس‌ها در منوط ساختن خروج نیروهایشان از ایران به اخذ امتیاز نفتی دریای خزر، نقض آشکار حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران و نقض تعهداتشان در اعلامیه یاد شده بود. □

روز ۶ آذر ۱۳۲۲ و در میانه جنگ دوم جهانی، کنفرانس چهارروزه رهبران سه کشور عضو متفقین، فرانکلین روزولت رئیس‌جمهور آمریکا، وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلیس و ژوزف استالین رهبر اتحاد جماهیر شوروی، در تهران آغاز به کار کرد. کشورهای بزرگ متفق که در جنگ علیه کشورهای محور یعنی آلمان، ایتالیا و ژاپن در کنار یکدیگر قرار داشتند، در مجموع تا پایان جنگ سه کنفرانس مهم در تهران، یالتا و پتسدام تشکیل دادند که در جریان این نشست‌ها ضمن طرح نقشه‌های جنگی و استراتژی نظامی خود در طول جنگ، درباره اوضاع جهان بعد از پایان جنگ و تقسیم ممالک جهان به مناطق نفوذ به توافق‌هایی رسیدند. قسمتی از این توافقات و قول و قرارها پس از پایان جنگ جامه عمل پوشید و برخی دیگر موجب بروز اختلاف و سوءتعبیرهایی شد که اختلافات شرق و غرب و آغاز جنگ سرد و تقسیم جهان به دو بلوک همگی از این سوءتعبیرها نشأت گرفت.

کنفرانس تهران که در فاصله روزهای ششم تا نهم آذر ۱۳۲۲ و همزمان با چهارمین سال جنگ دوم جهانی تشکیل شد، تمام وقت خود را صرف طرح نقشه‌های جنگی و مراحل بعدی نبرد تا شکست کامل آلمان و حل مسائل مربوط به بعد از پیروزی را به کنفرانس دیگری موکول کردند. انتخاب تهران برای تشکیل اجلاس رهبران متفقین، از مصوبات وزیران خارجه آمریکا، انگلیس و شوروی در مسکو بود. کنفرانس تهران در محل سفارت شوروی برگزار شد و شاه نیز برای شرکت در کنفرانس ناگزیر بود به سفارت برود. در جریان کنفرانس، چرچیل و روزولت حاضر نشدند به دیدار شاه بروند و با وی تنها در محل سفارت دیدار کردند. دیدار استالین با شاه در کاخ مرمر نیز با تلاش و خواهش یکی از اطرافیان شاه به نام احمد علی سپهر (مورخ الدوله) از مسئولان سفارت شوروی صورت گرفت.

علاوه بر این با وجود آنکه واشنگتن و لندن، پیشنهاد مسکو را برای تشکیل اجلاس رهبران آمریکا، انگلیس و شوروی در تهران پذیرفته بودند ولی به هیچ وجه دولت ایران را در جریان تصمیم خود برای تشکیل کنفرانس در تهران قرار ندادند و حتی از مذاکرات خود در کنفرانس نیز خبری به مسئولان ایرانی داده نشد. تنها در روز ورود رهبران متفقین، علی‌سپهلی نخست‌وزیر وقت ایران در جریان سفر این سه قرار داده شد.

راهپیمایی‌ها و تجمعات اعتراضی پدید آمد. نخستین حرکت عملی در این زمینه تظاهرات روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به نشانه اعتراض بود.

در روز ۱۴ آذر ۱۳۳۲ با ورود دنیس رایت، کاردار جدید سفارت انگلیس به ایران دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی، دندانپزشکی، فنی، پزشکی و داروسازی در دانشکده‌های خود تظاهرات پرشوری علیه رژیم کودتا و مقاصد آن برپا کردند که در روز ۱۵ آذرماه این تظاهرات به خارج از دانشگاه کشیده شد و ماموران انتظامی در زد و خورد با دانشجویان، شماری را مجروح و گروهی را دستگیر و زندانی کردند. مجموعه این رویدادها و اعتراضات پیگیر دانشجویان پس از کودتا، که یکی از مهم‌ترین قطب‌های فعال و مخالف دولت را تشکیل می‌دادند، رژیم را بر آن داشت که با استقرار دائمی گروهی از نظامیان در محوطه دانشگاه، اقتدار خود را به آنها نشان دهد. اینچنین بود که در یک اقدام کم سابقه در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، نیروهای لشکر ۲ رزمی به دانشگاه تهران اعزام شدند.

از آنجا که در روز پس از این اقدام نیکسون معاون وقت رییس جمهوری امریکا وارد تهران شد، برخی نوع واحد نظامی اعزامی به دانشگاه، عملکرد آنان و تشویق‌های بعدی مهاجمان به دانشگاه تهران از سوی ارتش و ارتقاء درجه آن‌ها را به عنوان نشانه‌ای از قصد قبلی دولت کودتا برای سرکوب دانشجویان در آستانه ورود وی به حساب می‌آوردند.

دکتر مصطفی چمران که خود از دانشجویان دانشکده فنی بوده و در روز حادثه در کلاس درس حضور داشته است در خاطرات خود این روز را اینگونه توصیف می‌کند: «صبح شانزده آذر هنگام ورود به دانشگاه، دانشجویان متوجه تجهیزاتی فوق‌العاده سربازان و اوضاع غیرعادی اطراف دانشگاه شده و وقوع حادثه‌ای را پیش‌بینی می‌کردند. نقشه پلید هیات حاکمه بر همه واضح بود و دانشجویان حتی الامکان سعی می‌کردند که به هیچ وجه بهانه‌ای به دست بهانه‌جویان ندهند، از این رو دانشجویان با کمال خونسردی و احتیاط به کلاس رفتند و سربازان به راهنمایی عده‌ای کارآگاه به راه افتادند. ساعت اول بدون حادثه مهمی گذشت و چون بهانه‌ای به دست آنان نیامد به داخل دانشکده‌ها هجوم آوردند. آنها نقشه کشتن و شقه کردن دانشجویان را کشیده بودند و این دستور از مقامات بالاتری به آنها داده شده بود. سربازان به دانشکده‌ها حمله کردند و بدین ترتیب سه تن از دانشجویان به نام‌های (مهدی شریعت‌رضوی، احمد قندچی و مصطفی بزرگ‌نیا) به شهادت رسیدند و ۲۷ نفر دیگر دستگیر و عده زیادی مجروح شدند.»

به هر ترتیب حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به عنوان یک روز «مقاومت تاریخی» در تاریخ دانشگاه تهران ثبت شد. چنان که از آن پس همه ساله، دانشجویان دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های ایران مراسمی به یاد شهیدان آن روز برپا کردند. پس از پیروزی انقلاب روز ۱۶ آذر به عنوان «روز دانشجو» در تقویم گنجانده شد. □



۱۶ آذر ۱۳۳۲، سه دانشجوی دانشگاه تهران شهید شدند

لاله‌های درخون خفته

در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در پی یورش نیروهای امنیتی و گارد به دانشکده فنی دانشگاه تهران و درگیری میان آنان و دانشجویان، سه دانشجوی این دانشگاه به نام‌های آذر شریعت‌رضوی، مصطفی بزرگ‌نیا و احمد قندچی کشته و گروه دیگری مجروح و بازداشت شدند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت دکتر مصدق با همکاری عوامل امریکا و انگلیس و جایگزینی ارتشبد زاهدی، دولت کودتا به تحدید آزادی‌ها و سرکوبی فعالان سیاسی پرداخت و کشور را عملاً به سمت وابستگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی به غرب سوق داد. در مقابل نیروهای ملی با تشکیل «نهضت مقاومت ملی» که یک روز پس از کودتا صورت گرفت، سعی کردند فضای اختناق را شکسته و برای گسترش اندیشه‌های استقلال طلبانه، فعالیت‌هایی را سازماندهی کنند. پس از بازگشایی دانشگاه در مهرماه ۱۳۳۲، جنب و جوش زیادی در میان دانشجویان برای فعالیت‌های سیاسی و برگزاری

۱۰ آذر سالروز شهادت مدرس نماینده ملت

ملت ایران راه نمی‌کند

«در نجف پیشنهاد و اصرار می‌شد برای مرجعیت شیعیان (و به عقیده خودم مسلمانان) به کشور هند بروم و به کار تشکیل حوزه و مجامع اسلامی بپردازم. گفتم: ملت ایران متحمل هزینه سنگین شده و مرا برای خدمتگزاری در این مرتبه آورده است. حالا که نیاز دارد، آنان راه را نمی‌کنم. معتقدم خدمتگزار باید بومی باشد که درد مخدوم را بفهمد. خادم و مخدوم را همدلی، هم‌زبانی و همدردی، در اصلاح امور، قدرت و همت می‌دهد. هیچکدام از حکامی که از مملکتی به مملکت دیگر فرستاده شدند و یا تسلط یافتند، برای ملت آن کشور نتوانستند کاری انجام دهند. در تاریخ نمونه‌های زیادی هم داریم؛ در مصر، ایران و هند و بسیار جاهای دیگر.

همه ممالک اسلامی، خانه من است ولی در میان این کشورها من به ایران بیشتر علاقمندم و در ایران هم به سرابه و اسفه (سرابه، محلی از روستای کچو مثنال اردستان، زادگاه مدرس و اسفه، روستایی است که زیستگاه ایشان بوده است). آنجا با فضایش اخت گرفته‌ام. می‌دانم کجایش خراب است، کجایش آباد است، چه دارد و چه ندارد، آتش از کجاست، نانش از کجاست، باغش، زمینش، محصولش چیست و از کیست. برای خراب کردن و آباد کردن، اطلاعاتم زیادترو حاصل کار رضایت بخش‌تر است.»

چرا هند از دست رفت؟

«وقتی به اصفهان رسیدم، به خواندن تاریخ هند و چین علاقمند شدم. در این باره کتاب و نوشته بسیار کم بود. ناچاراً سراغ کسانی رفتم که در این مملکت‌ها بوده‌اند و چیزهایی از آنجا می‌دانند. تاجری در اصفهان بود. یک هندی [نزد او] می‌آمد و برایم آنچه از تاریخ هند می‌دانست، می‌گفت. کتاب‌هایی هم از هند برایم می‌خواند و گاهی

ترجمه می‌کرد. فهمیدم که هند زمانی از دست رفت که از لحاظ اقتصادی به زانو درآمد. و امپراطوری انگلیس دو چیز را با تأسیس شرکت تجارتی از آن گرفت: اول «مالش» را و دوم «حالش» را و هند شد قلمرو انگلیس.» «در جریان تأسیس بانک ملی، در بسیاری از شهرهای کوچک، زن‌ها برای خرید سهام شرکت، زیورات خود را از سر و گردن گشودند. در همان زمان رجال جهان‌نیده گفتند: چشم بد دور. محال است مستعمره جویان اجازه بدهند چنین حال و احساسات و چنین ایمانی در یک ملت شرقی رشد و نمو نماید.»



اسمش مترادف است با مبارزه، مبارزه‌ای خستگی‌ناپذیر با ظلم؛ چه از سوی استبداد باشد و چه استعمار. اما ابعاد دیگر شخصیت با عظمتش اغلب پشت همین ویژگی برجسته، پنهان و باعث شده کمتر درباره خصوصیات غیرسیاسی و مبارزاتی او بشنویم. دهم آذر، سالروز شهادت «سید حسن قمشه‌ای اسفه‌ای» مشهور به «مدرس» است که نسیبش با ۳۱ واسطه به حضرت امام حسن مجتبی‌(ع) می‌رسید. عمر ۶۷ ساله آیت‌الله «سید حسن مدرس» در روستای «سرابه» و «اسفه» در استان اصفهان، نجف اشرف، بازگشت به اصفهان، تهران و کاشمر، پراست از نکته‌های ناب. روایت‌هایی که در این نوشته به نقل از شهید آیت‌الله مدرس آورده شده، برگرفته از کتاب «زرد» به قلم خود ایشان است. ■



.....

و در این جایگاه برای آگاه کردن مردم به حقوق اجتماعی سیاسی شان و سیاسی کردن عامه مردم تلاش های فراوانی کرد و تا وقتی به عنوان نماینده در مجلس حضور داشت، با ایستادگی در مقابل زیاده خواهان داخلی و خارجی، با تمام توان از حقوق ملت ایران دفاع کرد. به همین دلیل هم سالروز شهادت این نماینده وظیفه شناس به عنوان «روز مجلس» نامگذاری شده است.

وظایف سنگین نمایندگی مجلس اما باعث نشد آیت الله مدرس از مسئولیت های ذاتی اش غافل شود. ایشان بعد از ورود به تهران، در اولین فرصت جلسات درسش را در ایوان زیر ساعت در مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری) شروع و به همه اعلام کرد: «کار اصلی من، تدریس است و سیاست، کار دوم من است.» مدتی بعد هم تولیت این مدرسه علمیه را برعهده گرفت. آیت الله مدرس با این هدف که طلاب علوم دینی از اوقاتشان استفاده بیشتری ببرند و با جدیت بیشتری به درس و مباحثه بپردازند، برای اولین بار طرح امتحان طلاب را به مرحله اجرا درآورد.

❑ موکلان من باید بدانند چه می کنم

یک روز از جلسه مجلس شورای ملی به خانه برمی گشت که در راه سری هم به مغازه «مشهدی عبدالکریم» بقال زد تا ماست بخرد. بعد از سلام و احوالپرسی، در همان اثنا که مشهدی عبدالکریم مشغول وزن کردن ماست بود، آیت الله مدرس شروع به تعریف جریانات آن روز در مجلس کرد و گفت: «امروز چنان با اولتیماتوم روسیه مخالفت کردم که هیچ کدام از نماینده ها جرأت رد کردن استدلال هایم را پیدا نکردند.» یکی از اطرافیان آیت الله که همراه او در مغازه بود، گفت: «آقا! این که درست نیست که شما موضوعات مهم سیاسی مملکت را برای امثال مشهدی عبدالکریم بقال بگویید.» آیت الله گفت: «اینها موکلان من هستند و باید بدانند من در مجلس چه می کنم.»

❑ پول انگلیس

یک روز دو نفر که یکی از آنها فرنگی بود، به دیدار آیت الله آمدند. مردی که مترجم بود، گفت: «ایشان یکی از مأموران عالی رتبه سفارت انگلیس هستند. چکی تقدیم می کنند، برای اینکه هرطور صلاح بدانید، مصرف کنید.» آقا گفتند: «چک چیست؟» مترجم گفت: «چک، براتی است که بانک می گیرد و مبلغی که در آن قید شده را می پردازد.»

مدرس خندید و گفت: «به ایشان بگویید من پول و چک قبول ندارم. اگر خواست به من پول بدهد، باید تبدیل به طلا و بارشتر کند و ظهر روز جمعه و هنگام نماز به مدرسه سپهسالار بیاورد و آنجا اعلام کند که این محموله را مثلاً انگلستان یا هر جای دیگر برای مدرس فرستاده است تا آن وقت من قبول کنم.» بعد از ترجمه این سخنان، مرد فرنگی چیزی گفت. مترجم رو به آقا کرد و گفت: «ایشان می گویند شما می خواهید حیثیت ما را در دنیا نابود کنید.» مدرس خندید و گفت: «به ایشان بگویید از نابودی چیزی که ندارید، نترسید.» □

❑ خبرچین ظل السلطان

«زمانی که مردم با ظل السلطان اختلاف داشتند و من هم یکی از آنان بودم، یک روز ۳ نفر در مدرسه در جلسه درس من حاضر شدند. رفتار و نشست و برخاست طلبه ها معلوم است و ما آخوندها به خوبی می توانیم طلبه را از غیر طلبه تشخیص بدهیم. وقتی این ۳ نفر با لباس نو و تمیز از در مدرسه وارد شدند، متوجه شدم بلد نیستند با نعلین نو خود راه بروند. با اینکه به خوبی برایم روشن بود فرستادگان حاکم اند، بعد از خاتمه درس آنان را به خانه بردم.

در هشتی (دالان) نشستیم و نان و دوغ خوردیم. گفتم: مأموریت شما خوب است یا بد، من کاری ندارم، مربوط به خود شماست. ولی حالا که اینجا آمده اید، سعی کنید چیزی هم یاد بگیرید. آنقدر ساده بودند که خیال کردند من غیب می دانم. گفتند: چه کنیم، ظل السلطان ما را می کشد. باید به او از شما خبر بدهیم. گفتم: ولی باید مطالب مرا که می گویم، بفهمید تا بتوانید به او خبر بدهید. این ها که من می گویم، چیزهایی است که اگر درست به او بگویید، او هم چیزی می فهمد و به شما مرتبه و مقام می دهد. هر روز صبح بیایید، می گویم برادرم و خواهرزاده ام به شما درس بدهند. اینکه بد نیست. کار خودتان را هم بدون دغدغه انجام بدهید. برای خرید کتاب و وسایل لازم دیگر هم می گویم از موقوفات مدرسه مقداری به شما بدهند.

این ها می آمدند و صبح در حجره سیدعلی اکبر و میرزا حسین درس می خواندند و در پای درس هم می نشستند. کم کم ظل السلطان را ول کردند و به درستی طلبه شدند. چیزهایی یاد گرفتند، روضه خوان شدند. ایام محرم آنان را به جرقویه و روستاهای اطراف می فرستادم. کار و بارشان گرفت. از خبرچینی به روضه خوانی رسیدند و آدم های خوبی شدند.

همین ها در کار ساختن آسیاب، حمام، کاروانسرا و دیگر بناهای اسفه مؤثر واقع شدند. یکی از آن ها که بنای خوبی بود، در وقت طاق زدن هم عمامه اش را از سر بر نمی داشت. می گفت: آقا شما گفتید این لباس، لباس کار و زحمت کشیدن است و اضافه اینکه، اگر پاره آجری هم بر سرم خورد، عمامه نمی گذارد سرم را بشکند.

انسان، انسان است. خوب است. نیازمندی و بدی ها او را از کار راست و درست منحرف می کنند. خودخواهی، آدم را می بلعد. بهترین انسان ها، از بازار آشفته برای مردم استفاده می کنند و بدترین مردم برای خود.»

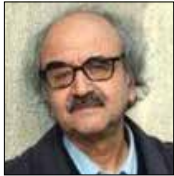
❑ سیاست، کار دوم من است

با تشکیل مجلس شورای ملی بعد از استبداد صغیر، آیت الله مدرس از طرف آیات عظام «ملا محمد کاظم خراسانی» و «عبدالله مازندرانی» به عنوان یکی از مجتهدانی که طبق قانون اساسی مشروطه باید برهماهنگی مصوبات مجلس با شرع اسلام نظارت داشته باشند، به این مجلس معرفی شد. بعد از آن هم ایشان تا دوره ششم به عنوان نماینده مردم تهران در مجلس شورای ملی حضور داشت

مرگ به اندوه و تشویش افتاده است که از هوشیاری و آگاهی خود نیز، رنج می برد.

دکتر شفیعی کدکنی: بودن و نبودن

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در خصوص جایگاه و اندیشه های خیام بر این باور است که این حکیم و فیلسوف رباعی سرا، بی گمان در درجه والایی از علوم عصر خویش بوده



است و بی گمان در حدی فراتر از خاقانی و انوری. بخش دیگری از دیدگاه های این شاعر و استاد ادبیات در خصوص خیام، که در کتاب «شفیعی کدکنی و هزاران انسان» جمع آوری شده است بر این قرار است: جهان بینی خیام حاصل احاطه عمیقی است بر مجموعه معارف بشری عصر او، اما او به هیچ وجه میان فهم شعر خود و داشتن آن درجه از اطلاعات، رابطه ای ناگزیر برقرار نکرده و هم چنین است جلال الدین مولانا. حکیم عمر خیام را اگر در تمام وجوه اندیشه، با فردوسی و ناصر خسرو نتوانیم از یک نوع بدانیم، در تکیه به خرد و بسیاری مبانی اندیشه، او را با ایشان از یک خانواده فکری می شناسیم. شعر خیام، اعتراض است به کارگاه خلقت، جامی است که عقل، آفرین می زندش. در ادب فارسی، یکی از بزرگترین آثار اندیشه بشری یعنی رباعیات خیام در قالبی به نام رباعی است. از این رو خیام مرکزی شده است برای انتساب رباعی های عاشقانه و عارفانه، همان طور که هرچه رباعی مستانه و ملحدانه ای بوده است، به خیام انتساب یافته است و باید گفت که خیام جز چند رباعی مسلم الصدور، از خود چیزی ندارد. نکته قابل توجه در شعر خیام استفاده از موتیف (مضمون) «کوزه گر» برای مساله مرگ و زندگی است که پیش از او کمتر نمونه هایی با این مضمون شاهد بوده ایم و شاید خیام نخستین شاعری باشد که از این موتیف، بهره های گوناگون برده است.

محمد علی اسلامی ندوشن: شاعری پرسشگر

محمد علی اسلامی ندوشن، ویژگی اصلی اندیشه های خیام را پرسشگری می داند و در این زمینه می گوید: خیام همواره روی نقاط اصلی زندگی بشر دست گذاشته و هسته اصلی و



بنیادین رباعیات خیام، طرح همین پرسش هاست. خیام در زمان حیات خویش، به عنوان شاعر معروف نبود؛ بلکه سال ها بعد، نامش در تذکره ها مطرح شد و در دنیای امروز نیز به خاطر ترجمه های خوب فیتز جرالد، در سراسر جهان، شهرت یافته است. او در طول زندگی اش به عنوان ریاضی دان و فیلسوف مشهور بود و این در حالی است که معاصرانش از رباعی هایی که امروزه مایه شهرت و افتخار او هستند، بی خبر بودند. □



دیدگاه ۳ محقق معاصر به مناسبت ۱۲ آذر سالروز درگذشت خیام

نه تومانی و نه من

عبدالحسین زرین کوب: حکایت حکیمی سرخورده



عبدالحسین زرین کوب در کتاب «با کاروان حله» در خصوص بینش غم زده و یاس آور خیام نسبت به زندگی انسان، این گونه نوشته است: آنچه موجب شده تا خیام دنیا را این چنین تیره و غمگین و بی سرانجام بباید، این است که لطایف و خوشی ها و زیبایی های جهان، پایدار نیست و دوام و بقایی ندارد، ورنه وی برخلاف معزی، شادی ها و زیبایی های جهان را نه فراموش می کند و نه از دست می دهد. اندیشه فرصت جویی و عشرت طلبی نیز در او از همین جاست. به اقتضای لذت عاجل، بیشتر اهمیت می دهد و نگران وحشت آجل نیست. این پژوهشگر هم چنین در بخشی از کتاب خود در خصوص پیام خیام نیشابوری می گوید: همین خیام شاعر است که به رغم بدبینی و نومیدی ظاهری، پیام دلنشین عبرت آموز و هنوز از ورای خاموشی رفته ها و فراموشی گذشته ها، در گوش جان ها طنین می اندازد. پیام او پیام حکیم سرخورده ای است که همه چیز را دیده و همه چیز را شناخته و آزموده است، جز نومیدی و بی سرانجامی و جز شک و تردید هیچ نیافته است. پیام خردمندی است که نه در فلسفه و ریاضی درد جانکاه نومیدی اش را درمان کرده است و نه ایمان و عرفان، او را امیدوار و خوش بین و مطمئن ساخته است؛ به همین جهت اندیشه او جز شک و حیرت و جز مرگ و نومیدی، چیزی در جهان نیافته است و سراسر جهان برای او در ظلمت شک و ابهام و درد و اندوه فرورفته است و در این ظلمت و ابهام، چنان جانش از بیم



در این شماره از «مهر و ماه» گزارش‌هایی از نشست ویدئو کنفرانسی حجت الاسلام و المسلمین معزی با مسئولان دفاتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، تجدید میثاق دبیرکل و معاونان جمعیت هلال احمر با آرمان‌های امام راحل با حضور در حسینیه جماران، دیدار نماینده مقام معظم رهبری در هلال احمر با مدیرکل روابط عمومی این جمعیت، گفتگوی «مهر و ماه» با شاعر جوان و نجاتگر خلاق جمعیت هلال احمر و همچنین خبرهایی از فعالیت‌های دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در استان‌های بوشهر، خراسان رضوی، آذربایجان غربی، فارس، یزد، زنجان، چهارمحال و بختیاری، آذربایجان شرقی، خوزستان و اردبیل را خواهیم خواند.

هلال



لبیک هلال احمر به پیام رهبر انقلاب

بازدید از روستای زلزله‌زده ورنکش میانه

خداوند امدادگر است



اخلاق نیست. اینکه استکبار جهانی به ساحت نبی اکرم (ص) توهین می‌کند و آن را آزادی تعریف می‌کند، نشانگر خوی درندگی دشمنان اسلام است.

وی در ادامه نامگذاری هفته وحدت را نیز از سوی امام خمینی (ره) یک اقدام ارزشمند و جامعه‌ساز عنوان کرد و افزود: دنیای امروز، مانند روزگار صدر اسلام گرفتار دشمنان بد سیرت به مانند ابوسفیان‌ها و ابوجهل‌ها است. مسلمانان برای مقابله با این بدسیرتی نیازمند وحدت و یکپارچگی هستند، همه ما موحد و معتقد هستیم به خداوند متعال، مؤمن به نبوت پیامبر (ص) و یک قبله و کتاب داریم. (واعتصموا به حبل الله جميعاً ولا تفرقوا).

حجت الاسلام والمسلمین معزی همچنین یادآوری کرد: جمعیت هلال احمر در ایران در عرصه‌های گوناگون به ویژه در عرصه فرهنگ منطبق بر معارف اسلامی، در جهان پیشتاز و نمونه است. فرهنگ حاکم بر هلال احمر فرهنگ اسلامی است و بنابراین رویکرد هلال احمر باید منطبق با احکام و معارف و منبعث از جهان بینی اسلامی و سیره رفتاری بزرگان دین باشد.

❏ بسیج تمامی امکانات و توانمندی‌ها

حجت الاسلام والمسلمین معزی، نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر، در بخش دیگری از سخنان خود، خدمت‌رسانی به مردم را در شرایط کنونی بسیار مهم و دارای ارزش معنوی دانست و خواستار بسیج تمامی امکانات و توانمندی‌های هلال احمر در جهت مقابله با این بحران شد.

وی حضور مؤثر مسئولان دفاتر در جلسات ستادی و بهره‌گیری از ظرفیت کانون‌های طلاب را از جمله اقدامات دفاتر نمایندگی ولی فقیه در استان‌های مختلف برشمرد و در این خصوص بیان کرد: همراهی و همدلی در مقابله با این ویروس منحوس بی‌نظیر بوده است و مردم از هر قشری در این عرصه خدمت‌رسانی مشارکت داشته‌اند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در ادامه با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت خیران در جمعیت هلال احمر افزود: برای جذب خیران نیز سعی و اهتمام ورزید، تعامل سازنده‌ای با بخش‌های دیگر جمعیت و معتمدان محلی برقرار کنید و مشارکت آنها در تحقق اهداف بشردوستانه و خیرخواهانه جمعیت هلال احمر را مدنظر قرار دهید.

نماینده رهبر معظم انقلاب رویکرد اخلاق مدار حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر را تبیین کرد

نظارت بر حفظ سرمایه‌های مادی و معنوی هلال احمر

حجت الاسلام والمسلمین معزی در نشست ویدیو کنفرانسی با مسئولان دفاتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، ضمن مرور مهمترین سرفصل‌های کاری دفاتر در استان‌ها و با اشاره به شرایط کنونی جامعه و هلال احمر، بر اخلاق مداری و تأسی به سیره نبوی در مهربانی و حسن خلق تأکید کرد.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر در این ارتباط تصویری ضمن قدردانی از فعالیت‌ها و اقدامات دفاتر نمایندگی در همراهی و نظارت بر برنامه‌های جمعیت در مقابله با ویروس کرونا، توصیه‌ها و رهنمودهای لازم را در مورد فعالیت‌های تبلیغی و امدادی ارائه کرد. حجت الاسلام والمسلمین معزی، در آغاز سخنان خود ضمن تبریک و تهنیت فرارسیدن هفته وحدت و میلاد فرخنده و خجسته پیامبر اسلام (ص) و رئیس مذهب شیعه، امام جعفر صادق (ع) به خانواده بزرگ جمعیت هلال احمر، گفت: پیامبر اسلام (ص) در تمام ادوار تاریخی و برای تمام جهانیان، پیامبر لطف، رحمت و مهربانی است، و ما از سُلَکِ الْإِسْلَامِ الْعَالَمِینِ (و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده‌ایم).

❏ پیامبر اسلام (ص): اسوه اخلاق

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه با تأکید بر جنبه اخلاق و رحمت در سیره پیامبر اکرم (ص) به بیان روایات متعدد از سیره و زندگی پیامبر اسلام (ص) پرداخت و افزود: اسلام دین اخلاق و صفات برجسته انسانی است. نقل شده است که از یکی از معصومین (ع) پرسش شده است که آیا در آیین اسلام حب و دوستی وجود دارد؟ و معصوم در پاسخ می‌فرماید دین چیزی جز حب نیست. آیین اسلام را پیامبر با حب و مهر بنیان‌گذاری کرده است و بشر برای تکامل راه خود، نیاز به نهادینه سازی این اخلاق و سیره رفتاری دارد. همان‌طور که پیامبر اسلام می‌فرماید: «به راستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام». (يُعِثُ لَكُمْ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ). اگرچه دیگر پیامبران نیز مروجان اخلاق در جامعه خود بوده‌اند، پیامبر اسلام (ص) اخلاق را به نقطه نهایت و غایی خود رساند و اخلاقی را بنیان نهاد که زندگی دنیا و آخرت را سعادت‌مند می‌سازد.

❏ تقبیح اهانت به نبی مکرم اسلام (ص)

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه جامعه اسلامی را جامعه خدمت‌گذار، شکیبا، انسان دوست، احسان‌گرو عادل برشمرد. نماینده رهبر معظم انقلاب همچنین با اشاره به حوادث فرانسه و تقبیح اهانت به نبی مکرم اسلام (ص) به بهانه آزادی، افزود: آزادی مقابل



۴. **قدردانی از مشارکت در مقابله با کرونا**

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه با بیان اینکه دفاتر نمایندگی ولی فقیه در استان‌ها نیز تاکنون با بهره‌مندی از ظرفیت کانون‌های طلاب و ائمه جماعات در همیاری و همکاری با بخش‌های مختلف جمعیت سعی بلیغ و تلاش وافر داشته‌اند از حضور فعالانه و مشارکت گسترده مسئولان دفاتر، امامان جماعت شعب و کانون‌های طلاب در کمک به مردم تقدیر و قدردانی کرد. وی همچنین ابراز امیدواری کرد که با استعانت از الطاف الهی و رهنمودهای مقام معظم رهبری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های هلال احمر، ملت عزیز ایران اسلامی از این چالش و مشقت تلخ و سخت تاریخی نیز رهایی یابد.

۴. **اهمیت حضور مردم**

نماینده رهبر معظم انقلاب در بخش دیگر سخنان خود به اهمیت حضور محوری مردم در جمعیت هلال احمر پرداخت. وی با بیان اینکه جنبه مردمی هلال احمر باید تقویت شود، خاطرنشان کرد: ارتباط با داوطلبان، خیران، جوانان و امدادگران محور جدی فعالیت مسئولان دفاتر در استان‌هاست.

وی با بیان اینکه نباید شرایط حاد کنونی و شیوع ویروس کرونا سبب قطع ارتباط‌ها شود، افزود: مسئولان دفاتر با بهره‌گیری از ابزارهای لازم این ارتباط‌ها را به صورت مستمر، هدفمند و دوستانه دنبال کنند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با تأکید بر این که ادامه فراگیری ویروس کرونا مسئولیت هلال احمر در کاهش رنج‌های مردم را دو چندان کرده است، مقابله با بیماری و حفظ سلامت شهروندان و همچنین کمک به نیازمندان از لحاظ اقتصادی را از محورهای اصلی وظایف جمعیت هلال دانست و افزود: همان‌طور که مقام معظم رهبری تأکید کردند برای عبور از وضعیت فعلی نیازمند حضور جوانان مؤمن، داوطلب، مخلص و صالح در عرصه مقابله با کرونا ویروس هستیم.

وی در ادامه ابراز امیدواری کرد که با حضور و مجاهدت حداکثری خانواده جمعیت هلال احمر و با عنایت رحیمانه خداوند، مردم از شر این بیماری و ویروس منحوس رهایی یابند. حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه با اشاره به رهنمودهای مقام معظم رهبری توجه به ادعیه و تضرع و توسل برای رفع مشکل را نیز یکی از نکات مهم برشمرد.

۴. **نظارت جدی بر موقوفات**

در ارتباط تصویری نماینده رهبر معظم انقلاب با مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر بر نظارت جدی بر موقوفات، ارائه مسائل، پیشنهادها و مشکلات در این خصوص نیز تأکید شد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی خاطرنشان کرد: در برخی از موارد موقوفاتی در خلاف نیت واقف مورد استفاده اداری یا اقتصادی غیر مرتبط قرار گرفته که در این زمینه اغماض و سهل‌گیری خلاف شرع است و باید این موضوع

مورد پیگیری و نظارت دفاتر قرار گیرد. حجت الاسلام والمسلمین معزی همچنین در این نشست صمیمانه بر لزوم بهره‌گیری از ظرفیت‌های شورای امر به معروف در موضوع کرونا تأکید کرد.

نماینده رهبر معظم انقلاب در پایان با بیان اینکه جمعیت با تنگناهای مالی مواجه است، افزود: نباید این تنگناهای مالی باعث ایجاد خللی در وظایف جمعیت هلال احمر شود و یا رسیدگی به تعهدات کارکنان و امدادگران به طور کامل صورت نپذیرد. باید برای تأمین منابع لازم فکر عاجل شود تا حقوق همکاران تضییع نگردد و به وعده‌ها در استخدام و بیمه امدادگران هم عمل شود.

در ادامه این نشست معاونین و تعدادی از مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان‌ها نیز به ارائه نقطه نظرات و پیشنهادها و گزارشی از وضعیت استان و عملکرد جمعیت در خصوص مقابله با کرونا و فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی ارائه کردند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر در بخشی از سخنان خود با اشاره به انتصابات گسترده چند ماه اخیر گفت: غیر از عده معدودی که متخلف بودند اکثر مدیران و کارکنان جمعیت پاکدست و کاردان هستند. سرمایه اصلی هلال که اعتماد عمومی و همدلی و انسجام داخلی است نباید خدشه دار شود. امیدوارم افراد جدید نیز بتوانند به سرعت با وظایف و مأموریت‌های هلال منطبق شوند و در مسیر جمعیت وقفه ایجاد نشود.

۴. **نظرات مسئولان دفاتر**

در این جلسه که به صورت ویدیو کنفرانس در سالن مرکز کنترل و هماهنگی ساختمان صلح برگزار شد، حجت الاسلام والمسلمین ذاکری، معاون امور شرعی و نظارت حوزه نمایندگی ولی فقیه نیز ضمن ابراز خرسندی از برگزاری چنین جلساتی، گفت: در حوزه نظارت، عملکرد مسئولان دفاتر نمایندگی، مانع پیدایش و گسترش تخلفات در جمعیت هلال احمر می‌شود. صص ۳ دکتر یاسر احمدوند، معاون فرهنگی و امور استان‌ها نیز از تلاش‌های جدی و مجاهدت مسئولان دفاتر در استان‌ها در پیشبرد برنامه‌ها و مأموریت‌های حوزه نمایندگی ولی فقیه قدردانی کرد.

عبدالمجید معزی، مشاور نماینده ولی فقیه در هلال احمر و مدیرکل حوزه نمایندگی نیز ضمن ابراز خرسندی از تعامل ایجاد شده در حوزه نمایندگی ولی فقیه، بر اهمیت رسیدگی در پیشبرد و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌ها تأکید کرد.

در این نشست مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان امداد و نجات، استان‌های گیلان، کهگیلویه و بویراحمر، خراسان شمالی، مازندران، هرمزگان، اصفهان، گلستان و آذربایجان شرقی به ارائه پیشنهادهایی در خصوص ارتقاء فعالیت‌های مربوطه پرداختند.

بهره‌گیری از فضای مجازی در تقویت برنامه تبلیغی، افزایش هماهنگی و تعامل با واحدهای جمعیت، ارائه گزارش اجمالی از فعالیت‌ها و تجلیل از خدمات طلاب از جمله موارد پیشنهادی در این نشست بود. □

نماینده رهبر

معظم انقلاب با

تأکید بر اهمیت

حضور محوری

مردم در جمعیت

هلال احمر با

بیان اینکه جنبه

مردمی هلال

احمر باید تقویت

شود، خاطرنشان

کرد: ارتباط

با داوطلبان،

خیران، جوانان و

امدادگران محور

جدی فعالیت

مسئولان دفاتر در

استان‌هاست



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر بوشهر:

رزمایش کمک مؤمنانه سند افتخار ایران اسلامی است

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر بوشهر در آیین تجلیل از عوامل اجرای طرح نذرآب، ضمن تأکید بر بهره‌گیری از تعالیم تربیتی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) گفت: خدمت به مردم یکی از ارزشمندترین جلوه‌های عبادت اجتماعی است. رزمایش کمک مؤمنانه سند افتخار



ایران اسلامی است که در تاریخ ملت ایران ماندگار شد.

حجت الاسلام والمسلمین دشتی ضمن تشکر از تلاش‌های کادر درمان گفت: امروز علاوه بر تلاش جهادگونه کادر بهداشتی و درمانی در بیمارستان‌ها برخی از نیروهای جهادی و داوطلب هم در این میدان حضور دارند و هلال احمر پیشتازترین سازمانی است که هنگام بحران خدمات رسانی را آغاز می‌نماید و در حوادث باعث دلگرمی و قوت قلب مردم است.

وی به اقدامات جمعیت هلال احمر در مناسبت‌های مذهبی هم اشاره کرد و افزود: ضمن قدردانی از حضور عوامل امدادی در مراسم‌های مختلف مذهبی، شاهد تنوع خدمت در هلال احمر نیز هستیم و راه اندازی خانه‌های هلال روستایی و برنامه نذرآب در مناطق محروم نمونه و نمادی از حرکت‌های جهادی و بشردوستانه جمعیت هلال احمر است.

دکتر غلامرضا حاجیانی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان بوشهر هم در آیین تجلیل از عوامل اجرایی طرح نذرآب ۳ گفت: جمعیت هلال احمر استان ظرفیت ارائه خدمات فرا استانی را داراست و این استان در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی کشور می‌درخشد و با تلاش امدادگران، جوانان، داوطلبان و کارکنان جمعیت هلال احمر بوشهر شاهد افتخار آفرینی‌های بسیاری هستیم.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان بوشهر در پایان گفت: جمعیت هلال احمر استان بوشهر طرح ملی نذرآب را با تعامل و تلاش‌های اعضای برگزار کرد و شعبه‌های جمعیت هلال احمر در شهرستان‌ها تلاش‌های و آفری در راستای جمع‌آوری کمک‌ها انجام داند و همکاری، هماهنگی و همدلی کارکنان و اعضای جمعیت

هلال احمر، زمینه پیشرفت‌های روزافزون این جمعیت را فراهم می‌نماید. □



لیک هلال احمر به پیام رهبر انقلاب

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای ستاد ملی مقابله با کرونا بر لزوم اتخاذ تصمیم‌های قاطع، اقناع افکار عمومی و همکاری همگانی تأکید فرمودند. در این دیدار معظم له با اشاره به حضور پرشمار نیروهای داوطلب در ماه‌های اول شیوع بیماری و خدمات مؤثر آنان همانند کمک به پرستاران، ضد عفونی کردن دستگاه‌ها و معابر، راهنمایی خانواده‌ها و کمک به افراد سالمند، بر استمرار این فعالیت‌ها تأکید کردند و از نیروهای داوطلب مخلص و جوانان مؤمن و صالح خواستند بار دیگر وارد میدان شوند. در همین خصوص دکتر همتی رئیس جمعیت هلال احمر نیز بر لبیک جوانان و داوطلبان جمعیت هلال احمر به درخواست مقام معظم رهبری (مدظله العالی) تأکید کرد. □



توسط مدیرعامل و مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر آذربایجان شرقی صورت گرفت

بازدید از روستای زلزله زده ورنکش میانه

به مناسبت نخستین سالگرد زلزله میانه و سراب مدیرعامل و مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی از روستای زلزله زده ورنکش بازدید کردند. به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی، دکتر حمید حسین پور و حجت الاسلام و المسلمین واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی و هیئت همراه با حضور در روستاهای زلزله زده ورنکش و ورزقان میانه از نزدیک با زلزله زدگان صحبت و در جریان روند امداد رسانی ها و بازسازی ها قرار گرفتند. یکسال پیش زلزله ای به بزرگی ۵ و هشت دهم در مقیاس ریشتر در بخش ترکمنچای از توابع شهرستان میانه به وقوع پیوست که موجب جان باختن ۵ تن از هموطنان در روستای ورنکش میانه و خرابی منازل مسکونی در روستاهای شهرستان های سراب و میانه واقع در دیواره ها و اضلاع شمالی و جنوبی ارتفاعات بزقوش گردید. □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان آذربایجان غربی:

در طرح آمران سلامت از ظرفیت کانون های طلاب استفاده شد

طرح آمران سلامت جمعیت هلال احمر با تعداد ۱۴۳ پست ثابت و سیار در سطح استان آذربایجان غربی اجرا و فعالیت می نماید.



حجت الاسلام و المسلمین بهزاد پیروزفر مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان آذربایجان غربی با اشاره به فرمایشات اخیر مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان ستاد ملی کرونا در خصوص استفاده از ظرفیت داوطلبان و جوانان برای مبارزه با ویروس کرونا، گفت: در جهت لیبک گفتن به اوامر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و براساس دستور رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، مقرر شد طرح آمران سلامت را در راستای پیشگیری از شیوع ویروس کرونا، با هدف ارائه توصیه های بهداشتی به هموطنان در رعایت پروتکل ها و حفظ فاصله اجتماعی را با استفاده از ظرفیت اعضای جوان و داوطلب جمعیت هلال احمر استان، در سطح منطقه و به ویژه معابر و مراکز پر تردد تمامی شهرستان ها در کمک به سلامت جامعه به مرحله اجرا درآید.

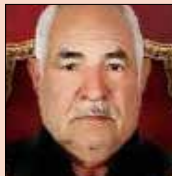
وی در جریان بازدید یکی از پایگاه های هلال احمر افزود: در طرح آمران سلامت از ظرفیت و فعالیت کانون های طلاب شهرستانها هم استفاده شده و دبیرخانه طرح آمران سلامت در معاونت امور جوانان جمعیت هلال احمر استان آذربایجان غربی راه اندازی گردید که تمامی امورات مربوط به این پست ها را پیگیری می نماید.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان آذربایجان غربی ابراز داشت: در همین راستا و در جهت تقویت اجرای این طرح در سطح استان ستاد امر به معروف و نهی از منکر و تمامی روحانیون و رابطین فرهنگی جمعیت هلال احمر استان فعال شده اند و به انجام وظیفه می پردازند. □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان یزد صادر کرد

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت پدر شهید امدادگر

حجت الاسلام و المسلمین مجتبی ششعی مسئول دفتر



نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان یزد در پیامی درگذشت پدر شهید امدادگر هلال احمر استان شهید اکبر غضنفری، شادروان حاج غلامحسین غضنفری نصرآباد را تسلیت گفت. به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان یزد: حجت الاسلام و المسلمین ششعی در پیام خود آورده است: بسم رب الشهداء و الصدیقین... من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قنی * نخبه ومنهم من ینتظروا ما بدلو اتبذیلاً... (احزاب/ ۲۳) برکت وجود پدر و مادر شهدا از جمله الطافی است که خداوند متعال نصیب این ملت نموده است. بزرگ مردمانی که در مسیر بندگی، خوش درخشیدند و رسالت خطیر خویش به انجام رسانیدند و با تاسی به اربابشان سید الشهداء علیه السلام برای دفاع از دینشان و آرمانشان، دست از پاره تنشان شستند و او را راهی قربانگاه عشق نمودند... و این مدال را از رب جلیل دریافت نمودند و چون فرزندشان جاودانه گردیدند... پدر شهید و چه زیبا مزدی... گوارایشان باد.

حال که تقدیر الهی بر این رقم خورد تا در ماه ولادت حضرت خیر الانام، در فراق پدر مکرم شهید امدادگر هلال احمر استان، شهید اکبر غضنفری، شادروان حاج غلامحسین غضنفری نصرآباد عزادار گردیم، اینجانب این مصیبت را محضر خانواده و بازماندگان محترمشان تسلیت عرض نموده، صبری جمیل برای ایشان و همجواری با فرزند شهیدش را برای آن مرحوم از درگاه خداوند مهربان مسئلت می نمایم. غفرالله لنا و له... ان شاء الله. □

برگزاری دهمین جلسه ستاد حوزوی بحران یزد

در نشست ماهانه پایگاه مقاومت بسیج هلال احمر آذربایجان شرقی تأکید شد

فعال سازی حلقه های صالحین ضروری است

با حضور مدیر عامل و مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و اعضا نشست ماهانه پایگاه مقاومت بسیج هلال احمر آذربایجان شرقی برگزار شد. در این نشست که در محوطه باز معاونت داوطلبان در ساختمان حافظ برگزار شد، دکتر حمید حسین پور مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان گفت: اهمیت کارهای بسیجی در شرایط فعلی بسیار مهم است، روحیه بسیجی بایستی در کارهای اداری ما جاری و ساری باشد برای اجرای مأموریت های بسیج همه باید اهتمام نمایند.

وی با اشاره به اجرای طرح های ابتکاری افزود: در راستای تقویت بسیج اجرای طرح ابتکاری (امدادگران بسیجی) در دستور کار قرار خواهد گرفت و به همین منظور لازم است پایگاه مقاومت بسیج هلال احمر نسبت به تشکیل کمیته های مربوطه و جذب امدادگران در هفته بسیج و برگزاری مراسم اعطای درجه به امدادگران بسیجی و بسیجیان امدادگرا اقدام نماید. دکتر حسین پور خاطر نشان کرد: امدادگران نیروهای پرانرژی هستند که می توانند منشأ تحول در هر حوزه ای باشند. وی با تأکید بر افزایش فعالیت های حلقه های صالحین گفت: فعال سازی حلقه های صالحین و فراهم نمودن تمهیدات لازم و برگزاری منظم جلسات روشنگری بسیار ضروری است. مدیر عامل استان در پایان با تصریح بر رعایت دقیق دستورات ستاد کرونا گفت: بایستی برگزاری هر برنامه در شرایط فعلی پیوست ستاد کرونا را به همراه داشته باشد.

حجت الاسلام والمسلمین واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی نیز در این نشست گفت: بسیجی رسالت مهمی دارد و بسیجیان زمینه سازان ظهور حضرت ولیعصر (عج) هستند. وی با اشاره به شاخصه های بسیجی افزود: علم، آگاهی، دانش، تدبیر و تقوا از شاخصه های بارز بسیجی است، بسیج پایبند به آرمان های نظام مقدس جمهوری اسلامی است. بسیجی بایستی عارف باشد و فروع دین را بداند و دانش و آگاهی از مسائل داشته باشد و خود مجری احکام باشد و اهل عمل باشد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی ادامه داد: الگوی بسیجی امام راحل و مقام معظم رهبری و شهدای بزرگوار هستند، بسیجی بایستی پایبند قوانین باشد.

در این نشست حسین خیرجو فرمانده پایگاه مقاومت بسیج شهدای هلال احمر توضیحاتی پیرامون برنامه های آتی پایگاه ارائه داد و در ادامه هر کدام از اعضا پیشنهادها و برنامه های خود را ارائه دادند. همچنین بنا بر گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی شورای امر به معروف و نهی از منکر جمعیت هلال احمر این استان با محوریت بحث کرونا برگزار و مقرر شد نسبت اجرای مفاد دستورالعمل ستاد کرونا اجرا و نظارت لازم به عمل آید. □

دهمین جلسه ستاد حوزوی بحران با حضور مدیر حوزه علمیه استان، مدیر مرکز خدمات، رئیس سازمان تبلیغات، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر و فرماندار یزد برگزار شد. در این جلسه جهت مقابله با ویروس کرونا به طرح محله محوری و پایش و غربالگری خانه به خانه با محوریت مساجد و پایگاه های بسیج تأکید شد و همچنین در مورد فعال کردن و استفاده از ظرفیت های مردمی، جهت خدمت رسانی به نیازمندان محلات بحث و گفتگو شد. در ادامه پیشنهاد شد قبل از اذان صوت و ترجمه دعای هفتم صحیفه سجاده ای از بلندگوی مساجد پخش گردد و همچنین بنر و پوسترهایی با موضوع دعا و استغفار در مساجد و محلات نصب شود. در ابتدای این جلسه فرماندار یزد ضمن تقدیر و تشکر از حضور طلاب جهادی در مقابله با ویروس کرونا گزارشی از درمان، وضعیت عمومی شهر و محلات ارائه نمود. □

مشارکت طلاب جهادی استان فارس در اجرای طرح «آمران سلامت»

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان فارس از فعالیت طلاب جهادی در قالب برپایی ایستگاه های تذکر لسانی و توزیع ماسک در سطح استان خبر داد.



حجت الاسلام والمسلمین علیرضا بهادری با اشاره به برپایی ایستگاه های تذکر لسانی در سطح استان اظهار داشت: طرح «آمران سلامت طلاب مدارس علمیه» به منظور کمک به سالم سازی فضای عمومی در جهت مقابله با ویروس کرونا در سطح استان برگزار شد. وی در ادامه با تصریح اینکه طرح آمران سلامت همزمان با کل کشور در استان فارس نیز اجرا شد، اضافه کرد: در همین راستا مجموعاً ۳۱۰ پست (ایستگاه تذکر لسانی بهداشتی) در سطح استان و ۵۰ پست در سطح شهر شیراز برپا شد که طلاب و روحانیون در برپایی ۵ ایستگاه با این مجموعه همکاری دارند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان فارس خاطر نشان کرد: حدود یک هزار نفر در طرح «آمران سلامت» با مجموعه هلال احمر همکاری می کنند. وی در پایان با اشاره به فعالیت کانون های طلاب جهادگر، مطرح کرد: ۱۵ کانون طلاب جهادگر در مدارس علمیه سطح استان وجود دارد. □



خانواده خیر مهریزی پایگاه امداد جاده‌ای می‌سازد

مسافرانی که این روزها مسیر استان یزد به فارس را طی می‌کنند، درست کنار شهر مهریز، چشمشان به ساختمان در حال ساخت پایگاه امدادی مهریزی می‌افتد که در یکی از جاده‌های پر حادثه یزد احداث می‌شود.

به گزارش روابط عمومی هلال احمر یزد: این پایگاه به همت یکی از خانواده‌های هلال احمری مهریز ساخته می‌شود و قصه‌ای شنیدنی دارد.

«مادرم عضو هلال احمر بود و همیشه اعضای خانواده را به فعالیت در هلال احمر تشویق می‌کرد.» محمد حسینی ۴۰ سال دارد و از ۲۵ سالگی به جمع هلال احمر مهریز یزد پیوسته است. او که همراه خواهران و برادرانش همگی به تشویق مادر با هلال احمر آشنا شده، سال‌ها به عنوان امدادگر در شهرستان مهریز فعالیت کرده و با وقوع زلزله بم، ۲ سال برای امداد رسانی و کمک به خانواده‌های زلزله زده در این شهر ماندگار شده است. حسینی می‌گوید: «چند سال پیش که مادرم فوت کرد، به همراه اعضای خانواده تصمیم گرفتیم برای زنده نگه داشتن یاد او، کاری ماندگار انجام دهیم. از تهیه ارزاق و کمک به نیازمندان، تا فرش کردن مسجد. اما اینها کافی نبود. می‌خواستیم کار ماندگاری انجام دهیم؛ کاری که می‌دانستیم اگر او هم زنده بود دلش می‌خواست به ثمر برسد.»

جاده پریچرخ و خم مهریز به سمت استان فارس تصادف و حادثه کم ندارد. نبود پایگاه امداد جاده‌ای باعث شده بود حداقل زمان رسیدن نیروهای امدادی به محل حادثه به نیم ساعت یا بیشتر از آن برسد. برای همین هم خانواده حسینی تصمیم به احداث پایگاه جاده‌ای در مهریز گرفت: «تصمیم گرفتیم پایگاه امداد جاده‌ای را به نام مادر مرحوم، فاطمه جعفری بسازیم. ساخت این پایگاه تقریباً یک میلیارد هزینه دارد و همه هزینه آن را خودمان متقبل شدیم.» در حال حاضر این پایگاه در زمینی به مساحت ۳۸۰ متر مربع در حال ساخت است و در مرحله اسکلت بندی قرار دارد. حسینی این پایگاه را با مشورت هلال احمر یزد و به پیشنهاد آنها می‌سازد: «وقتی موضوع را با هلال احمر استان مطرح کردیم خودشان پیشنهاد ساخت پایگاه مهریز را دادند. چون با وجود حوادث جاده‌ای و مسیر پرخطر این جاده، تصادف‌های زیادی در این جاده رخ می‌داد. ما هم از این پیشنهاد استقبال کردیم و کار شروع شد.»

حسینی که عضو هیات مدیره هلال احمر یزد، عضو مجمع هلال احمر یزد و عضو هیات رئیسه این مجمع، و عضو هیات مدیره هتل بیمارستان گاندی یزد هم هست می‌گوید: «من و خانواده‌ام هلال احمر را خانه خود می‌دانیم. علاوه بر فعالیت به عنوان امدادگر و داوطلب در جمعیت، امکانات درمانی بیمارستان را هم در اختیار هلال احمر گذاشته‌ایم و پرونده‌های بیماران نیازمند را که هلال احمر معرفی می‌کند به انجمن خیریه بیمارستان می‌سپاریم.» □

با سخنان مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان برگزار شد

آیین تکریم و معارفه مدیرعامل جمعیت استان چهارمحال و بختیاری

« آیین تکریم از خدمات سید احمد مرتضوی فرد و معارفه ایرج کیانی به عنوان مدیرعامل جمعیت

هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری برگزار شد. آیین تکریم از خدمات سید احمد مرتضوی فرد و معارفه ایرج کیانی به عنوان مدیرعامل جدید جمعیت هلال احمر استان با حضور دکتر نصیری رییس سازمان داوطلبان و سخنگوی جمعیت هلال احمر، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان، عضو شورای عالی، معاونین، روسای شعب و اعضای هیات مدیره استان در سالن جلسات جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری برگزار شد. در این مراسم، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان با تقدیر از تلاش‌های مدیرعامل سابق این جمعیت در استان اظهار داشت: هر پست و مقامی، عنایتی از طرف خداوند در جهت خدمت خالصانه به مردم است و باید افرادی که توفیق خدمت دارند، قدردان این فرصت‌ها باشند.

حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر جعفری افزود: اساس کار جمعیت هلال احمر، خدمت خالصانه بی ریا بدون هیچ چشم‌داشتی برای رفع آلام بشریت است و داوطلبان و نیروهای جمعیت هلال احمر در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، روحی و روانی در حوادث حضوری فعال و خالصانه دارند.

وی خاطر نشان کرد: خدمت به بشریت یکی از اصولی است که هر کس در هر پست و مقامی در این عرصه بیشتر در جهت خدمت، گام بردارد، به مردم نزدیک‌تر و نزد خدای متعال از جایگاه رفیع‌تری برخوردار است.

جعفری بیان کرد: یکی از اقدامات ارزشمند در تعیین مدیرعامل جمعیت هلال احمر این است که نیرویی توانمند، مخلص و دارای سعه صدر باشد چرا که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به ویژه جمعیت هلال احمر نیازمند چنین افرادی است.

جعفری افزود: به دلیل شیوع بیماری منحوس کرونا برخی از برنامه‌های جمعیت هلال احمر ناتمام مانده لذا از مدیریت جدید انتظار است رسالت سنگین خود در تکمیل این برنامه‌ها را با تمام توان نیرو و با روحیه خدمت‌رسانی در این مسئولیت جدید به عنوان امانتی بزرگ دنبال نماید. □



رغم قدمت و فعالیت صدساله این جمعیت - برای مردم هنوز ناشناخته مانده است. امروز، مردم هلال احمر را ارگانی می‌شناسند که در هنگام بروز حوادث به میدان می‌آید در حالی که این جمعیت، در انواع حوادث در کنار مردم است و علاوه بر آن، چتر خدمات انسان دوستانه و بشردوستانه هلال احمر با انجام خدماتی همچون حمایت از محرومان و نیازمندان با اهدای اقلام معیشتی و بهداشتی، اعزام کاروان‌های سلامت به مناطق محروم و... در سراسر کشور گسترده است. از سوی دیگر، هلال احمر یک نهاد بین‌المللی با وظایف و خدماتی شناخته شده در سطح جهان است و جمعیت‌های ملی ۱۹۰ کشور جهان با وضع قوانین مدون مرتبط با کشور خودشان در کنار هم قرار دارند و برای خدمت به نوع بشر تلاش می‌کنند.

وی تأکید کرد: بنابراین با وجود فضای گسترده شبکه‌های مجازی در عصر حاضر با توجه به گستردگی توانمندی و ظرفیت بالقوه جمعیت هلال احمر، باید برای شناساندن خدمات هلال احمر به مردم تلاش بیشتری انجام شود. در همین راستا لازم است خدمات هلال در بزرگترین حوادث ۴۰ سال اخیر به مردم معرفی شود. جمعیت هلال احمر در ۴۰ سال گذشته حداقل ۴ زلزله بزرگ رودبار و منجیل، بیم، ورزشقان و کرمانشاه را مدیریت و امدادسانی کرده است. لازم است این خدمات و تلاش‌های جمعیت هلال احمر برای کاهش رنج مردم، تبیین شود. یکی دیگر از فعالیت‌های مؤثر روابط عمومی باید شناساندن امدادگران و داوطلبان بی‌مزد و منت هلال احمر به مردم باشد.

نماینده ولی فقیه در هلال احمر در ادامه با تأکید بر اینکه جمعیت هلال احمر، دستگاه مهربانی است، همانطور که دین اسلام دین مهربانی است، افزود: در نقاطی از کشور که با مشکل کم‌آبی مواجه است، هلال احمر برای کمک

نماینده مقام معظم رهبری

در هلال احمر در دیدار با مدیرکل روابط عمومی جمعیت:

بازتاب صادقانه وقایع اعتمادساز است

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در دیدار با مدیرکل روابط عمومی و ارتباطات مردمی جمعیت تأکید کرد: از وظایف اصلی روابط عمومی در عصر حاضر، برقراری ارتباط دوسویه میان مردم و سازمان و تلاش برای شناساندن انواع خدمات و وظایف گسترده جمعیت هلال احمر به مردم با استفاده از ظرفیت رسانه‌های نوین ارتباطی است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در این دیدار که یاسرا احمدوند معاون فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی و عبدالمجید معزی مشاور نماینده ولی فقیه در هلال احمر و مدیرکل حوزه نمایندگی نیز حضور داشتند گفت: موضوع روابط عمومی یک بحث کاملاً علمی، تجربی، فرهنگی و اجتماعی است. امروز تمام سازمان‌ها و ارگان‌ها دارای روابط عمومی هستند اما بیشترین بهره‌ای که از فعالیت روابط عمومی برده می‌شود، معرفی سازمان به مردم است در حالی که ارتباط میان مردم و سازمان باید دوسویه باشد.

وظیفه روابط عمومی در هر ارگانی این است که مردم را با سازمان آشنا و اهداف، برنامه‌ها و وظایف سازمان را برای مردم مشخص و تبیین کند. علاوه بر این، روابط عمومی وظیفه دارد درخواست‌ها و انتقادات مردم را به گوش مسئولان سازمان نیز برساند و ارتباط مردم با سازمان و سازمان با مردم را تسهیل کند. چرا که اگر این ارتباط، وثیق، تنگاتنگ و مستحکم باشد، مردم به سازمان اعتماد بیشتری خواهند داشت.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با بیان اینکه یکی از اهداف اصلی جمعیت هلال احمر، کاهش آلام بشری است، تأکید کرد: روابط عمومی جمعیت هلال احمر باید با استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی به مردم بگوید که این نهاد برای کم کردن رنج مردم چه فعالیت‌ها و خدماتی داشته است. در عصر ارتباطات و عصری که با انفجار اطلاعات مواجه هستیم باید بررسی کنیم چرا تمام جنبه‌ها و ابعاد گسترده خدمات و فعالیت‌های هلال احمر - علی

مستول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری:

توصیه به ایمنی و سلامت جامعه مصدق امر به معروف است

جلسه شورای معاونین جمعیت هلال احمر استان
با حضور مدیرعامل، مستول دفتر نمایندگی ولی
فقیه و معاونین جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و
بختیاری با رویکرد طرح آمران سلامت برگزار شد.

ایرج کیانی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان در جلسه
شورای معاونین جمعیت هلال احمر استان اظهار داشت:

در راستای لیبیک به فرمایشات و راهنمایی های گهربار رهبر معظم انقلاب اسلامی و
تاکید رییس جمعیت هلال احمر نسبت به اجرای طرح آمران سلامت اقدام می کنیم.
وی ادامه داد: با توجه به اهمیت موضوع و تأکیدات مقام معظم رهبری برای ترویج
فرهنگ پیشگیری از این بیماری و توسعه آموزش های همگانی بر مبنای جلب
مشارکت های مدنی و حمایت بهداشتی درمانی از اقشار آسیب پذیر جامعه این طرح
همزمان با سراسر کشور در سطح استان و در تمام شعب اجرایی می شود.

کیانی تصریح کرد: دبیرخانه آمران سلامت در حوزه سازمان جوانان جمعیت هلال
احمر تشکیل گردیده که در جمعیت هلال احمر استان هم اگرچه پیش از این هم
اقداماتی انجام شده بود، اما در حال حاضر در این طرح با بهرمندی از حداکثر ظرفیت
داوطلبی ضمن جلوگیری از بروز و شیوع بیشتر ویروس در کاهش آلام مردم بزرگ
کشور استان بسیار موثر و راهگشا خواهد بود. مدیرعامل هلال احمر استان همراهی
رؤسای شعب استان و همدلی در طرح آمران سلامت به عنوان لیبیک عملی به منویات
ولایت و راهبرد رییس جمعیت هلال احمر کشور مبتنی بر ضرورت خدمت روز و با
هدف افزایش سطح دغدغه مندی و هوشیاری جامعه شد.

در ادامه حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر جعفری، مستول دفتر نمایندگی ولی فقیه
جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری در این جلسه اظهار داشت: آغاز امامت
حضرت ولی عصر (عج) خود نوعی همدلی و اتحاد بین جامعه مسلمانان به وجود آورد
که می توان از آن در تمام مراحل زندگی درس گرفت. درست در این زمان که ویروس
منحوس کرونا جولان می دهد منویات مقام معظم رهبری رهگشای همه ما شد.

جعفری در ادامه گفت: آغاز فعالیت جوانان و داوطلبان در طرح آمران سلامت
در جمعیت هلال احمر در لیبیک به منویات مقام عظمای ولایت همزمان با آغاز دوران
امامت حضرت منجی عالم بشریت بسیار با مهم و ارزشمند است.

مستول دفتر نمایندگی ولی فقیه جمعیت هلال احمر استان، توصیه به امرایمینی و
سلامت جامعه را مصداق امر به معروف خواند و راضی شدن به مرگ تعدادی از افراد
جامعه و عادی شدن تلفات انسانی کرونا را خطرناک، غیر انسانی و غیر اسلامی دانست.
۳۱ پایگاه آمران سلامت در سطح استان چهارمحال و بختیاری توسط جوانان و
داوطلبان این وظیفه مهم را برعهده دارند. □



به مردم، ورود می کند. در سیل و به گل نشستن منازل
مردم هم، هلال احمر امداد رسانی می کند. این خدمات
باید از سوی مردم دیده شود. در دین اسلام هم به صدقه
علنی اشاره شده است. ما باید این مهربانی ها را به مردم
بشناسانیم و برای امروز جامعه، که بیماری کرونا غم و
اندوه و ترس و وحشت را به خانه ها آورده است باید برای
بودن در کنار مردم، زدودن غبار غم از چهره این مردم و
کاهش رنج آنها برنامه داشته باشیم.

حجت الاسلام والمسلمین معزی سپس با اشاره به بیانات
رهبر معظم انقلاب و تأکید معظم له بر ورود جوانان داوطلب
در موضوع مقابله با ویروس کرونا گفت: روابط عمومی در
حال حاضر رابط میان مسئولان و جوانان و مردم است. باید
بدون مبالغه، به شناساندن فعالیت ها و خدمات و وظایف
هلال احمر در انواع حوادث و غیر آن همچون طرح های
ایمنی و سلامت نوروزی، مقابله با کرونا... بپردازیم.

وی همچنین به جهان شمولی خدمات هلال احمر نیز
اشاره کرد و گفت: در هر نقطه ای از جهان و برای هر مردمی
از هر دین، مذهب، سیاست... حادثه ای رخ دهد و نیاز به
کمک داشته باشند جمعیت هلال احمر امداد رسان و کمک
کننده خواهد بود.

تفاوت جمعیت هلال احمر ایران و جمعیت های ملی
سایر کشورها در این است که ما برای رضای خداوند کار
می کنیم و اگر دست کسی را می گیریم به این دلیل است
که مطابق دین اسلام، اعتقاد داریم بهترین کار، احسان
و نیکی کردن است. پس صادقانه و با نگاه به بیانیه گام
دوم انقلاب اسلامی و با استفاده از ظرفیت و توان نیروی
جوان هلال احمر که داوطلبانه و بدون مزد و منت در حال
خدمت رسانی به مردم هستند، به وظایف روابط عمومی در
جمعیت هلال احمر بپردازیم.



آن را مورد نکوهش قرار می‌دهند.»

نمونه‌های تکریم امداد اخلاقی در قرآن

□ رقابت در انجام خیر

وی در ادامه به آیاتی از قرآن کریم اشاره و افزود: «خداوند در آیه ۴۸ سوره مائده به لزوم رقابت در انجام خیر میان تمام انسان‌ها (اعم از مسلمان و غیرمسلمان، کافر و دیندار) اشاره کرده و در آیات ۴۶ سوره عنکبوت، ۱۲۵ سوره نحل و ۸۳ سوره بقره، بر نیک سخن گفتن با همه انسان‌ها حتی در مجادله تأکید دارد.»

این استاد حوزه تصوف در ادامه به مسئله «حق الناس» و «حق الله» نیز اشاره و یادآور شد: «همیشه حق الناس بر حق الله مقدم است. نجات انسان‌ها بر نماز و طواف واجب هم مقدم است. لذا اگر شما دارید نماز می‌خوانید و کسی در خانه شما را زد که از شما طلبکار بود، می‌توانید نمازتان را بشکنید و طلب او را بدهید. اگر نمازتان دارد قضا می‌شود و می‌بینید که کسی دارد غرق می‌شود، نمازتان را نخوانید و او را نجات دهید.»

□ نجات انسان از برترین فضایل

جوادی با بیان اینکه نجات انسان بر تمام عبادات ترجیح دارد، افزود: «روایت است که امام صادق (ع) همراه با مردی در حال طواف بودند، مردی همراه امام را صدا زد. مرد توجه نکرد. در دور بعدی مرد باز هم او را صدا کرد. امام پرسید: «با تو کار دارد؟» مرد گفت: «بله.» امام فرمود: «چرا جواب او را نمی‌دهی؟» مرد گفت: «چون در طواف واجب هستم.» امام فرمود: «در طواف واجب هم که باشی باید حق مردم را بدهی.» بنا به گفته این پژوهشگر در تعارض این دو مسئله

خداوند امدادگر است

■ حسام خراسانی

یکی از نخستین نشست‌هایی که توسط معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه برگزار شد «امداد اخلاقی در قرآن کریم» نام داشت که با سخنرانی استاد قاسم جوادی ارائه شد. تحلیل و واکاوی موضوعات مربوط به جمعیت هلال احمر و امداد اخلاقی و همچنین بازخوانی روایت‌های قرآنی با محوریت یاریگری از جمله محورهایی است که در این نشست مطرح شد. آنچه در ادامه می‌آید، گزارشی از این نشست علمی - تخصصی است. ■

□ وجدان بشریت

در این نشست دکتر قاسم جوادی با بیان اینکه امداد و امدادگری نیازی به آیه و روایت تاریخ پیامبر و دیگر معصومین ندارد، تصریح کرد: «امداد و امدادگری در وجدان و ذات بشریت است. اتفاقاً اگر وحی‌ها و روایات در طول تاریخ با جعل و وضع مواجه شد، فطرت انسان‌ها دست نخورده ماند.» این پژوهشگر حوزه دین و اندیشه در ادامه به بازخوانی «المیزان» و بیان و اندیشه علامه طباطبایی پرداخت و افزود: «علامه طباطبایی مرتب در «المیزان» تکرار می‌کند که دین باید مؤید فطرت باشد. زیرا مخاطب دین فطرت انسان‌هاست. از آنجائی که مسئله امداد و نجات در فطرت انسان‌ها نهفته است هم حسنتش را درک می‌کنند و هم عدم توجه به

مسابقه بدهند، نه در درّیه نویسی بردین همدیگر.»

۱ امداد رسانی بهترین نیکی

کدامین نیکی و نیکویی بهتر از امداد رسانی وجود دارد؟ این پژوهشگر در ادامه با ذکر پرسش به اهمیت مساله امدادگری می پردازد: «خدمت رسانی به مردم در آن شرایط بد ارجح است برده ها کار خیر دیگر که در شرایط عادی انجام می دهیم. خداوند در آیه ۶ سوره اسراء می فرماید: «أَمْذُنَّاكُمْ يَأْمُؤَالٍ وَبَيْنَ» یعنی «ما به کمک شما آمده ایم با مال و فرزندانمان. در آیه ۲۲ سوره طور آمده است: «أَمْذُنَّاهُمْ بِمَا كَهَيِّةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» یعنی ما شما را با میوه ها و گوشت ها کمک و امداد رسانی کرده ایم.»

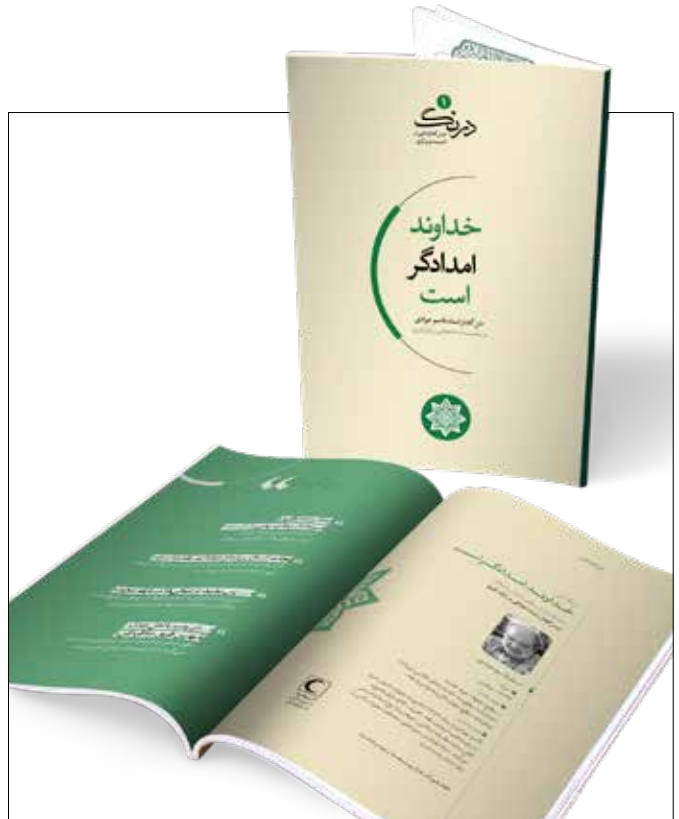
۱ اهمیت وقف

بررسی واکاوی موضوع وقف در قرآن کریم از دیگر محورهای مطرح شد در نشست «امداد اخلاقی در قرآن کریم» به شمار می آید. این پژوهشگر با اشاره به کتاب «شرح لمعه»، شهید ثانی در بحث وقف می گوید: «شهید ثانی معتقد است به چهار دلیل وقف برای غیرمسلمانان و اهل کتاب (چه یهودی ها، چه مسیحی ها، چه زرتشتیان و چه صابئین) درست است. دلیل اول این است که همه اینها مخلوقات خدا هستند و کمک کردن به مخلوقات خدا کار خوبی است. دلیل دوم اینکه شما باید به فقیر کمک کنید؛ هرکه می خواهد باشد.»

او ادامه می دهد: «دلیل سوم شهید ثانی این است که خداوند در قرآن (آیه ۷۰ سوره اسراء) فرموده: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» یعنی «کل انسان ها دارای کرامت هستند.» (قرآن برای انسان ها استثنائی قائل نشده، این مائیم که استثناء می سازیم.) به لحاظ اینکه انسانیت کلاً دارای کرامت و بزرگواری است، باید به آنها خدمت کنیم. دلیل چهارم این است که اگر شما به انسانی کمک کنید شاید در نسل های این افراد، مسلمانی هم پیدا شوند.»

۱ امداد در داستان حضرت یوسف (ع)

بنا به گفته این پژوهشگری یکی از نمونه های تفصیلی قرآن درباره امداد و امداد رسانی داستان حضرت یوسف (ع) است. او در مورد چرایی این نگاه نیز افزود: «این داستان از جهات مختلف جای تأمل دارد. در این داستان سرزنش نزدیک صفر است. کسی کسی را سرزنش نمی کند.» قاسمی در پایان اضافه کرد: «مهم تر از این حضرت یعقوب (ع) است. فرزندانش این همه اذیتش کردند، اما هیچ کدام شان را طرد نکرد. بچه ها به پدرشان یعقوب می گویند: «یا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا» (آیه ۹۷ سوره یوسف) یعنی «پدر از طرف ما استغفار کن.» یعقوب پاسخ داد: «سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ» یعنی «برای شما استغفار خواهم کرد.» با صبر و تحمل یعقوب داستان پایان خوشی داشت. یوسف می خواهد برای این حکومت کار کند. برای این امر باید ذهن حاکم را تطهیر کند؛ پس در مورد زلیخا مردانگی کرد و همه تقصیرها را به عهده گرفت.» □



.....

همیشه

حق الناس بر

حق الله مقدم

است. نجات

انسان ها بر نماز

و طواف واجب

هم مقدم است.

لذا اگر شما دارید

نماز می خوانید

و طلبکار آمد،

می توانید نمازتان

را بشکنید و

طلب او را بدهید.

اگر می بینید که

کسی دارد غرق

می شود، نمازتان

را نخوانید و او را

نجات دهید

همیشه حق الناس بر عبادات مقدم است، این پژوهشگر در تبیین این نیز موضوع خاطرنشان کرد: «هیچ ثوابی نداریم که به پای این ثواب برسد. تا جایی که اگر در زمان نیاز یک فرد به تو نماز بخوانی گناه کرده ای؛ چون وظیفه ات نجات او بوده است.»

۱ یاریگری در قرآن کریم

قاسم جوادی در بخش دیگری از سخنان خود به موضوع یاریگری در قرآن کریم اشاره کرد. وی به بیان اینکه در قرآن مجموعه بسیار از آیات درباره مسئله امداد وجود دارد، اضافه کرد: «اتفاقاً بهترین بخش دین همین پرداخت به مساله نجات است. به طور مثال خداوند در آیه ۴۸ سوره مائده به بحث نزول قرآن و مسئولیت پیامبر پرداخته و در ادامه به چرایی ظهور ادیان متعدد اشاره می کند. «لِيُنذِرَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» یعنی «امت ها را با دینی که به آنها داده ایم آزمایش می کنیم. پس از آن می فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» یعنی «پس بیایید در نیکی ها مسابقه دهید.»

به نگاه این پژوهشگر حوزه اخلاق مسیحی و یهودی و مسلمان بودن فقط اسم است. وی در تبیین این نگاه افزود: «قرآن می گوید شما باید در کارهای خیر با هم مسابقه بدهید. معمولاً موضوع مسابقه چیزی است که دو نفر در آن توافق داشته باشند. ممکن است یک مسیحی صدتا کلیسا بسازد، من هم صدتا مسجد. نه او مسجد را قبول دارد نه من کلیسا را. مسابقه را باید در کار خیری برگزار کنیم که هر دو قبول داریم. یکی به ۵۰۰۰ فقیر غذا بدهد دیگری به ۱۰۰۰۰ نفر. قرآن در این آیه بحث های اختلافی بین همه مذاهب را کنار می زند و از پیروان همه دین ها می خواهد در کار خیر با هم



تجدید میثاق جوانان هلال احمر با آرمان‌های امام راحل

وحدت امت‌های دینی و غیردینی در قالب هلال احمر خودش را نشان می‌دهد

سید حسن خمینی تصریح کرد: جوانان به پارمنی ندارند و به معنای پرانرژی است. البته طبیعتاً تجربه پا به سن گذاشته‌ها باید در کنار قرار بگیرد ولی قدرت، تحول خواهی و عدالت خواهی در جوانان وجود دارد. اتفاقاً این ارزش‌ها است و جامعه باید به این نقطه فکر جوان بها بدهد و او را به رسمیت بشناسد و مشروع بداند.

وی تأکید کرد: اگر این گونه نباشد جوان از عرصه فرهنگی و اجتماعی به فضای دیگری می‌رود و سراغ جوانی کردن به معنای دیگری می‌رود. ولی اگر به مشروعیت و اصل اینکه جوان این خواسته را دارد بها بدهیم، او می‌خواهد چیزهایی که اشتباه می‌داند را عوض کند. آن وقت حتماً اتفاقات بهتری می‌افتد.

یادگار امام با بیان اینکه از دل فکرهای جدید راه‌های جدید می‌آید، افزود: به خصوص در دوره ما که دنیای مجازی شکل گرفته که اساساً پا به سن گذاشته‌ها شناختی از آن ندارند. قدرت ارتباطی که در این فضا هست و هنوز به نظر من بخش بزرگی از آثار عمیقی که می‌تواند روی زندگی ما بگذارد ناشناخته است. غول ارتباطات فعال شده و همه چیز را دستخوش تغییر کرده است. جوانان بهتر این فضا را می‌شناسند.

بنابراین گزارش دکتر قوسیان مقدم، دبیرکل جمعیت هلال احمر در دیدار با سید حسن خمینی گفت: خیلی خوشحال هستم که توفیقی شد تا با حضرت امام و جناب‌عالی به عنوان یادگار امام (ره) تجدید میثاق و بیعتی داشته باشیم. وی افزود: من می‌دانم که شما در جریان همه برنامه‌های هلال احمر هستید و می‌دانید جوانان، نیروهای علاقه‌مند و بسیار با استعدادی هستند که در همه بحران‌ها به میدان می‌آیند.

همزمان با هفتاد و سومین سالروز تأسیس سازمان جوانان هلال احمر، دبیرکل و معاونان جمعیت هلال احمر با حضور در حسینیه جماران ضمن تجدید میثاق با آرمان‌های امام راحل، با حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی دیدار کردند.

حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی در این دیدار با تأکید بر اینکه اصل ماهیت هلال احمر بسیار مهم است، گفت: بنیان هلال احمر بر اساس توجه به ماهیت انسانی، بدون اینکه چگونه می‌اندیشی، است. کمک ما به انسان‌ها متوقف بر عقیده آنها نیست و به همین جهت هلال احمر ارزشی بسیار بالا پیدا می‌کند. البته به این معنا نیست که ما از زاویه دینی خدمت نمی‌کنیم. ما از زاویه دینی و به مدد یک دستور دینی عمل می‌کنیم ولی به همه کمک می‌کنیم.

یادگار امام با بیان اینکه برای کار در هلال احمر لازم نیست کسی عقایدش را کنار بگذارد، ادامه داد: اتفاقاً هر چه با اعتقاد بیشتر کار کند بهتر عمل می‌کند. اما اینکه این خدمت را به چه کسی ارائه می‌دهد محدود به عقیده نیست. البته این کمک را با همان اندیشه‌ای انجام می‌دهیم که از دین مبین اسلام و اندیشه مرفعی پیامبر وام گرفته ایم. لذا وحدت امت‌های دینی و غیردینی در قالب هلال احمر خودش را نشان می‌دهد.

وی اظهار داشت: هفتاد و سومین سالگرد تأسیس سازمان جوانان جمعیت هلال احمر است و این سازمان از سن بلوغ عبور کرده است. اما موضوعش که جوانان است، موضوع بسیار با اهمیتی است. همین حسینیه جماران یادآور نهضتی است که همه افراد آن جوان بودند و جوانان مدیریت کرده‌اند.

شیوه رفتار با کودکان در شرایط سخت شیوع ویروس کووید ۱۹

مهربان و مراقب باشیم

|| **عذرا والی، رئیس اداره پیش دبستانی و مهدهای کودک سازمان جوانان هلال احمر**

« کودکان سرمایه‌های انسانی آینده جامعه محسوب می‌شوند که یکی از اهداف اصلی توسعه پایدار توجه به این گروه از جامعه است، حفاظت از کودکان در برابر شرایط مخاطره‌آمیز ناشی از ویروس کووید ۱۹ و تبعات اجتماعی و اقتصادی روزافزون و پیشگیری از آثار و عوارض آن می‌بایست بیش از همیشه توسط والدین و نهادهای متولی مورد توجه جدی قرار گیرد. کودکان با توجه به شرایط سنی و رشدی خود تصور و درک صحیحی از مسائل نداشته و در صورت کم‌توجهی یا عدم آگاهی والدین در اتخاذ اقدامات پیشگیرانه، شکل‌گیری صحیح هویت و شخصیت و در پی آن، سلامت جسمی و روحی کودکان، تحت تأثیر آسیب‌های جبران‌ناپذیر ناشی از شرایط به وجود آمده قرار خواهد گرفت. در شرایط حساس و سخت کنونی می‌بایست، ضرورت‌ها و روش‌های آموزشی و تربیتی کودکان و نونهالان بیش از پیش مورد توجه و مذاقه همه مسئولان و کارشناسان امور آموزشی و تربیتی قرار گیرد. با توجه به اهداف عالی جمعیت هلال احمر، می‌بایست برنامه‌ریزی‌های مدون و مرتبط در راستای کمک به ایجاد زندگی ایمن همراه با حفظ کرامت، ایجاد فرصت‌های شکوفایی استعداد کودکان و ترویج مفاهیم و فرهنگ صلح، نودوستی، مهرورزی و خودمراقبتی بین کودکان انجام پذیرد تا ضمن کمک به حفظ و ارتقای سلامت جسمی، روحی و آرامش کودکان دل‌بند و آینده‌سازان کشور عزیزمان ایران، تحقق اهداف و آرمان‌های انسان دوستانه سازمان جوانان جمعیت هلال احمر را نیز فراهم آورد.

□ **وظایف خانواده‌ها**

خانواده‌ها می‌بایست در خصوص ویروس کووید ۱۹ با فرزندان خود صحبت کنند، در حد درک و فهم کودکان توضیح داده شود که چرانی توانند مانند گذشته به مراکز تفریحی یا پیش‌اقوام خود بروند، چرا مهدها و مدرسه‌ها تعطیل است یا تا چه زمانی ممکن است این شرایط ادامه داشته باشد همچنین از کودکان بخواهند که افکارشان را بیان کنند و توجه کافی به نشانه‌های نگرانی مانند تغییر در زبان بدن یا لحن سخن گفتن آنها داشته باشند. سوالات آنها را به بهترین نحو ممکن پاسخ دهند. به کودکان یادآوری کنند که می‌توانند برای هر نگرانی یا پرسشی، هر زمان که خواستند پیش والدین خود بیایند و رعایت نکات زیر مورد تأکید است:

- « تا حد ممکن توجه خود را به حفاظت و حمایت از خود و کودکان دل‌بندتان معطوف دارید.
- « فضای خانواده را از شنیدن اخبار و گزارش‌های منفی روز دورنگه دارید.
- « به رعایت اصول بهداشتی و استفاده از ماسک کودکان خود، نظارت کافی داشته باشید.
- « در پاسخ به سوالات کودکان به بیان حقایق اکتفا و صادقانه و شفاف با او گفتگو کنید.
- « به منظور پیشرفت تحصیلی کودک خود با مربی و معلم آموزشی او، همکاری و تعامل کافی داشته باشید.

« شرایط دشوار اقتصادی را در حضور کودکان بازگو نکنید و منابع مالی خود را به درستی مدیریت و هزینه‌های زندگی را اولویت بندی کنید.

« اگر نگران هستید استراحت کنید و تا حد ممکن در حضور کودکان، نگرانی‌ها و استرس‌های ناشی از شرایط حاکم را کنترل کنید.

« با بازی‌های سرگرم‌کننده و فعالیت‌های مفرح، کودکان را مشغول کنید.

« در آشپزی، نظافت و کارهای منزل فرزندان خود را مشارکت دهید.

« با دوستان و اقوام، برای بهبود حال خود گفتگوی تلفنی داشته باشید و این امکان را برای کودکان خود نیز فراهم آورید.

« در فعالیت‌های مورد علاقه کودکان مشارکت فعال داشته باشید.

« از تهدید کلامی با کودک و به نوعی بدرفتاری‌های عاطفی در هر صورتی بپرهیزید.

« بر حضور کودکان در فضای مجازی، نظارت داشته باشید. در این ارتباط، یونیسف نیز از والدین می‌خواهد تا قوانینی درباره چگونگی، زمان و مکان استفاده از اینترنت با موافقت و همراهی کودکان وضع کنند، نسبت به علایم استرس و پریشانی کودکان که ممکن است ناشی از فعالیت‌های آنلاین آنها باشد هوشیار باشند، اطمینان حاصل کنند که دستگاه‌ها و گوشی‌های هوشمند در دسترس کودکان به جدیدترین نرم‌افزارها و برنامه‌های ضد ویروس مجهز باشد، با کودکان خود گفتگوی آزاد و دوستانه درباره چگونگی ارتباط با سایرین در زمان اتصال به اینترنت داشته باشند و در نهایت والدین با سیاست‌های مدرسه و کودکان نیز با شماره تلفن‌های اضطراری آشنایی داشته باشند. □





گفتگوی «مهر و ماه»
با «شیما کریمی»
نجاتگر خلاق
جمعیت هلال احمر

تسکین درد با مرهم شعر

حسام خراسانی

لغات حوزه کودک و هنر آنچنان مسلط نبودم اما به مرور این فعالیت‌ها شکل و مدل بهتری گرفت.

چه انتظاری از مسئولان جمعیت هلال احمر دارید؟

از خلاقیت در عرصه داوطلبی حمایت کنند. امروز آموزش باید با زبان هنر و خلاقیت بیشتر دنبال شود. موشن گرافیک، نقاشی، شعر، نمایش و... قالب‌های مناسبی برای ترویج مفاهیم داوطلبی و آموزش همگانی هستند که می‌توان از این قالب‌ها استفاده کرد.

در مورد اشعار سروده شده تان بیشتر توضیح دهید؟

کوتاه بخواهم بگویم این اشعار یک چکیده از دروس کمک‌های اولیه است.

چند سال دارید؟

بیست و نه سال

اهل کدام شهر هستید؟

شهرستان آباده در استان فارس

چگونه با جمعیت هلال احمر آشنا شده‌اید؟

من به یادگیری کمک‌های اولیه علاقه داشتم، همین علاقه من را به سمت جمعیت هلال احمر سوق داد. حدود ۱۲ سال پیش.

در حال حاضر در جمعیت هلال احمر در چه عرصه‌ای فعالیت می‌کنید؟

در عرصه امدادگری، دوره‌های امدادگری را تا حدودی طی کرده‌ام و در حال حاضر نجاتگر درجه سه هستم. امیدوارم بتوانم در این عرصه با توانمندی بیشتری خدمت کنم.

همه ما معمولاً یک تصویر و برداشت مشخص از موضوع کمک‌های اولیه و کلاس‌های آشنایی با کمک‌های اولیه داریم. بانداژ، جعبه کمک‌های اولیه و برانکار؛ این‌ها از جمله ابزارهای است که آدم را به یاد این کلاس‌ها می‌اندازد. اما برای یک لحظه فکرش را بکنید یک نجاتگر باشد، آن هم یک نجاتگر شاعر که این کلمات را در قالب هنر و شعر آموزش دهد. «شیما کریمی» همان نجاتگری است که سعی دارد، موضوع کمک‌های اولیه را با بهره‌گیری از هنر شعر و نمایش به کودکان و نوجوانان آموزش دهد. این نجاتگر جوان از نوجوانی همراه با آموختن و پرداختن به هنر، در فعالیت‌های داوطلبانه نیز مشارکت کرده و حالا نزدیک به دوازده سال است که با عنوان نجاتگر هنرمند در جمعیت هلال احمر فعالیت می‌کند. خانم کریمی در در کنار فعالیت در زمینه علمی، در عرصه هنر نیز در قالب نمایش و ادبیات با تمرکز بر رویکرد داوطلبی، فعالیت‌های خود را دنبال می‌کند. به همین منظور «مهر و ماه» در این شماره به انتشار چند نمونه از اشعار این نجاتگر جوان هنرمند و همچنین گفت‌وگویی کوتاه با او پرداخته است. در این گفت‌وگو این نجاتگر هنرمند از اهمیت خلاقیت در فضای داوطلبی حرف می‌زند.



«پرداختن به مسأله کمک‌های اولیه با زبان ادبیات»؛ چه شد که تصمیم به چنین کاری گرفتید؟

به نظرم آمد، ظرفیت بسیار خوبی در این هنر وجود دارد، تا افراد بیشتر با این موضوع آشنا شوند. البته در این عرصه ایده‌های بسیاری دیگری هم دارم تا در بستر داوطلبانه عملی کنم.

دقیقاً چه ایده‌هایی؟

مثلاً بهره‌گیری از هنر نمایش. من فعالیت‌ها را در سال‌های ۹۴ تا ۹۶ با یک نمایش نامه تئاتر و دو فیلمنامه شروع کردم. ما می‌خواهیم مفاهیم غنی را که در جمعیت هلال احمر وجود دارد، ترویج کنیم. اما مشکل اینجاست وقتی شما موضوعی مثل کمک‌های اولیه را در جستجوگرها سرچ می‌کنید بیشتر مقالات سنگین و تئوری را می‌بینید. این مفاهیم را چطور باید به کودکان ۷ تا ۱۰ ساله آموزش دهیم؟ به همین دلیل سعی کردم از هنر برای انتقال این مفاهیم بهره بگیرم. بهتر بگویم هنر با رویکرد داوطلبی را دنبال کردم.

این موضوع کار را سخت نمی‌کند؟

در اوایل فعالیت، این موضوع مقداری کار را برای من سخت کرده بود، چون من به دایره



▣ جعبه کمک های اولیه

اندازه هاش کوچک، بزرگ مدل هاش، قشنگ
برای اینکه آسیب نبیند و سالیبش سالم بمونه
پلاستیکی، آلومینیوم برزنتی یا جنس فوم
بعضیا شون طبقه ای رنگاش سفید و نقره ای
برای اینکه معلوم باشه همه جا زود پیدا شه
لوازمون یکی یکی قطار میشن تک تکی

▣ شکستگی

اگر زمین خوردیم یا از جایی افتادیم
دچار آسیب شدیم باید که خون سرد باشیم
اگر کمی درد یا که ورم کرد
بد شکل و کبود دچار زخم بود
آروم محل و لمس کن بی احتیاطی نکن
چک کن گردش خون حس و حرکت استخون
عضو و بالا نگه دار روش و یخ بزار
باند کشی می پیچی بهش استراحت می دی
اندام و بی حرکت می کنی سریع باید آتل کنی
می بریش به مراکز درمان زیر نظر پزشکان
با روش صحیح خوب بشه مشکلی درست نشه
این نکات جدیه عمل کنید عالیه

▣ پانسمان زخم

اگه یه زخمی دیدی یه وقت دست پاچه نشی
اگه زخمش کوچیکه یه چسب زخم کافیه
ولی اگر بزرگ تره پانسمان بهتره
اول دستکش می پوشی تا که بیمار نشی
گاز و روش فشار می دی با باند روش و می بندی
اگر بازم خون میاد یه راه دیگه می خواد
اندام و بالا نگه داری زود بیمارستان بری
اونجا شست و شو میدن بعد بخیه می زنی
پانسمان و عوض کن از مراقبت کم نکن
تا زخمش زود خوب بشه یه وقت عفونی نشه

▣ اگه زنبور تور گو زید؟

چک کن جای گزش نیش و بیرون بکش
با آب و صابون بشور تا عفونت بشه دور
کیسه یخ رویار آروم روش بزار
علائمش کم بشه دچار خارش نشه
برای دوری اذ درد اگه ورم کرد
کرم گزش بمال روش همه چی می شه فراموش

▣ زلزله

وقتی که زلزله میاد از ساختمون بیرون بیاید
اگه زمان کافی نیست یاراه تا در طولانی ست
یه جای خوب پناه می گیری یه جای ایمن می ری
با هر وسیله که داری روی سرت می گیری
اگه بیرونی تو کوچه یا خیابونی
یه جای باریکی یا کنار شکافی
کنار ساختمون تیرهای برق خیابون
باید که زود فرار کنی سریع از اونجا دور بشی
یه جای خوب پناه می گیری یه جای ایمن می ری
اگه یه جای شلوغی یا به پله نزدیکی
باید هجوم نیاریم یا سمت پله نریم
با حفظ خون سردیمون کمک کنیم به خودمون

▣ تصادف

برای حفظ ایمنی باید مراقب بمونی
اگه خواب آلودیم یا خیلی خسته بودیم
هنگام عصبانیت برای مراقبت
زود به فکر باشیم استراحت و انتخاب کنیم
هر دو ساعت رانندگی باید استراحت بکنی
خستگی می مونه تو تنت آسیب می زنی به خودت
وقته یه کار عالیه کمک گرفتن ضروریه
از اورژانس کمک بگیرید صحنه رو توضیح بدید
اگه آدرس و درست ندید وضعیت و اشتباه بدید
دیر می رسن بیشتون مشکل می شه براتون
باید که آروم باشید تو دست و پا نباشید
اونا تجهیزات دارن به کارشون واردن
کارا زود انجام می شه تا بی نظمی تمام شه
بچه ها خسته نباشید همیشه فعال باشید

▣ برانکار

یه وسیله محکم ببر مصدومارو کم کم
مدل های چوبی تاشو یا فلزی
باید که با شمارش با قدرت و با دانش
یک و دو سه می گیم باید هماهنگ باشیم
اگه هماهنگی نباشه زود از جاش پاشه
افراد جای مناسب نباشن یا زود جا به جاشن
حلمون درست نمی شه مصدوم بالا پایین می شه
حالا که دیگه فهمیدید فکر کردید و حدس زدید
بگید و سیلمون چیه؟ بگید بینم که اون چیه؟
برانکارد برانکارد



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر زنجان خبر داد

مشارکت فعال کانون‌های طلاب در مبارزه با کرونا

حجت الاسلام و المسلمین نصیری از مشارکت فعال کانون‌های طلاب استان زنجان در مبارزه با کرونا خبر داد. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال



احمر استان زنجان با اشاره به فعالیت‌های مستمر اعضای طلبه کانون‌های طلاب این استان در امور خیرخواهانه گفت: در مرکز استان گروه ۹۰ نفره طلاب عضو هلال احمر در قالب ۸ تیم، اقدام به ضد عفونی معابر اصلی و پرتدد سطح شهر و همچنین مکان‌های احتمالی آلوده به ویروس کرونا نمودند.

وی به دیگر اقدامات در خصوص مبارزه با ویروس کرونا توسط کانون‌های طلاب، خانه‌های هلال و مساجد برای تهیه بسته‌های معیشتی ویژه نیازمندان و توزیع آن اشاره کرد و در ادامه با تاکید بر دستور رهبر معظم انقلاب مبنی بر حضور داوطلبان و جوانان در عرصه مبارزه با ویروس کرونا، از برگزاری جلسه برنامه‌ریزی در خصوص اجرای طرح آمران سلامت این استان خبر داد و گفت: در این طرح علاوه بر حضور جوانان و داوطلبان، طلاب عضو کانون‌های طلاب هلال احمر نیز حضوری فعال دارند ضمن آنکه بیش از ۳۰۰ طلبه جوان در کانون‌های طلاب هلال احمر سراسر استان زنجان فعالیت می‌نمایند.

حجت الاسلام و المسلمین نصیری با بیان اینکه جمعیت هلال احمر استان زنجان ۴ کانون فعال و پویای طلاب دارد افزود: تلاش می‌کنیم تا کانون طلاب خواهران نیز به زودی فعالیت خود در مراکز استان را آغاز کند. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر اردبیل:

اهانت به اسلام نشان دهنده ترس از گسترش دین مبین است

حجت الاسلام و المسلمین سید علی فاطمی نیا مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر اردبیل در دیدار با امام جمعه عنبران با بیان اینکه به مناسبت هفته وحدت و وظیفه بود که ضمن دیدار با امام جمعه اهل تسنن این مناسبت بزرگ را تریبک بگوئیم گفت: توهین عده‌ای ملعون به دین مبین اسلام حقانیت دین اسلام و پیامبر اکرم (ص) را نشان می‌دهد و دشمنان اسلام باید ببینند که شیعیان و اهل تسنن اتحاد و پیوند ناگسستنی دارند. وی با بیان اینکه اعتراضات و تجمعات اعتراضی باید در تمام کشورها علی‌الخصوص کشورهای اسلامی برگزار شود، اظهار کرد: اهانت به دین مبین اسلام به دلیل ترس از گسترش این دین در بین کشورهای اروپایی و آمریکایی است و حتی کشیش‌های فرانسوی اذعان کرده‌اند که تا چند سال دیگر ۵ درصد مردم فرانسه مسلمان خواهند شد.

حجت الاسلام سید یاور مرادی امام جمعه شهر عنبران هم با بیان اینکه شیاطین حملات و هجمه‌های زیادی به اسلام می‌کنند، افزود: حضرت محمد (ص) دل‌های ما را نرم کرده و به هم نزدیک کرده باید همواره به سیره نبی اکرم (ص) تمسک کنیم. یکی از سیره‌های پیامبر کمک به افراد مسکین بود و ما هم باید این کار را انجام دهیم. خدمت در جمعیت هلال احمر و نجات جان انسان‌ها در شرایط دشوار توفیق الهی است. در حاشیه این مراسم مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر ضمن نشست با اعضای خانه هلال عنبران با حضور در پایگاه آمران سلامت از نزدیک در جریان ارائه خدمات در این منطقه نیز قرار گرفت.

کمک به مستمندان سیره پیامبر است

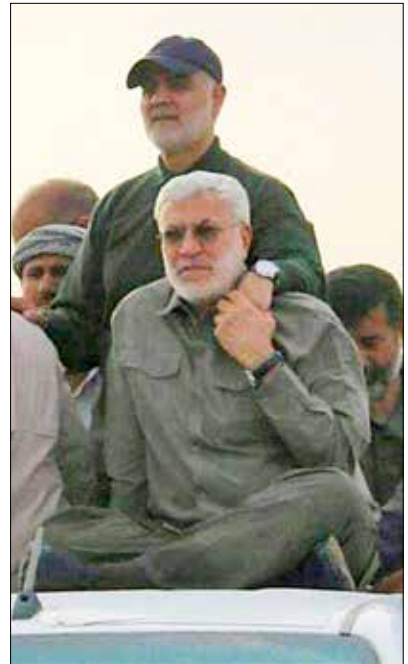
همچنین حجت الاسلام و المسلمین سید علی فاطمی نیا در جشنی که به مناسبت هفته وحدت و در آستانه ولادت با سعادت حضرت پیامبر (ص) در شهرستان نمین برگزار شد، تصریح کرد: این الگو می‌تواند انسان را به سعادت دنیوی و اخروی برساند. انسان باید در تمام ابعاد زندگی، پیامبر اکرم (ص) را الگو و اسوه خود قرار دهد. حجت الاسلام و المسلمین سید علی فاطمی نیا با اشاره به اینکه کشور ما اسلامی بوده و مردم ما مسلمان هستند، ادامه داد: از کشور اسلامی و مردم مسلمان انتظار بالایی می‌رود و ما باید بتوانیم به این انتظارات دینی جامه عمل بپوشانیم. دشمنان و بدخواهان نظام و انقلاب اسلامی به دنبال ایجاد اختلاف در کشور هستند اما ما با تبعیت از فرمایشات مقام معظم رهبری همه نقشه‌های آنها را نقش بر آب می‌کنیم. در پایان این مراسم از اعضای فعال کانون‌های شهرستان و برندگان مسابقات مجازی حوزه جوانان تجلیل شد. □



برندگان شماره ۲۴



محمدعلی هاشم پور. آذربایجان شرقی، مرند	۹۱۴۱۹۰۸**۴
محبوبه ناظمی. فارس، کازرون	۹۱۷۹۲۳۰**۷
محمد ملاحسنی. قزوین	۹۳۵۲۹۷۶**۹
زهرا شهبازی. قم	۹۹۰۴۶۵۷**۶
لطف الله فتاحی دهکردی. چهارمحال و بختیاری	۹۳۰۳۰۷۱**۷
داود وفایی. چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۳۸۳۲**۷
داود زمانیان. خراسان جنوبی، طبس	۹۱۳۲۵۲۹**۱
خسرو جمشید دوست. گیلان، املش	۹۰۱۲۵۴۹**۲
حمیده دانایی. خراسان جنوبی	۹۱۵۵۶۱۶**۲
محمد حسین صادقی. زنجان	۹۱۲۳۴۱۱**۶
احمد سریزدی. کرمان	۹۱۳۳۹۶۹**۹
مروارید باغدار. خراسان رضوی، خواف	۹۹۰۹۵۳۱**۴
نساء حاجی آبادی. خراسان جنوبی، بیرجند	۹۹۰۰۷۷۳**۹
حیدر عابدیان. فارس، کازرون	۹۳۰۷۲۱۱**۹
فاطمه راستی. فارس، کازرون	۹۱۷۲۲۰۰**۶
حامد فرجی. گیلان	۹۱۲۸۵۷۲**۶
محمود میرزاعلی. گلستان	۹۳۰۵۲۶۷**۷
یاسر ملک حسینی. ایلام	۹۱۸۸۴۱۶**۷
عبدالرئوف ملا نیازی. خراسان رضوی، مشهد	۹۳۵۷۷۲۷**۵
فرزانه فیروزی. چهارمحال و بختیاری، بروجن	۹۱۳۹۸۶۴**۵
حامد امیغ. گیلان، بندرانزلی	۹۱۱۲۴۰۳**۳
سمانه دروگر. خراسان رضوی	۹۱۵۷۷۳۷**۱
بهناز صالحی. کرمان	۹۱۳۱۹۸۴**۴
علی رضا دولتشاهی. سمنان	۹۱۶۶۶۹۴**۵
مهری سهراب زاده. همدان	۹۱۸۶۷۴۸**۹
محمد یوسفی پور ماجد. آذربایجان شرقی، تبریز	۹۱۴۳۱۴۶**۲
وحید کرمی. بوشهر	۹۳۵۸۳۵۶**۵
عبدالناصر یوسفی. کرمانشاه، جوانرود	۹۱۸۹۹۶۶**۷
مصطفی طاهری. تهران	۹۱۹۸۳۹۲**۸
علی حسینی. قم	۹۱۹۱۴۸۷**۱
بهرام کفیلی. آذربایجان شرقی	۹۱۴۴۳۱۷**۳
فاطمه شکرپان. قزوین	۹۱۲۷۸۴۴**۴
نیره عبدایمانی. اردبیل	۹۱۴۱۵۹۸**۳
سید علی حسینی یزدی. قم	۹۱۲۸۵۱۰**۰
ایرج صدیقی. تهران	۹۱۲۲۱۳۳**۰
داود زرگری. زنجان	۹۰۱۶۷۴۵**۷
بتول آبکار. قزوین	۹۳۵۶۱۹۹**۲
علی رضا کاظمی. سمنان	۹۱۲۲۳۱۴**۶
عسکر فرجی نیری. اردبیل، نیر	۹۱۴۴۵۲۳**۴
بتول افضل. یزد	۹۱۳۲۵۸۷**۰



مسئول دفتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خوزستان خبر داد

برگزاری جشنواره فرهنگی سردار دل‌ها

مسئول دفتر حوزه نمایندگی

ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خوزستان در نشست شورای فرهنگی گفت:

به مناسبت نخستین سالگرد شهادت سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی برنامه‌هایی از جمله جشنواره فیلم، عکس و خاطره با موضوع حضور و کمک رسانی سرداران شهید حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در سیل سال گذشته برنامه ریزی و برگزار خواهد شد.

حجت الاسلام والمسلمین انصاری از تلاش جهت افزایش تعداد شعب برگزار کننده نماز جماعت در سطح استان خبر داد و افزود: با لطف خداوند این تعداد اقامه نماز جماعت، از ۵ اقامه نماز جماعت در مجموعه جمعیت هلال احمر خوزستان به برپایی ۱۲ نماز جماعت در شعبات جمعیت هلال احمر افزایش یافت. همچنین از جمله اقدامات خوب شورای فرهنگی این جمعیت با توجه به شیوع ویروس کرونا همکاری با هیأت‌های مذهبی در اجرای دستورالعمل‌های بهداشتی در مراسم‌های دینی بود. □





زمان ارسال پیام تا ۲۵ آذر

مسابقه پیامکی مروان

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهرماه می توانند با مطالعه سؤالات زیر، پاسخ آن را در بخش های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۴۸۶۶۴۴۰۰ ارسال کنند.

پاسخ شما باید یک عدد ۸ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سؤالات است. به طور مثال: در سوال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سوال ۲ گزینه شماره ۴ و در سوال ۳ گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰
ضمناً همراه عددهای ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت تان را قید کنید.

به برگزیدگان جوایزی اهدا می شود.



توجه و تأکید عقلانیت غربی بر کدام یک از موارد زیر است؟

۱. عقلانیت ابزاری
۲. عقلانیت معرفتی
۳. عقلانیت اخلاقی
۴. عقلانیت سیاسی

۵۱

«آرمان واقع بینانه انقلاب اسلامی» به کدام یک از موارد زیر اطلاق می شود؟

۱. استکبارستیزی
۲. مردم سالاری دینی
۳. دین محوری
۴. عدالت طلبی

۵۲

حدیث شریف «رستگاری در مشورت کردن است» از کدام یک از ائمه بزرگوار است؟

۱. امام صادق (ع)
۲. حضرت علی (ع)
۳. امام باقر (ع)
۴. امام رضا (ع)

۵۳

تعبیر «عالمه غیر معلمه» درباره کدام یک از بانوان بزرگوار تاریخ بکار برده شده است؟

۱. حضرت زهرا (س)
۲. حضرت هاجر
۳. حضرت زینب (س)
۴. حضرت مریم (س)

۵۴

کدام یک از کتب زیر رئیس جمهور فعلی امریکا را «جامعه ستیز و دچار ناهنجاری های متعدد» می داند؟

۱. ترس
۲. در برابر استبداد
۳. نه گفتن، کافی نیست
۴. خیلی زیاد اما همیشه ناکافی

۵۵

ماجراهای رمان «من برمی گردم» در چه دورانی به وقوع می پیوندد؟

۱. حجاج بن یوسف
۲. هارون الرشید
۳. معتصم عباسی
۴. مأمون

۵۶

چه کشوری در «کنفرانس تهران» شرکت نداشت؟

۱. امریکا
۲. شوروی
۳. انگلیس
۴. ایران

۵۷

«کتاب زرد» نوشته کیست؟

۱. آیت الله سید حسن مدرس
۲. آیت الله طالقانی
۳. شیخ فضل الله نوری
۴. آیت الله کاشانی

۵۸

در بزرگداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس برگزار می‌کند

ششمین جشنواره جهانی هنر مقاومت

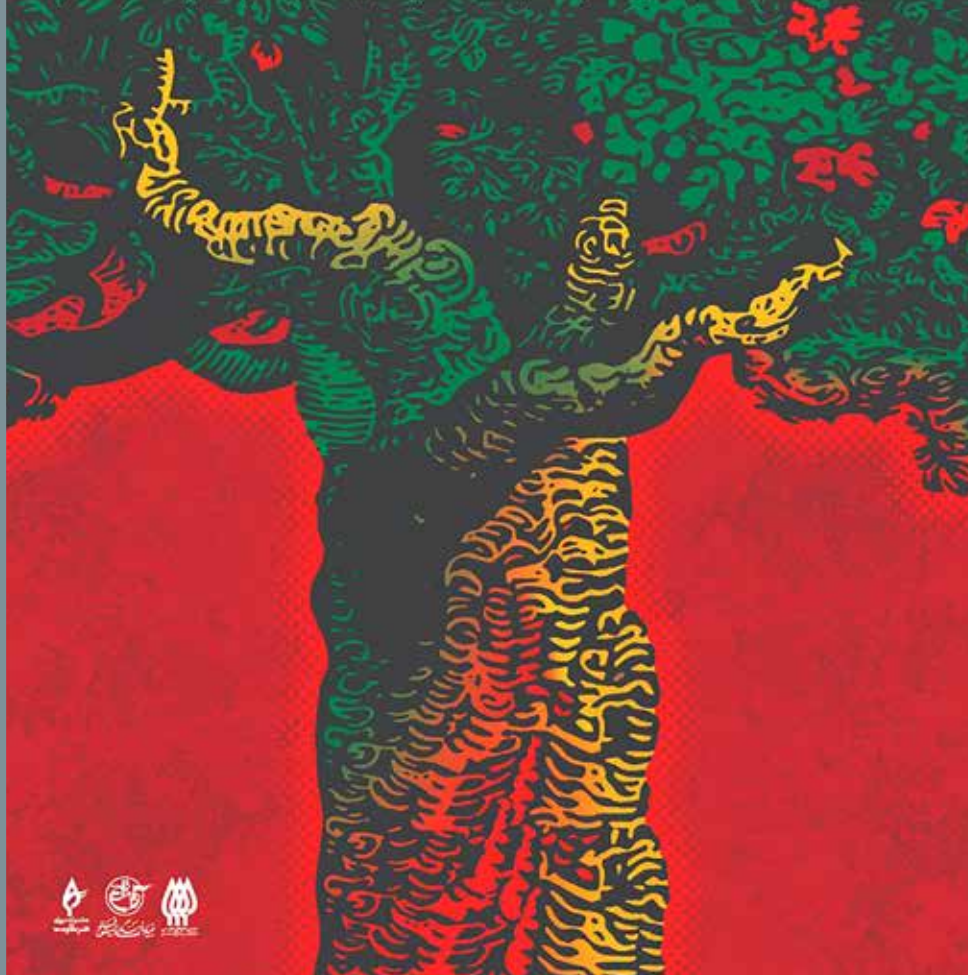
THE 6TH INTERNATIONAL FESTIVAL OF THE ART OF RESISTANCE

Painting, Sculpture, Cartoon & Caricature, Photography, Illustration, Graphic design, Flag inscriptions and Typography

نقاشی | حجم | کارتون | عکس | تصویرسازی | پوستر | پرچم و کتیبه | تایپوگرافی

مهلت ثبت نام و ارسال تصاویر آثار: ۱۵ آذر ۱۳۹۹ | انتخاب و داوری: دی ماه ۱۳۹۹ | اعلام نتایج و اکران آثار: بهمن ماه ۱۳۹۹ | زمان برگزاری جشنواره: بهمن ماه ۱۳۹۹

W W W . r e s i s t a r t . i r



فراخوان شرکت در ششمین جشنواره جهانی هنر مقاومت تا ۱۵ آذر
در بخش‌های نقاشی، کارتون، حجم، عکس، پرچم و کتیبه، تایپوگرافی، تصویرسازی و عکس

